

## رساله در آداب جنگ و قانون مشق نظام در ایران دوره قاجار تألیف سرهنگ علیرضا یکانلو مرنده

[بر اساس نسخه خطی شماره ۶۵۹ کتابخانه مجلس، از مجموعه اهدایی کریم زاده تبریزی]

به کوشش یوسف بیگ باباپور  
مینا آقازاده

### مقدمه

از دیرباز تا کنون، کشورهای مختلف، به منظور حفظ امنیت در مقابل دشمنان داخلی و خارجی و افزایش سطح کارایی، اقدام به آموزش‌های نظامی می‌کردند و افرادی توانمند و لایق را جهت دفاع از سرزمین خویش تربیت می‌کردند. آموزش نظامی در هر کشوری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود و وجود یک نیروی نظامی معتبر و قدرتمند، نخستین و اساسی‌ترین نیاز یک ملت برای آسایش جامعه بود. ضرورت این امر بر سران هر کشوری نیز مبرهن و آشکار بود. حمایت از دستاوردهای فرهنگی، دینی و اقتصادی هر کشوری نیازمند نگرهبانان همیشه بیدار و شجاع بود تا از موجودیت و تمامیت یک کشور محافظت کنند. ایران نیز همچون کشورهای دیگر همواره سعی بر حفاظت از مرز و بوم خویش داشته و در این راستا از هیچ تلاشی فروگذار نکرده است. هر چند این تلاش‌ها در هر دوره تاریخی با روی کار آمدن افراد مختلف کمرنگ یا پررنگ می‌شده است.

ساختار نظامی ایران در دوره قاجاریه، به‌ویژه در نیمه نخست آن، در مرحله بسیار ابتدایی قرار داشت و هنوز فن‌آوری و دانش نظامی جدید به آن راه نیافته بود. در دوره فتحعلیشاه، شاهزاده عباس میرزا در راستای نوسازی ارتش ایران با بهره‌گیری از متخصصین اروپایی اقداماتی چند در این زمینه انجام داد و توانست قسمتی از ارتش ایران را به سبک و سیاق نظام اروپایی مجهز کند. اما این نوسازی تمام ارتش

ایران را در بر نگرفت؛ به گونه‌ای که بخش عظیمی از ارتش ایران همچنان سنتی باقی ماند. این روند تا دوره محمدشاه نیز ادامه یافت، به گونه‌ای که ارتش سنتی و ارتش مدرن در کنار یکدیگر به کار خود می‌پرداختند.

نخستین حرکت اصلاح‌طلبی درون حاکمیت قاجارها به سال‌های آغازین قرن نوزدهم یعنی زمان ولیعهدی «عباس میرزا» بر می‌گردد. جنگ‌های ایران و روس و شکست‌های پی در پی ایرانیان چشمان «عباس میرزا» را به روی دنیای دیگری گشود. به گفته حامد الگار، عباس میرزا و مشاور دانشمند او «قائم مقام فراهانی» با پی بردن به دلایل شکست ایرانیان درصدد جبران آن برآمدند. در این راه ابتدا قوای نظامی مدرنی به نام نظام جدید بر اساس الگوی ارتش‌های نوین اروپایی ایجاد شد. همچنین نخستین دسته از محصلین ایرانی برای فراگیری علوم و فنون جدید مانند پزشکی، داروسازی، چاپ، توپ‌ریزی، آموزش زبان‌های اروپایی و فنون نظامی راهی اروپا شدند. به‌علاوه «عباس میرزا» تلاش داشت تا در تبریز توسط مسیونرهای مذهبی یک مدرسه جدید ایجاد کند که مسلمانان و مسیحیان با هم در آنجا به تحصیل بپردازند.

در اوایل دوره قاجار و در جریان جنگ‌های ایران و روسیه، دولتمردان ایران به ضعف‌های مفرط سازمان نظامی بیش از پیش پی بردند و درصدد چاره‌جویی برآمدند. میرحسین یکرنگیان در کتاب سیری در تاریخ ارتش ایران می‌گوید: «به این منظور و برای بهبود ضعف‌های موجود، عباس میرزا چند تن از ایرانیان را برای فراگیری علوم و فنون جدید به اروپا اعزام کرد و افزون بر آن از مستشاران خارجی، از جمله ژنرال گاردان فرانسوی، برای آموزش نظامیان ایران دعوت به عمل آورد. در اقدامی بنیادین‌تر، میرزا تقی‌خان امیرکبیر، نخستین صدراعظم ناصرالدین شاه، تأسیس مدرسه دارالفنون را در سال ۱۲۶۶ ق. برای تربیت نیروی انسانی متخصص مورد نیاز کشور آغاز کرد. کامران میرزا، نایب‌السلطنه و فرزند دوم ناصرالدین شاه، که مسئولیت وزارت جنگ ایران را به عهده داشت، در سال ۱۳۰۳ ق. مدرسه نظام دیگری، مانند دارالفنون، بنا نهاد. این مدرسه تا اوایل انقلاب مشروطیت فعال بود و سرانجام به «مدرسه کادت» تبدیل شد.

دوره قاجاریه دوره‌ای است که بیگانگان بر بخش‌هایی از ایران مسلط شدند و بخش اعظمی از اقتصاد ایران به زیر سلطه استعمارگران درآمد. دوره‌ای که در آن جامعه به علت عدم وجود حکومتی مقتدر و ارتشی منسجم دچار هرج و مرج و بی‌قانونی شده بود. در چنین اوضاع و احوالی با اندیشه‌های ایلاتی و قومی شاهد شکل‌گیری ارتشی منسجم و هماهنگ هستیم که در دوره صفویه مخصوصاً دوران سلطنت شاه عباس اول به اوج عظمت خود می‌رسد، تا جایی که با توسل جستن به سلاح آتشین و همکاری انگلیس موفق به تسلط بر بنادر جنوبی و خلیج فارس می‌شود و به سلطه استعمارگرایانه پرتغالی‌ها پایان می‌بخشد.

اما یکی از آثار ارزشمند تعلیم علوم دفاعی و رزمی در دوره قاجار همین اثر است. رساله «آداب جنگ و قانون مشق نظام در ایران» تألیف علیرضا یکانلو، سرهنگ مرندی است که بر اساس نسخه خطی شماره ۶۵۹ کتابخانه مجلس شورای اسلامی، از مجموعه اهدایی استاد کریم زاده تبریزی به کتابخانه مجلس به دست ما رسیده است که ذیلاً به تفصیل آن خواهیم پرداخت.

مؤلف رساله حاضر، علیرضا یکانلو، اهل یکان کهرئیز مرند بوده است. یکان کهرئیز یکی از روستاهای استان آذربایجان شرقی است که در دهستان یکانات، بخش یامچی شهرستان مرند واقع شده است. اهالی یکانات از عشایر یکانلو که در اوایل سلطنت صفویه در محل فعلی اسکان یافته بودند، است و از اول سکونت خرده مالک بوده‌اند. یکانات مردم هوشیار و غیوری داشته و همیشه در جریانات مملکت شرکت کرده و شهدای بی‌شماری در راه دین و وطن داده است. اما متأسفانه چندین بار محکوم قهر و غضب حکام جائز و جابر زمان واقع شده است.

از جنگهایی که طی آن خسارات زیادی نصیب مردم و طایفه یکانلو شد، جنگهای ایران و روس بود. یکانیان در جنگهای ایران و روس حضور داشتند و صدمات زیادی نیز بر یکانات وارد شد. سرهنگ مرندی که خود آشنایی کامل با فنون نظامی آن دوره داشته و بی‌گمان یکی از فرماندهان اصلح وقت بوده، مبادرت به نوشتن این رساله نموده است که طی آن گام‌به‌گام مهارت‌های نظامی را با در نظر گرفتن جایگاه افراد و مقامات بالادست و پایین‌دست، آموزش داده است. متأسفانه بیش از این اطلاعات زیادی از مؤلف در دست نیست.

چنان‌که قید شد، نسخه‌ای از این رساله در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است که ضمن مجموعه اهدایی آقای محمدعلی کریم زاده تبریزی نگهداری می‌شود و شماره بازبایی آن ۶۵۹ است. نسخه دیگری از آن در کتابخانه موزه کاخ گلستان موجود است [شماره ۱۹۱۰] که تصاویری نقاشی شده به روش سیاه قلم بدان افزوده شده و سربازان را در حال مشق و دیگر عملیات نظامی نشان می‌دهد که متأسفانه با وجود پیگیری‌ها و مراجعات متعدد، نتوانستیم به تصویری از آن نسخه دست یابیم! وقتی عنوان «نفیس» بر نسخه‌ای نهاده می‌شود، چه آسان مسئولین محترم آن مجموعه بهانه یافته، از ارائه تصویری از آن به محققین سر باز می‌زنند!

رساله حاضر با موضوع قانون مشق نظام و آداب و فنون جنگی و قواعد به کار بردن آداب و ادوات حربیه و دسته‌بندی و تعیین مقام ارباب مناصب، در یک مقدمه و پنج باب و خاتمه، به شرح زیر است:

مقدمه: در بیان آداب معلم و صاحب‌منصبان؛

باب اول: در بیان قاعده مشق تفنگ؛

باب دوم: در بیان قاعده و قانون قراول و آداب آن؛

باب سوم: در بیان ترتیب و حرکت یک فوج؛

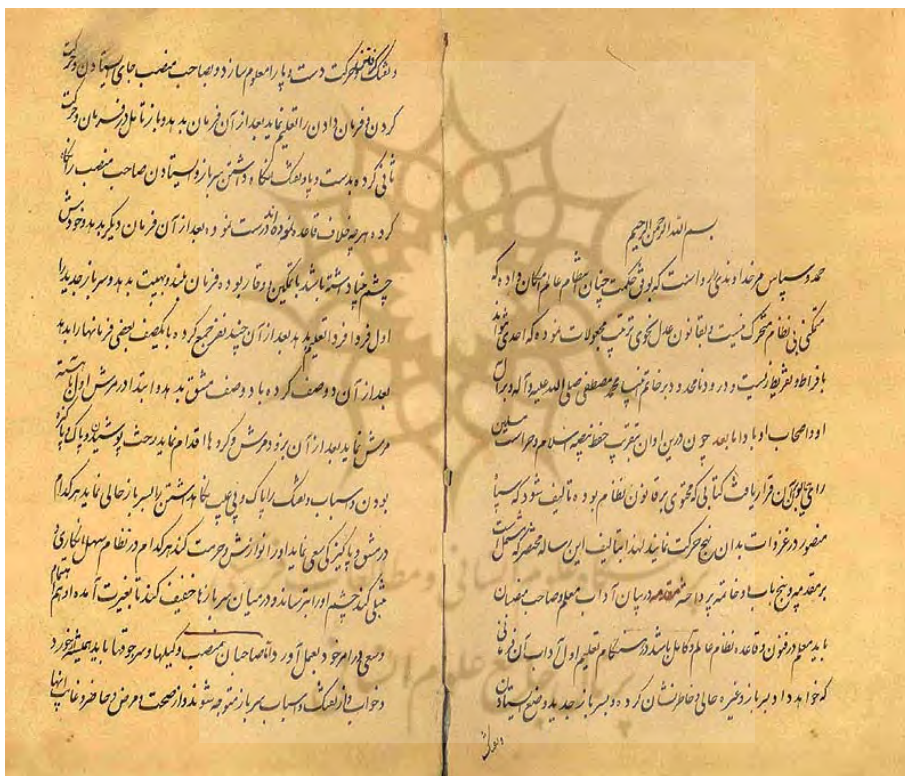
باب چهارم: در ذکر قواعد مختلف قلعه و ستون؛

باب پنجم: در آداب اردو انداختن و چادر زدن.

نسخه ما فاقد تصویر است. تا به حال غیر از این دو نسخه، نسخه دیگری از این رساله در کتابخانه‌های ایران مشاهده نشده است. رساله حاضر از لحاظ شناخت اصطلاحات رایج خاص نظامی در دوره قاجار، بسیار

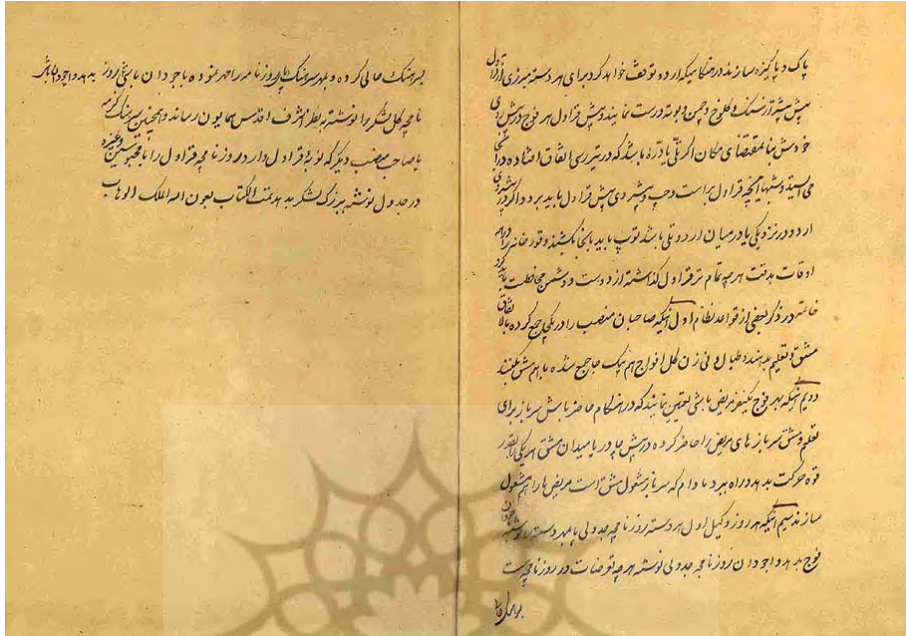
۱. نک: فهرست کاخ گلستان (بخش تاریخ)، ج ۵، ص ۶۴۷.

مهم است؛ همچنین از لحاظ بررسی نحوه آموزش سربازان و نظامیان، پژوهش در تاریخ نظامی‌گری ایران، سیر تحول آن و تأثیر فنون نظامی غرب در ایران می‌تواند به عنوان یک منبع مهم قلمداد گردد. قابل ذکر است توضیحاتی که در حاشیه آمده بود یا حواشی مختصری که خود افزوده بودیم، با ذکر شماره‌ای داخل قلاب [ ] به صورت پی‌نوشت ضمیمه رساله گردیده است.



پیام بهارستان / د. س. ۶، ش. ۲۱ / پاییز ۱۳۹۲

صفحات آغاز نسخه کتابخانه مجلس، مجموعه کریم زاده، ش ۶۵۹



صفحات انجام نسخه کتابخانه مجلس، مجموعه کریم زاده، ش ۶۵۹

### رساله در آداب جنگ و قانون مشق نظام

بسم الله الرحمن الرحيم

حمد و سپاس مر خداوندی را رواست که به وفق حکمت، چنان انتظام عالم امکان داده که متمکنی بی نظام متحرک نیست و به قانون عدل نحوی ترتیب محمولات نموده که احدی نتواند به افراط و تفریط زیست.

و درود نامحدود بر خاتم انبیا، محمد مصطفی - صلی الله علیه و آله - و بر آل او و اصحاب او باد. اما بعد، چون در این اوان به تقریب حفظ بیضه اسلام و حراست مسلمین، رأی همایون بر آن قرار یافت کتابی که محتوی بر قانون نظام بوده، تألیف شود که سپاه منصور در غزوات بدان نهج حرکت نمایند، لهذا به تألیف این رساله مختصر که مشتمل است بر مقدمه و پنج باب و خاتمه پرداخته.

#### مقدمه

#### در بیان آداب معلم و صاحب منصبان

باید معلم در فنون و قاعده نظام، عالم و کامل باشد. در هنگام تعلیم، اول آداب آن فرمانی که خواهد داد

به سرباز و غیره حالی و خاطرنشان کرده و به سرباز جدید وضع ایستادن و تفنگ گرفتن و حرکت دست و پا را معلوم سازد و به صاحب‌منصب جای ایستادن و حرکت کردن و فرمان دادن را تعلیم نماید. بعد از آن فرمان بدهد و باز تأمل در فرمان و حرکت ثانی کرده، به دست و پا تفنگ نگاه داشتن سرباز و ایستادن صاحب‌منصب را نگاه کرده، هر چه خلاف قاعده نموده‌اند، درست نموده، بعد از آن فرمان دیگر بدهد و خودش چشم بینا داشته باشد با تمکین و وقار بوده، فرمان بلند و به هیبت بدهد و سرباز جدید را اول فرداً فرداً تعلیم بدهد، بعد از آن چند نفر جمع کرده، با یک صف بعضی فرمان‌ها را بدهد، بعد از آن دو صف کرده با دو صف مشق بدهد و ابتدا در مرش اول به آهسته مرش نماید، بعد از آن به زودمرش و گردها اقدام نماید. رخت پوشیدن و پاک و پاکیزه بودن اسباب و تفنگ را پاک و بی‌عیب نگاه داشتن به سرباز حالی نماید. هر کدام در مشق و پاکیزگی سعی نماید، او را نوازش و حرمت کند، هر کدام در نظام سهل‌انگاری و تنبلی کند، چشم او را بترساند و میان سربازها خفیف کند تا به غیرت آمده، او هم اهتمام و سعی در امر خود به عمل آورد.

اما صاحبان‌منصب، وکیل‌ها و سرجوقه‌ها باید همیشه از خورد و خواب و از تفنگ و اسباب سرباز متوجه شوند و از صحت و مرض و حاضر و غایب آنها خبردار بوده، صبح و شام به وکیل اول خبر بدهند. وکیل اول به سردسته حالی کرده، در روزنامه نوشته، به آجودان بدهد و آجودان روزنامه فوج را نوشته به نظر سرهنگ رسانیده، بعد به آجودان باشی بدهد.

و همه ارباب منصب از سردار الی سرجوقه باید در قاعده و قانون نظام اعلم و اکمل باشند و تسلط تمام در آداب تعلیم سرباز و حرکات فوج در هنگام مشق جنگ داشته باشند و هر حرکتی که صلاح باشد آن را به کار برند و در محافظت سرباز سعی کرده، مثل پدر و فرزند رؤف و مهربان باشند و بی‌سبب سرباز را به زحمت نیندازند و در وقت مرض درست متوجه شوند تا مقدور است بی‌جهت سرباز را به کشتن ندهند و خدمتی که از کسی بر نمی‌آید رجوع نکنند و در وقت بی‌نظامی از تقصیرش چشم‌پوشی نکرده، موافق نظام در میان سرباز تأدیب و تنبیه شوند و در هنگام جنگ موافق قاعده و قانون رفتار کرده، در مقام ضرورت از کشته شدن پروا ننموده، سعی و تلاش کرده، خدمت محوله را به انجام رسانند و هر کسی که در خدمات مرجوعه جانسوزی و در غزوات رشادت و جلالت می‌کند، خدمات او را طبقه طبقه به صاحب‌منصبان رسانیده و در حضور اقدس همایون جلوه‌گر سازند تا همه جان‌نثاران نفع و ضرر و عزت و مذلت و عدل و نصب خود را مخصوص خدمت‌گزاری دانند.

## باب اول

### در بیان قاعده مشق تفنگ و حرکت دسته

که مشتمل است بر پنج فصل:

#### فصل اول

در ذکر دسته‌بندی و تعیین مقام ارباب مناصب که باید صاحبان منصب، جا و مقام خود را بدانند

و قاعدهٔ دسته‌بندی این است که سرباز بلندقامت را در اول صف می‌گذارند، سایرین را به تفاوت قد در پهلوئی چپ یکدیگر گذاشته، یک صف درست می‌کنند. بعد از آن از وسط نصف کرده، نصف آخر را به عقب نصف اول می‌برند، دو صف می‌شود و هر سرباز رفیق راست و چپ و پیشرو خود را نشان می‌کند که در وقت حاضریش از جایش تخلّف نکند. بعد از آن دسته را نصف کرده، دو رسد<sup>۱</sup> می‌شود. اول رسد راست و دویم را رسد چپ می‌نامند و رسد نصف کرده دو بهر می‌شود، اولی را بهرهٔ راست و دویمی را بهرهٔ چپ می‌گویند. یک‌دسته چهار بهره می‌باشد.

اما تعیین مقام صاحب‌منصب از این قرار است: سردسته در طرف راست همدوش سرباز اولی صف اول می‌باشد. نایب اول در عقب سرباز سیم آخر رسد چپ و نایب دویم در عقب سرباز سیم اول رسد به فاصلهٔ یک قدم می‌ایستند، وکیل اول در عقب سردسته هم‌قطار صف دویم و سایر وکیل‌ها در میان دو نایب می‌باشند. سرجوقه‌ها در راست و چپ رسدها هم‌قطار سرباز می‌باشند. هر وقت سردسته به چپ دسته می‌آید نایبان جای خود را تبدیل می‌کنند.

## فصل دویم

### در ذکر آداب و قواعد فرامین مشق و غیرهٔ سرباز یک‌دسته

حاضرباش: قاعده‌اش این است هر وقت که سرباز را حاضرباش می‌کنند بدون حرف زدن و قیل و قال و زود در دستهٔ خود حاضر شود و بی حرکت بایستد و به اطراف نگاه نکند و مطلقاً متوجه امر دیگر نشود و چشم و گوش و هوش به آن کسی که فرمان خواهد داد، بدهد، دسته‌ها را راست و کشیده به ران‌های خود بچسباند و پاشنه‌ها را باهم جفت کرده، سر پاها را به قدر یک وجب گشاده و پاها را به شکل مثلث بگذارد و زانو را پس بکشد و سینه پیش و شکم پس باشد و دو شانه بالا و پایین و پس و پیش نباشد و سر را بالا نگه دارد و به پیشرو نگاه کند، نه به زمین.

راحت‌باش: کف دست راست و چپ را در برابر شال کمر به هم زده، انگشت‌های دست راست را به روی دست چپ گذرانیده، انگشت ابهام دست راست را در میان کف چپ و انگشت ابهام دست چپ را به بالای بند آخر ابهام راست گذاشته، قدر کمی از شال کمر پایین‌تر دست‌ها را نگه می‌دارد و پای راست را به قدر چهار انگشت پس می‌کشد، به طریقی که قوزک راست با پاشنهٔ چپ برابر می‌شود و دست و پا راست می‌کند، برای راحت شدن و حرکت دست و پا باید یک‌دفعه بشود.

خبردار: دست‌ها را تند از هم کشیده، بر آنها می‌چسباند. اگر تفنگ دارد دست راست را به روی قنداق تفنگ می‌گذارد و پای راست را پیش برده، با پای چپ مثل سابق جفت می‌کند.

نظر به راست: قدری رو را به طرف راست کرده، به گوشهٔ چشم نظر به سینه، آن‌گه در سمت راست

۱. رسد: در اصطلاح نظامی و لشکری، یک قسمت از لشکر که فرماندهی آن را سر رسد گویند. واحدی نظامی شامل سه جوخه، دسته و... (لغتنامهٔ دهخدا، ذیل همین واژه).

ایستاده می‌کند و خود را با صف می‌نماید، باید بدنش مطلقاً حرکت نکند.

نظر به چپ: قدری رو را به سمت چپ کرده، به گوشه چشم نگاه به رفیق یا علامت دیگر که برای راست شدن گذاشته‌اند، می‌کند، راست می‌شود.

نظر به پیش: رو را به پیش می‌کند. فایده این فرمان آن است که در دسته یا فوج هر حرکتی که کرده‌اند، علامت فارغ شدن از آن حرکت است و سردسته هر جا که می‌باشد، در نظر به پیش به جای خود می‌ایستد.

به راست راست: دو حرکت است در لفظ به راست پای راست را به عقب کشیده که قوزک راست با پاشنه چپ برابر می‌شود و سر پای چپ را قدر کمی به پیشرو حرکت می‌دهد. در راست ثانی پنجه‌ها راست کرده، در سر پاشنه به سمت راست یک گرد می‌گردد.

به چپ چپ: دو حرکت است در به چپ، پاشنه پای راست را به پیش قوزک چپ می‌گذارد. در چپ ثانی در سر پاشنه به سمت چپ یک گرد می‌گردد.

فرونت: به یک حرکت یک گرد به سمت پیشروی صف اول می‌کند از راست به راست و از چپ مثل به چپ چپ.

طرف راست گرد: دو حرکت است در فرمان طرف راست پای راست را به عقب پای چپ برده، به قدری که بند انگشت راست با پاشنه چپ برابر می‌شود، در فرمان گرد پنجه‌ها را از زمین برداشته در سر پاشنه دو گرد کرده، بعد از آن که رو به عقب شد پای راست را پس کشیده با پای چپ جفت می‌کند.

طرف چپ گرد: دو حرکت است در لفظ طرف چپ پاشنه پای راست را در برابر بند انگشت پای چپ گذاشته در فرمان گرد در سر پاشنه‌ها از سمت دوش چپ دو گرد می‌کند. بعد از آن که رو به عقب شد، پای راست را پیش آورده با پای چپ جفت کرده، اگر در وقت طرف راست گرد فرمان فرونت بدهند، سرباز خود به خود از سمت راست گرد می‌نماید و در این قسم گردها باید پاشنه پای چپ مثل مرکز پرگار از جای خود حرکت نکنند و سرباز خود و تفنگش را شق در راست مانند چوب خشک نگه دارد تکان نخورد و میل به اطراف ننماید.

چهار به چهار: قاعده‌اش این است سربازان که در اول دسته ایستاده بلند می‌گویند راست، و دومی می‌گویند چپ، سیمی راست، چهارمی چپ تا آخر به همین قرار است و چپ می‌گویند وقتی که فرمان چهار به چهار دادند سربازان صف دویم یک قدم کوتاه پس مرش می‌کنند و در فرمان مرش سربازان چپ پس مرش و یک قدم پهلوی راست کرده به عقب سربازان راست می‌روند چهار به چهار می‌شوند.

دو به دو: سربازان چپ یک قدم پهلوی چپ و پیش مرش کرده در جای خود می‌ایستند و سربازان صف دویم یک قدم مرش می‌کنند، دو به دو و صف نزدیک می‌شوند.

سه به سه: سرباز اولی می‌گویند یک، دویمی می‌گویند سه، سیمی می‌گویند سه، چهارمی یک، پنجمی دو،

۱. مرش: به نظر می‌رسد مرش مخفف مارش به معنای یکی از حرکت‌های نظامی است (لغتنامه دهخدا، ذیل همین واژه).



ششمی سه، مابقی دسته از این قرار اسم خود را می‌گویند در وقت فرمان دادن سه به سه سرباز عقب دوها به عقب یک‌ها می‌روند، سربازان سه هر دو نفر به عقب دوهای صف اول می‌روند.

دو به دو: هر سرباز در جای خود می‌ایستد.

سه به راست: اول به طریق مذکور سه به سه کرده بالاتفاق بی حرکت به راست راست می‌کنند.

سه به چپ: به شرح ایضاً، لیکن به چپ چپ می‌کنند.

سه به عقب: اول سه به سه شده، بعد به اتفاق طرف راست گرد می‌کنند. در این سه حرکت هر وقت خواهد که سرباز صف شود، فرمان فرونت می‌دهد، سربازها به یک حرکت اول فرونت کرده، بعد دو به دو می‌شوند، در هنگام مرش کردن لفظ رو را به آخر فرمان علاوه می‌نماید.

چهار به راست: مثل چهار به چهار صف دویم یک قدم پس می‌رود، بعد سربازان چپ به عقب سربازان راست رفته راست رفته به راست راست می‌کنند به یک حرکت.

چهار به چپ: همچنین اول چهار به چهار بعد به چپ چپ به یک فرمان و یک حرکت.

چهار به عقب: اول چهار به چهار بعد طرف راست گرد می‌کنند، رو به عقب می‌شوند تفصیل قاعده اینها در چهار به چهار ذکر شد. در فرمان فردیت این فرمان‌ها اول فردیت می‌کنند، بعد دو به دو می‌شوند در هنگام مرش کردن لفظ رو را علاوه می‌نمایند.

آهسته مرش: قاعده مرش این است که سرباز اول پای چپ را پیش می‌برد، سر انگشت‌ها مایل بر زمین باشد، قدم را بلند بردارد نه بالا، راست بگذارد و پاشنه و پنجه به یکبار به زمین بیاید، پا را پس نکشد، سنگینی بدن میل به پیش داشته باشد، پنجه راست را به راست و چپ را به چپ بگذارد که در حین حالت میان پنجه‌ها گشاده باشد و فاصله میان قدمین از اندازه‌ای که بر آورد نموده به قدر سه چارک می‌باشد.

زودمرش: تفاوت در قاعده ندارد، مگر اندکی زانو کج می‌شود و زود راه می‌رود.

میل به راست: این فرمان برای سمت راست و پیشرو باهم رفتن است. قدم پای راست را کج کرده، به میان دو خط مستقیم پیشرو و خط دوش راست می‌گذارد و قدم پای چپ را پیش می‌نهد، باید بدن سرباز به پیشرو باشد.

میان به چپ: اول قدم پای چپ را کج نموده، به وسط دو خط مستقیم دوش چپ و خط پیشرو می‌گذارد و قدم راست را به پیش می‌برد.

هالت: به معنی بایست است. اگر در وقت فرمان دادن پای چپ در زمین است و پای راست در عقب، پای عقبی را آورده با پای چپ جفت می‌کند و اگر پا در پیش است هنوز به زمین نگذاشته است، باز پای پیش را پس کشیده، با پای چپ جفت می‌کنند؛ چنانچه پای راست در حین هالت در زمین باشد، پای چپ را از عقب و یا از پیش پهلوی پای راست می‌گذارد.

نظام: این فرمان برای راست شدن سرباز است، اگر از سمت راست فرمان دادند، سرباز همه به آن سمت نگاه کرده، راست می‌شود و اگر از چپ فرمان دادند، به سمت چپ نگاه می‌کند.

قدم‌بلند: برای آن است که فاصله میان سرباز یا دسته از یکدیگر زیاد شده، این فرمان می‌دهد، سرباز

قدمش را از اندازه متعارف قدری دراز برداشته فاصله را درک می‌کند.

درجا مرش: اگر آهسته مرش است، در سر جای خود قدم را پیش می‌برد، باز به جای خود می‌گذارد و در زودمرش قدم را بالا و زانو را خم می‌کند باز پای را به جای خود می‌گذارد.

قدم کوتاه: برای این است که فاصله که نزدیک می‌شود، یا دسته عقبی پس می‌ماند، قدم را از اندازه کوتاه بر می‌دارد.

تبدیل پا: برای این است که پای سربازان باهم مختلف می‌شود، این فرمان می‌دهند، سرباز هر پای که در عقب است، آورده به پشت پاشنه پای که در پیش است، گذاشته، پای پیش را بر می‌دارد پیش می‌برد، همه سربازها همپا می‌شوند.

پهلوی راست مرش: اول پای راست را به قدر فاصله میان دو نفر که یک وجب می‌شود، برمی‌دارد به پهلوی راست خود می‌گذارد، به همین قرار مرش می‌کند تا حالت می‌کند.

پهلوی چپ مرش: اول پای چپ را برمی‌دارد به پهلوی چپ می‌گذارد. بعد از آن پای راست را برده با چپ جفت می‌کند. این دو فرمان برای این است که فاصله دستجات در تشتیوان زیاد و کم می‌شود. به این طور جابه‌جا می‌کنند.

پس مرش: قدم را به عقب می‌برد مثل پیش مرش پس می‌رود.

پیش: هرگاه این فرمان را در پس مرش بدهند، سرباز به پیش رو مرش می‌کند و اگر در نیزه پیش این فرمان را بدهند، سرباز به زودترین مرش حرکت می‌کند.

قطار به راست: سربازی که در سمت راست قطار است به سمت دوش راست او سر قطار برمی‌گردد. سرباز همدوش آن قدم بلند پا را به سمت راست می‌گذارد، باهم قطار به راست می‌کنند به طریقی که از هم جدا نمی‌شوند، سایر سرباز که در پشت سر ایشان هستند، تا همان جای که سر قطار برگشته می‌روند و از آنجا پیچ خورده، قطار به راست می‌کنند.

قطار به چپ: قاعده‌اش مثل سابق است، لیکن این به سمت دوش چپ پیچ می‌خورد.

به راست رو: سرباز هر یک به سمت دوش راست با بدن برمی‌گردد، مثل به راست راست راه می‌رود.

به چپ رو: زود بدن را به سمت دوش چپ گردانیده، مرش می‌کند.

مرکز رو: هرگاه دسته باشد، رسد راست به چپ در سد چپ به راست راست می‌کند، در فرمان مرکز رو پا را حرکت می‌دهد و در فرمان رو با بدن گرد می‌کند، اگر فوج باشد جانب راست به چپ چپ و جانب راست به راست راست می‌نماید و در حین مرش مثل به راست و چپ رو می‌کنند.

مدار رو: رسد راست یا جانب راست به راست راست رسد چپ یا جانب چپ به چپ چپ می‌کنند، در هنگام مرش به راست رو و به چپ رو می‌نمایند و اگر این فرمان را در مختلف مرش به او صف بدهند، در به راست مختلف صف اول به راست راست و صف دوم به چپ چپ می‌کند و در به چپ مختلف بالعکس رفتار کنند.

به راست مختلف: معنی مختلف این است که روی دسته یا فوج مثلاً به مشرق است، می‌خواهد که در

همانجا رو به مغرب شود، این فرمان را می‌دهد. قاعده‌اش به قراری است که در حین قطار دو دفعه قطار به راست می‌کند، سربازان سمت راست قدر قدم کوتاه و سربازان سمت چپ قدم بلند بر می‌دارند که از هم سوا نشوند و در حینی که با فوج حرکت می‌کنند دسته‌راسته قدم پیش برده، بعد از آن مختلف مرش می‌نمایند. اگر با دسته‌رسد این حرکت را به عمل آورند، در صورتی که سرباز با صف حرکت نماید، دو دفعه گرد می‌کنند.

به چپ مختلف: در هنگام قطار دو دفعه قطار به چپ و در حین صف دو دفعه گرد می‌کنند به قاعده‌ای که ذکر شد.

به راست گرد: اول معنی گرد را ذکر می‌نماید تا اندازه‌آن معلوم شود تمام دایره را به چهار قسمت کنند، چهار یکش را یک گرد می‌نامند، نصفش را دو گرد، همه دایره چهار گرد می‌شود نیم گرد چهار قدم می‌باشد که ثمن دایره است و دو قدم ربع یک گرد و شش قدم سه ربع گرد می‌باشد. تفصیلش در حرکات هیجده‌گانه با قاعده‌اش ان شاء الله خواهد آمد. قاعده‌گرد این است سربازی که در طرف راست دسته یا رسد ایستاده به راست راست می‌کند، سرباز پشت سرش به عقب سربازی که در سمت دوش چپ ایستاده می‌رود، سایر سربازان همه نظر به چپ می‌کنند، وقت مرش سربازان سمت راست تا وسط دسته هر یک به تفاوت همدیگر قدم کوتاه سربازان وسطی قدم به اندازه و از وسط به سمت چپ بلند به تفاوت برداشته که از یکدیگر پس و پیش نشوند و دوش راست هر سرباز از دوش چپ رفیقش باید سوا نشود و سرباز که همه نظر به چپ کرده بودند سردسته را ملاحظه نموده، مانند چیزی که به هم بسته باشند، یک گرد می‌کنند. بعد از تمام شدن گرد حالت و نظام را از راست می‌دهند و در هنگام مرش به طریق مذکور رفتار می‌کنند و احتیاج به فرمان مرش ندارد.

به چپ گرد: سربازی که در سمت چپ ایستاده به چپ چپ می‌کند، سایرین همه نظاره به راست از وسط به سمت چپ قدم کوتاه و از سمت راست قدم بلند به تفاوت مانند حرکت سابق یک گرد می‌کنند، دوش چپ از دوش راست هر یک جدا نمی‌شود، حالت و نظام را از سمت چپ می‌دهند.

عقب به راست: سرباز اولی سمت راست به چپ چپ می‌کند، سایرین نظر به چپ، وقت مرش سربازها پس مرش کرده، به قاعده‌به راست گرد رفتار می‌کنند. حالت نظام از سمت راست داده می‌شود.

عقب به چپ: سربازی که در سمت چپ ایستاده به راست راست می‌کند، سایرین نظر به راست دم‌مثل به چپ گرد به عقب یک گرد می‌کنند، حالت و نظام از چپ داده می‌شود.

بازوی راست پیش: سرباز همه نظر به راست راست قدم بلند کرده، به سمت بازوی چپ یک گرد یا نیم گرد می‌کنند. بعد از آن فرمان پیش می‌دهند به همان قرار که هستند پیش مرش می‌روند.

بازوی چپ پیش: همه نظر به چپ سمت راست قدم کوتاه و سمت چپ قدم بلند به سمت دوش راست گرد می‌کنند. هر وقت فرمان پیش دادند به همان طور پیش مرش می‌کنند.

دوره به راست گرد: قاعده‌اش مانند به راست گرد است، لیکن سه و چهار گرد می‌کنند. در هر گرد سرباز راست به راست راست می‌نماید، بعد از حالت نظام را از راست می‌دهند.

دوره به چپ‌گرد: این هم مثل چپ‌گرد است، مادام که حالت نکرده‌اند، دوره را تماماً گرد می‌کند، نظامش از چپ داده می‌شود، هر وقت خواسته باشند که از یک گرد بیشتر گرد نمایند، خطاب به دوره می‌کنند. به مرکز ره راست گرد: به دو قسم است: قسم اول رسد راست عقب به چپ رسد چپ به راست گرد می‌کنند. قاعده هر دو در اول ذکر شد. بعد از تمام شدن یک گرد حالت فرمان نظام را از راست می‌دهند. قسم دوم رسد راست طرف راست گرد کرده، هر دو رسد به راست گرد می‌کنند. بعد از حالت رسد راست فرونت می‌کند.

به مرکز به چپ‌گرد: قسم اول رسد چپ عقب به راست و رسد راست به چپ گرد می‌کنند. بعد از حالت نظام را از چپ می‌دهند. قسم دوم رسد چپ طرف راست گرد کرده هر دو رسد به چپ گرد می‌کنند. بعد از حالت رسد چپ فرونت می‌کند.

صف دور مرش: دو حرکت است: در فرمان اول یک نفر سرباز از اول صف دویم و یکی از آخرش یک قدم بلند پس مرش به راست راست کرده باهم راست می‌ایستند، سردسته و نایب‌ها شمشیر بالا و کیل اول بالا فنگ می‌کنند، در فرمان مرش سربازان صف دویم یک قدم بلند پس رفته، نظر به راست نموده راست می‌شوند، دو نفر سرباز اولی فرونت می‌کنند، سردسته سه قدم میل به چپ می‌رود در پیش سرباز سیمی می‌ایستد، نایب اول از آخر دسته قدم میل به راست پیش آمده در برابر سرباز آخر می‌ایستد و نایب دویم از راست دسته پیش آمده، در وسط دسته باهم راست می‌ایستند، نظر به راست می‌کنند. هر وقت سردسته شمشیر را به سینه کشید این‌ها هم متابعت می‌کنند. قاعده شمشیر نگاه داشتن این است که دست راست را پهلوی راست می‌کشند و دست چپ را به سمت دوش چپ خم کرده در برابر دوش از سر شمشیر می‌گردد پشت شمشیر به سینه می‌چسبند، و کیل اول به جای سردسته آمده در راست فنگ می‌کند، دو هنگام تشتیوان صاحب‌منصبان به نماینده فوج نگاه می‌کنند و شمشیر را به سینه می‌کشند.

صف نزدیک مرش: در فرمان اول سردسته و نایب‌ها شمشیر بالا و کیل اول بالا فنگ به راست راست می‌کنند، در مرش سرباز صف دویم نزدیک می‌آید، سردسته و نایب دویم از راست و نایب اول از چپ دسته به جای خود می‌روند.

به راست تشتیوان: معنی تشتیوان به ترتیب دسته یا رسد ردیف ایستادن است. حرکتش به قاعده راست گرد است، لیکن نظام را از چپ می‌دهند. به چپ تشتیوان: مانند به چپ گرد است. نظام را از راست می‌دهند.

رسد بساز: دو قسم است: اول در هنگام مرش که بهادران در پیش است فرمان می‌دهد، رسد چپ در جا میل به راست زود بعد از آنکه به عقب رسد راست آمد پیش و آهسته فرمان می‌دهد، اگر مخبران در پیش باشد، رسد راست در جا میل به چپ زود تا به عقب رسد راست می‌رود، فرمان پیش و آهسته می‌دهد، سرباز آهسته مرش می‌کند، دویم در هنگام ایستادن می‌خواهد رسد بسازد، بهادران در پیش است فرمان می‌دهد رسد چپ به راست راست قطار به راست مرش نایب اول رسد چپ را آورده از عقب و کیل که فاصله رسد را گرفته قطار به چپ کرده و بعد حالت فرونت نظام می‌دهد. اگر مخبران پیش است رسد راست به چپ چپ

قطار به چپ از عقب وکیل قطار به راست کرده، بعد حالت فرونت نظام می‌کند. دسته بساز: اگر رسد راست در عقب است میل به راست زودمرش و اگر رسد چپ در عقب است میل به چپ زودمرش وقتی که به رسد پیش رسیدند، حالت نظام در هنگام مرش پیش و آهسته می‌گوید و لفظ مرش را در هنگام میل به راست و چپ نمی‌گوید.

بهره بساز: به قراری که از دسته رسد ساخت، از رسد به همان طور بهره می‌سازد. در وقت بهره رسد بساز: به قاعده‌ای که از رسد دسته ساخت، از بهره رسد می‌سازد. پیش‌دسته بساز: این فرمان را در وقت قطار می‌دهند قاعده اش این است سربازی که در پیش قطار است حالت می‌کند اگر راست دسته در پیش باشد سایر سربازان از سمت دوش چپ افسر مثل میل به چپ کرده آمده در پهلوی چپ سرباز مذکور صف می‌کشند فرداً فرداً هر کدام که به صف حاضر می‌شوند نظر به راست کرده راست می‌ایستد و اگر چپ دسته در پیش باشد باز سرباز پیش قطار، حالت می‌کند سایرین از سمت دوش راست افسر باز مثل میل به راست آمده فرداً فرداً در پهلوی همدیگر ایستاده صف می‌شوند و نظر به چپ می‌کنند.

پیش‌رسد بساز و پیش‌بهره بساز: به قراری که در دسته ذکر شد، به قاعده درست می‌کنند، تفاوتش این است که در رسد و بهره سرباز پیش قطار رسد و بهره حالت می‌کنند، سایرین از پهلوی ایشان صف کشیده رسد یا بهره می‌شوند.

دسته تن قطار: در وقت قطار این فرمان را می‌دهند که دسته را صف نمایند قاعده‌اش این است سربازی که در پیش قطار است به همانطور در جا مرش می‌کند سایرین همه نیم به چپ و قدم بلند به پیش مرش کرده از سمت دوش چپ سرباز اولی نفر به نفر آمده صف می‌شوند و نظر به راست در جامرش می‌کنند تا همه دسته در صف حاضر می‌شود و بعد پیش فرمان می‌دهند سرباز مرش می‌کند، اگر هر رسد یا هر بهره تن قطار فرمان دهند سرباز اولی هر کدام در جا مرش مابقی به قرار مذکور عمل می‌نمایند، اگر چپ دسته در وقت قطار در پیش باشد سرباز پیش قطار در جا مرش و سایرین نیم به راست قدم بلند پیش مرش کرده از سمت دوش راست سرباز مزبور فرداً فرداً آمده صف می‌شوند و نظر به چپ در جا مرش می‌نمایند. بعد از اتمام، فرمان پیش داده، سرباز مرش می‌کند.

راست‌دسته بساز: سرباز پیش قطار یک قدم پیش مرش و یک قدم به راست رو کرده حالت می‌کند سایر سرباز با قطار از عقب سرباز مذکور گذشته هر کدام که به برابر جای خود رسید به راست رو کرده آید در پهلوی رفیق سمت راست خود حالت نظر به راست می‌کند سرباز صف دویم از سرباز هم قطار صف اول خودش یک نفر پس می‌ماند سرباز صف اول پیشروی او در صف می‌ایستد او هم مثل سرباز صف اول به راست رو کرده در عقب رفیقش می‌ایستد.

چپ‌دسته بساز: وقتی که چپ دسته در پیش باشد، این فرمان می‌دهند. باز سرباز پیش قطار یک قدم به چپ رو کرده، حالت می‌کند؛ سایرین با قطار از عقب افسر باز گذشته در برابر جای خود به چپ رو کرده، در سمت دوش راست همدیگر حالت نظر به چپ می‌کنند.

سه صف بساز: قاعده‌اش این است که دسته را به سه قسمت می‌کنند: دو ثلث اولی حرکت ندارد، ثلث آخری در فرمان سه صف بساز یک قرم پس مرش می‌کنند. بعد فرمان به راست راست می‌دهند، زودمرش صف اول مرش کرده، صف دویم در جا مرش می‌کند تا آخر صف اول به اول صف دویم می‌رسد، آن هم بالاتفاق مرش کرده به عقب دو ثلث اولی می‌گذرند، حالت و فرونت نظام می‌دهند دسته سه صف می‌شود. دو صف بساز: صف دویم مثلث آخر قدری پس می‌رود، فرمان به چپ چپ زودمرش می‌دهند. باز صف دویم در جا مرش می‌کنند تا صف اول آمده با ایشان برابر می‌شوند؛ بالاتفاق مرش کرده آمده، به آخر دسته که رسیدند، فرمان حالت فرونت نظام پیش از راست می‌دهند. باز مثل سابق دو صف می‌شوند. از نو: این فرمان را هر وقت که دادند مبطل فرمانی است که قبل از این داده‌اند هر کس هر عملی که می‌خواست بکند تا تمام گذاشته به حالت اولی عود می‌کند.

### فصل سوم

#### در بیان آداب تفنگ و تیراندازی

قاعده در پافنگ نگه داشتن تفنگ این است که تفنگ را در طرف راست گذاشته ته تفنگ در برابر انگشت کوچک پای راست می‌باشد و لوله اش به عقب و سنبه<sup>۱</sup> به طرف پیشرو و سر تفنگ به پیش دوش در گودی میان دوش و سینه می‌باشد و دست راست را گشاده به پهلو می‌گذارد. به دوش فنگ از زمین: دو حرکت دارد: در فرمان به دوش انگشت ابهام را از روی سینه به سمت لوله برده به نحویکه سایر انگشت‌ها از روی تفنگ حرکت می‌کند و تفنگ را از پایین پا سوره آخری در میان انگشت ابهام و شهادت می‌گیرد در فرمان فنگ تفنگ را از جا برداشته راست و بی حرکت بالا آورده از پیش و به طرف دست چپ می‌اندازد و دست راست از سینه نمی‌گذرد و با دست چپ ته تفنگ را گرفته نگه می‌دارد. قاعده نگه داشتن تفنگ در دوش چپ به نحوی است که ته تفنگ را به کف چپ گذاشته و چهار انگشت میان را از ته تفنگ گذرانیده و انگشت ابهام را به روی برنجی که از ته به پیش قنناق گذاشته نهاده قایم می‌گیرد و دست را در پهلو ران نگه می‌دارد بازو و آرنج را در عقب تفنگ پنهان می‌کند و تفنگ در میان استخوان بند دوش و سینه لوله اش بیرون و سنبه به سمت دوش می‌باشد، حرکت مشق تفنگ و کیل مثل حرکت تفنگ دسته مخبران است که من بعد ذکر خواهد یافت.

بغل فنگ: سه حرکت است: در اول دست چپ را با تفنگ کمی بالا می‌کند و دست راست را آورده از برابر چقماق به قنناق تفنگ طوری می‌گذارد که انگشت ابهام ما بین لوله و قنناق، انگشت شهادت در پشت خروس چقماق می‌باشد. در دویم دست چپ را از ته تفنگ برداشته از آرنج بازو را به طرف بالا خم کرده از برابر دوش تفنگ را می‌گیرد و آرنج را به روی چقماق می‌چسباند و سنگینی تفنگ به انگشت ابهام می‌افتد. در این دو حرکت باید مطلقاً تفنگ پس و پیش نشود. در سیم با دست چپ سر تفنگ را پایین می‌آورد و

۱. سنبه: میله‌ای فلزی برای پر کردن تفنگ‌های سر پر یا تمییز کردن لوله تفنگ‌ها (فرهنگ معین).

با دست راست ته تفنگ را از زیر بغل به عقب می‌اندازد و دست را به پهلو راست می‌کشد و چقماق را در زیر آرنج پنهان می‌کند لوله در زیر و سنبه در بالا می‌باشد و انگشت ابهام را به روی سینه می‌نهد و سر تفنگ از پهلو زانو می‌گذرد.

به‌دوش فنگ: سه حرکت است: اول دست چپ را به بالا مثل اول خم می‌کند و با دست راست هم مثل سابق از برابر چقماق می‌گیرد، مانند حرکت دویم بغل فنگ می‌شود؛ و در دویم دست چپ را بالا پایین آورده به ته تفنگ زده می‌گیرد و دست راست را از چقماق کشیده به روی پیچ دنباله تفنگ می‌گذارد. در سیم دست راست را به پهلو می‌کشد در حرکت مشق تفنگ دست‌ها و تفنگ باید یک‌دفعه حرکت نماید پیش و پس نشوند.

به‌پا فنگ: سه حرکت است: اول با دست راست از برابر دوش چپ تفنگ را می‌گیرد و ته تفنگ را پایین کرده به سر انگشتان چپ می‌آید. در دویم با دست راست تفنگ را از پیشرو پایین کشیده به سمت پهلو راست آورده سرش قدری از دوشپیش و تهش در برابر قوزک پا نگه می‌دارد. در سیم تفنگ را راست کرده مثل سابق به زمین می‌نهد و دست را به روی قنطاق می‌گذارد.

نیزه‌فنگ: در فرمان نیزه انگشت ابهام را پس داده تفنگ را می‌گیرد در لفظ فنگ سر تفنگ را قدری پیش آورده دست چپ را طوری که انگشت ابهام و شهادت پایین و انگشت کوچک بالا می‌شود برده، از قبضه نیزه گرفته و کشیده و دست را راست کرده نیزه را به سر تفنگ می‌اندازد و تفنگ را راست می‌کند. به‌دوش فنگ: از زمین قاعده‌اش در اول ذکر شد.

به‌پیش فنگ: سه حرکت است اول دست چپ را در جای خود به سمت راست قدری پیچ داده که سر خروس چقماق از زیر پستان چپ به بدن می‌رسد، لوله تفنگ به سمت راست می‌شود و با دست راست قبضه تفنگ را از پایین قورخلوق می‌گیرد؛ و در دویم تفنگ را با دست راست به همان قرار قدری بلند کرده به پیشرو آورده که پیچ اول چقماق در برابر چانه می‌باشد و دست چپ را از بالای قورخلوق به تفنگ زده و بند دست چپ را به بالای قورخلوق و انگشت‌ها را راست به قنطاق می‌چسباند که سر انگشت میان با چشم چپ برابر می‌شود و بازوی چپ از قورخلوق پایین کشیده که آرنج به ته قنطاق می‌چسبید و آرنج راست به پهلو. در سیم باز تفنگ را به سمت اندرون پیچ داده که لوله تفنگ به سمت رو و سینه اش بیرون می‌شود با هر دو دست پایین آورده که خروس چهار انگشت از ناف پایین تر و به سمت چپ می‌باشد و انگشت‌های دست چپ را پایین و بندش را بالا کرده که انگشت کوچک در بالای چقماق می‌باشد و انگشت ابهام را راست به قنطاق می‌گذارد و تفنگ را قدری از بدن دور و راست نگه می‌دارد و در حین پایین آوردن تفنگ پای راست را پس می‌کشد که جای رکاب با پاشنه پای چپ برابر می‌شود باز همه این حرکات باید یک دفعه به عمل بیاید بدون حرکت بدن و حتی تفنگ.

به‌دوش فنگ: دو حرکت است: اول تفنگ را با دو دست به طرف چپ به جای دوش فنگ می‌برد در حین بردن به سمت بیرون پیچ داده که لوله به طرف بیرون می‌شود و دست چپ را پایین آورده کف دست را به ته تفنگ زده و گرفته دست راست را بر روی قبضه می‌گذارد و پای راست را به جای خود می‌آورد. در

دویم دست راست را از نزدیکی بدن به پهلو راست می‌کشد.

سینه‌فنگ: ته تفنگ را با دست چپ از برابر شکم به سمت راست انداخته به طوریکه سر تفنگ به سمت دوش چپ کج می‌شود و با دو دست در برابر سینه گرفته در جای نگه می‌دارد که پیچ پایین چقماق در روی پستان راست می‌باشد و با دست راست از قبضه گرفته و انگشت ابهام را به روی پیچ دنباله می‌نهد و دست چپ را مرقق به سمت دوش چپ کج کرده در برابر دوش تفنگ را در میان انگشت ابهام و شهادت از پایین ماسوره پایین می‌گیرد هر دو آرنج به پهلو می‌چسبند سر و نیزه تفنگ از بالای سر و پیشانی رفیق دست چپ می‌گذرد.

نیزه‌پیش: سر تفنگ را پایین آورده و تهش را به پهلو راست کشیده در سر پاشنه هم نیم به راست می‌کند و دست راست که در قبضه تفنگ بود در پیش استخوان بند ران راست می‌باشد و سر تفنگ را قدری کم از تهش بلند و به پیش راست نگه می‌دارد و آرنج راست به پهلو می‌چسبند و انگشت های دست چپ را به قنطاق می‌گذارد نه روی لوله.

به‌دوش‌فنگ: دو حرکت است: ته تفنگ را با دست راست از نزدیکی بدن و شکم به جای دوش فنگ می‌برد و دست چپ را پایین آورده کف دست را به ته تفنگ زده می‌گیرد و دست راست به روی قبضه می‌گذارد و در سر پاشنه فرونت می‌کند. همه این حرکت باید یک دفعه بشود، دویم دست راست را می‌کشد. در راست فنگ: چهار حرکت است: اول و دویم موافق حرکت اول و دوم پیش فنگ است. در سیم تفنگ را از پیش و با دست راست به سمت راست پیچ داده به پهلو راست می‌کشد که سر و لوله تفنگ به گودی دوش راست می‌افتد و بازو را راست می‌کند انگشتان دست راست را در قبضه تفنگ پیچ داده انگشت ابهام در بالا و انگشت شهادت در پایین قور خلوک می‌باشد قبضه تفنگ را در میان انگشت شهادت و سه انگشت دیگر می‌گیرد دست و تفنگ به پهلو ران راست می‌چسبند و دست چپ، در چهارم دست چپ را به پهلو چپ می‌کشد

به‌دوش فنگ: سه حرکت است: اول تفنگ را با دست راست در جای خود قدری بلند کرده انگشت‌ها را از قورخلوک کشیده قبضه را در میان انگشت ابهام و شهادت<sup>۱</sup> گرفته و با دست چپ از روی ماسوره<sup>۲</sup> پایین تفنگ را می‌گیرد. در دویم با دو دست تفنگ را به سمت چپ پیچ داده از نزدیکی بدن به جای دوش فنگ می‌برد و دست چپ را به ته تفنگ زده و می‌گیرد و دست راست را به روی قبضه می‌گذارد. در سیم دست راست را می‌کشد.

بازو فنگ: سه حرکت است: اول تفنگ را با دست چپ کمی بلند می‌کند و با دست راست از پایین قبضه می‌گیرد. در دویم دست چپ را از ته تفنگ برداشته از آرنج خم کرده بازو را از زیر خروس گذرانیده که خروس به روی ماهیچه باز می‌افتد دست راست را به روی دل می‌گذارد و تفنگ را با بازو به پهلو

۱. انگشت شهادت: انگشت شهادت، انگشت اشاره، انگشتی که بین انگشت میانی و شست قرار دارد (فرهنگ معین).

۲. ماسوره: آلتی است در توپ و تفنگ؛ ماشوره هم می‌گویند (فرهنگ معین).



می چسباند. در سیم دست راست را می کشد اگر در این حال فرمان راحت باش بدهند پای راست را پس کشیده دست راست را به روی بازوی چپ گذاشته خود را سست می کند در فرمان خبردار دست و پا را به جای اولی می کشد.

به دوش فنگ: سه حرکت است: اول با دست راست قبضه را می گیرد. در دویم دست چپ را به ته تفنگ می زند و می گیرد و دست راست را مثل سابق می گذارد. در سیم دست راست را می کشد و دست چپ را قدری پایین می کند.

به دست فنگ: دو حرکت است: اول با دست چپ تفنگ را به پیشرو آورده تهنش را به سمت پهلوی راست می اندازد و با دست چپ از زیر ماسوره پایین می گیرد و آرنج چپ به پهلو می چسبید ته تفنگ را در میان آرنج راست و پهلو می گیرد و چهار انگشت را خوابانیده و سرانگشت ابهام را قائم به پیش قارشلوق می گذارد و سر تفنگ به خط مستقیم با چشم راست برابر می شود و در حین انداختن تفنگ به سمت راست در سر دو پاشنه مثل به راست راست می کند پاشنه راست به پیش پاشنه چپ می افتد. در دویم قارشلوق را با انگشت ابهام پس می خواباند و انگشتها گشاده کف دست را به روی چقماق<sup>۱</sup> می نهد.

بگیر فنگ: دست راست را از بالای ته قنطاق به فالسقه برده فشنگ را گرفته آورده، سر فشنگ را با دندان می گیرد و آرنج راست به پهلو می چسبید.

چاشنی: دو حرکت است: اول فشنگ را با دندان پاره کرده چاشنی به آتسخانه ریخته با انگشت ابهام و شهادت فشنگ را گرفته، سه انگشت را به زیر قارشلوق قائم می چسباند. در دویم قارشلوق را به روی آتسخانه می خواباند و دست را به قبضه تفنگ آورده با سه انگشت می گیرد.

به چپ: سه حرکت است: اول ته تفنگ را از پیش زانوها به سمت چپ انداخته بازوی چپ را راست می کند مگر قدر کمی و ته تفنگ را قدری بالا در برابر پهلوی بیرون پای چپ نگه می دارد و دست راست را به برابر دهن تفنگ آورده با سه انگشت سر تفنگ را می گیرد. در دویم ته تفنگ را به زمین گذاشته که چقماق در سمت بیرون و سر تفنگ و سنبه مقابل چانه می باشد و دست راست را با آرنج بلند کرده فشنگ را سرازیر به تفنگ می اندازد و دست را به همانطور در بالای دهن تفنگ نگه می دارد. در سیم آرنج را پایین آورده، با کف دست راست سر بالا تکمه سنبه را می زند و انگشت شهادت را از بند دویم خوابانیده، با پهلوی پیش با انگشت ابهام از زیر، تکمه سنبه را می گیرد.

سنبه کش: دو حرکت است: اول سنبه را با دست راست از مقابل دهن تفنگ راست بالا برده، نصف سنبه را می کشد دست را پایین آورده، از برابر دهن تفنگ سرانگشتان بالا از عقب انگشت ابهام سنبه به میان پنجه گذشته، سنبه را می گیرد و آرنج در پایین می باشد. در دویم دست را بلند کرده، سنبه را تمام کشیده با انگشتان سنبه را گردانیده، یک سر سنبه از مقابل گوش راست خود و سر تکمه دارش از پهلوی گوش چپ سرباز پیش روی و پیش خود می کرد و سنبه را با انگشت ابهام و پهلوی انگشت شهادت می گیرد، تکمه

۱. چقماق: به معنی چقماق است که آتش زنه باشد آتشی که بر سنگ زده آتش برآوردند (لغتنامه دهخدا، ذیل همین واژه).

سنبه را به دهن تفنگ می‌گذارد.

بزن: چهار حرکت است: اول نصف سنبه را به تفنگ می‌برد؛ در دویم سنبه را به میان بند انگشت ابهام انداخته دست را بالا برده از سر سنبه گرفته؛ در سیم نصف دیگر را به تفنگ می‌برد؛ در چهارم آرنج را بلند کرده سنبه را در توی تفنگ حرکت می‌دهد و آرنج را پایین می‌کند.

سنبه‌جا: دو حرکت است: اول سنبه را از میان تفنگ بالا انداخته، از برابر دهن تفنگ از میان سنبه به نحوی که در وقت کشیدن ذکر شد، می‌گیرد؛ در دویم سنبه را تمام بیرون کرده مثل سابق گردانیده تا نصف به جایش می‌گذارد و دست را بالا برده، بند دوم انگشت کوچک را به سر تکمه گذاشته، نصف دیگر را به جایش می‌گذارد و از سنبه می‌گیرد. ته تفنگ را از زمین کمی برداشته فرونت می‌کند و تفنگ را راست در پهلوئی چپ نگه می‌دارد.

بدوش‌فنگ: با دست چپ تفنگ را راست و بدون حرکت پیش و پس از پیش دوش چپ بالا می‌اندازد و دست راست را می‌کشد و دست چپ را زود پایین آورده، از ته تفنگ می‌گیرد.

حاضر فنگ: با دست چپ تفنگ را پیچ داده، چابک قدری به سمت بالا انداخته، لوله به طرف دوش چپ با دست راست از قبضه و با دست چپ از تکمه که در زیر ماسوره پایین در قنطاق است می‌گیرد و با انگشت ابهام دست راست، چقماق را به پایه بالا می‌کشد. همه این حرکات باید یک دفعه به عمل بیاید. تفنگ را در میان بازوی چپ و پهلوئی چپ طوری نگه می‌دارد که سر خروس در روی پستان چپ می‌باشد و هر دو آرنج به پهلو می‌چسبند و تفنگ راست از برابر گوش بالا می‌رود و سرباز صف دویم پای راست به عقب پای چپ سربازی که در طرف راست ایستاده، می‌برد. هرگاه سه صف باشند، صف سیم پای راست را به سمت راست و پای چپ را پیش می‌گذارد.

رو: با دست راست ته تفنگ را به سمت دوش راست کشیده و با دست چپ سر تفنگ را تا به حد برابر چشم راست پایین می‌آورد و ته تفنگ را به گدی که در دوش راست است می‌چسباند، چشم چپ را به هم می‌نهد و با چشم راست تفنگ را به قراول می‌آورد و انگشت شهادت دست راست را به پایه می‌برد. صف اول پای راست را به قدر دو و جب به عقب می‌گذارد و سینه را هر سه صف پیش می‌دهند و سنگینی بدن صف اول و سیم به پای چپ و صف دویم به پای راست می‌افتد و اگر فرمان بالا فنگ بدهند، در فرمان بالا انگشت را از پایه می‌کشد و در فرمان فنگ تفنگ را بلند کرده، به جای حاضر فنگ می‌آورد و هرگاه فرمان آت بدهند، پایه تفنگ را قایم می‌کشد.

پُر: ته تفنگ را از دوش پایین آورده مثل به دست فنگ نگه می‌دارد و صف اول پای راست را پیش آورده پاشنه اش را به پیش پاشنه چپ می‌گذارد صف دویم پای چپ را به عقب پای راست کشیده مثل صف اول می‌گذارد و حرکت دست و پا باید یک دفعه بشود انگشت شهادت دست راست را خم کرده و به پیش خروس و انگشت ابهام را سرپایین به عقب خروس گذاشته آرنج را قدری بلند کرده زود چقماق را به پایه می‌کشد دست را در عقب خروس نگه می‌دارد آرنج را می‌خواهاند. اگر خواسته باشد که با یازده حرکت پر کنند فرمان بگیر شنگ و غیره را تا بدوش فنگ می‌دهند و اگر فرمان زود پر بدهند سرباز خودش به قاعده

که ذکر شد تفنگ را پر کرده بدوش فنگ می‌کند صف دویم و سیم در وقت بدوش فنگ یک قدم پهلو می‌چپ کرده، به سر جایشان می‌آیند.

چقماق‌پس: سه حرکت است: اول با دست راست از سر قارشلوق گرفته، در دویم قارشلوق را پس خوابانیده و دست را از برابر چقماق به روی لوله تفنگ می‌گذارد، و در سیم دست را می‌کشد. چقماق‌بند: سه حرکت است: اول دست راست را آورده، چهار انگشت را به پشت قارشلوق می‌گذارد، در دویم بازو در قارشلوق را به روی آتشیخانه می‌خواباند، در سیم دست را می‌کشد در هنگامی که سرباز به پافنگ است.

بگیرفنگ: این فرمان را به جهت سه مطلب می‌دهند: اول برای ملاحظه پاک‌ی توی تفنگ؛ قاعده‌اش این است که دست راست را از آرنج بلند کرده، از طرف سنبه از سر تفنگ می‌گیرد. بعد از آن فرمان به راست راست می‌دهند، تفنگ را حرکت نداده، سرباز به راست راست می‌کند و با دست چپ از ماسوره پایین تفنگ را و با دست راست سنبه را می‌گیرد.

سنبه‌فنگ: سنبه را کشیده به توی تفنگ انداخته، از سر سنبه می‌گیرد، وقتی که صاحب‌منصب به نزد سرباز آمد، سنبه را قایم به ته تفنگ زده، از میان سنبه گرفته و کشیده سنبه را به روی دستک نیزه گذاشته، تکمه سنبه به طرف بیرون که سمت چپ است، می‌شود. صاحب‌منصب به تکمه سنبه نگاه کرده، پاک‌ی و ناپاک‌ی توی تفنگ را می‌داند. بعد از گذاشتن صاحب‌منصب سرباز خودش سنبه جا فرونت می‌کند؛ همه سربازان افراد به این قسم می‌کنند. دویم برای ملاحظه خالی و پر بودن تفنگ بعد از تیراندازی این قسم فرمان می‌دهند. سرباز سنبه را به تفنگ می‌اندازد و چگونگی معلوم می‌شود دیگر سنبه زدن و به روی دستک گذاشتن ضرور نیست. سیم برای چاتمه کردن<sup>۱</sup> تفنگ این فرمان را تا به راست راست می‌دهند بعد از آن در جا فنگ فرمان می‌دهند سرباز از سردسته سه به سه چاتمه می‌کند به طوریکه تفنگ سه قطار می‌شود.

نیزه‌جا: دو حرکت است در فرمان نیزه: انگشت ابهام را پس برده، تفنگ را می‌گیرد. در لفظ جا سر تفنگ را پیش آورده، با دست چپ از ماسوره میانه تفنگ را گرفته، با کفه دست راست از زیر دستک نیزه زده و بیرون آورده، دست راست را از بالای تفنگ به سمت چپ آورده که تفنگ در میان پهلو بازوی راست می‌ماند. دست چپ را از تفنگ کشیده، به دهن قاب نیزه آورده با دست راست نیزه را به جایش می‌گذارد. دست‌ها را به پهلو و روی تفنگ می‌نهد.

پهلوفنگ: به دو قسم است: در وقت بدوش فنگ به قرار حرکت اول به پا فنگ تفنگ را گرفته، به پهلو راست آورده، سر تفنگ را قدری پیش داده نگه می‌دارد. در حین به پا فنگ ته تفنگ را از زمین برداشته سرش را قدری پیش داده نگه می‌دارد. اگر بدوش فنگ فرمان دادند، در لفظ بدوش سر تفنگ را راست کرده در لفظ فنگ بدوش می‌اندازد اگر فرمان بپا فنگ دادند، در لفظ بپا سرش را راست در لفظ

۱. چاتمه کردن: چند تفنگ را کنار هم به صورت صلیبی قرار دادن (لغتنامه دهخدا، ذیل همین واژه).

فنگ به زمین می‌گذارد.

در راه فنگ: در وقت بدوش فنگ این فرمان داده می‌شود با دست چپ ته تفنگ را قدری پیش می‌دهد و سرش را به عقب دوش چپ می‌خواباند. طوری نگه می‌دارد که دست چپ و دوش و سر تفنگ با هم راست می‌شوند و آرنج قدر کمی خم می‌شود و سنگینی تفنگ بدوش می‌افتد.

به دوش فنگ: ته تفنگ را پس می‌کشد و آرنج را راست می‌کند.

بالا فنگ: به سه قسم است در وقت بدوش فنگ مثل حاضر فنگ می‌کند، در وقت بپا فنگ با دست راست تفنگ را به سمت دوش چپ آورده مثل حاضر فنگ نگه می‌دارد و این دو قسم در هنگام مرخص کردن سرباز است باید نیزه در سر تفنگ نباشد. قسم سیم در وقت رو کردن است که قبل از این ذکر شد، اما تیر اندازی دسته و فوج حاضر به راست: در سر پاشنه نیم به راست و حاضر فنگ می‌کند در فرمان رو به قراری که ایستاده به پیشرو تفنگ را به قراول می‌آورد در وقت پر کردن هم سر تفنگ به سمت راست می‌باشد.

حاضر به چپ: در سر پاشنه نیم به چپ حاضر فنگ می‌کند در سر پاشنه نیم به چپ حاضر فنگ می‌کند و قوت رو به سمت چپ سر تفنگ را پایین آورده به قراول می‌رود صف دویم تفنگ را از سمت دوش چپ سرباز پیشرو راست کرده به قراول می‌رود در فرمان پر سر تفنگ در سمت چپ می‌باشد و به همان قرار پر کرده بدوش فنگ می‌کند در این دو فرمان پا حرکت ندارد.

از راست به قطار آت: سرباز اولی صف اول و دویم با هم حاضر فنگ روآت کرده، وقتی که اینها تفنگ را به جای پر کشیدند، سربازان دست چپ ایشان حاضر فنگ روآت می‌کنند وقت پر سربازان پایین تر ایشان حاضر فنگ روآت همه دسته به این قرار دو به دو حاضر فنگ روآت پر بدوش فنگ می‌کنند. اگر فرمان دو تیر یا سه تیر داده باشند، تفنگ را پر کرده، از زمین به جای حاضر فنگ می‌آورند سه و چهار نفر که از اول دسته حاضر فنگ کردند سرباز اولی ابتدا به روآت می‌کند وقت پر آن دیگری را مثل سابق رفتار می‌کنند تا آخر دسته.

از چپ به قطار آت: ابتدا از چپ کرده، در حین پر سربازان دست راست حاضر فنگ مثل حرکت سابق رفتار می‌کنند تیراندازی از چپ به راست می‌آید.

اول صف بر زانو حاضر فنگ: در پیشرو حاضر فنگ کرده پای راست را به عقب کشیده و سر انگشت بزرگ را بر زمین گذاشته پاشنه را بلند می‌کند زانوی راست را به فاصله چهار انگشت از پاشنه چپ عقب و قدری میل به راست به زمین گذاشته، پنجه پای چپ را به پیش راست و زانوی چپ را خم می‌کند؛ ته تفنگ را به میان زانوی راست و پاشنه چپ می‌گذارد و با دست چپ که تفنگ را گرفته، بازوی چپ در روی زانو و ران چپ می‌باشد در وقتی که ته تفنگ را به زمین گذاشت، با دست راست زود چقماق را به سر پایه می‌کشد و ته تفنگ را از زمین بلند کرده، به دوش راست گذاشته به قراول می‌رود آت پر در فرمان پر تفنگ در قراول بلند می‌شود و تا زانوی راست و چپ راست می‌شوند آن وقت تفنگ را به جای پر کردن می‌کشد و پای راست را پیش آورده، پاشنه را پیش پاشنه چپ می‌گذارد و هر گاه دسته سه صف یا چهار صف باشد و

خواسته باشند که سرباز صف بر زانو جنگ کند در فرمان پر دیگر بلند نمی‌شود در سر زانو تفنگ را پر کرده، مثل اول به جای حاضر فنگ می‌گذارد. اما تیر اندازی مختصی فوج - تیر فنگ بدسته از راست به چپ طبل می‌زند، سردسته‌ها یک قدم پیش به چپ می‌کنند و کیلان اول به جای سردسته می‌آیند. اول سردسته بهادران فرمان می‌دهد به این قرار بهادران حاضر فنگ روآت پر بعد از آن دسته اول و دویم به ترتیب عدد تا در مخبران تمام می‌شود، اگر دو تیر حکم شده باشد، سرباز بعد از پر کردن از زمین حاضر فنگ می‌کند، دیگر سردسته فرمان حاضر فنگ می‌کند باز طبل زده سر دست‌ها به جای خود می‌روند.

تیر فنگ بدسته از چپ به راست: سر دسته مخبران ابتدا می‌کند بعد از آن هشتم و هفتم به ترتیب عکس تا در بهادران تمام می‌شود اگر زیادت از یک تیر حکم شده باشد، مخبران ابتدا می‌کنند و الا سرباز بدوش فنگ کرده به قرار سابق طبل می‌زند سر دست‌ها جا به جا می‌شوند.

تیر فنگ بدسته از مرکز به مدار: ابتدا در فرمان دادن سردسته چهارم می‌کند بعد از آن پنجم بعد از سیم و ششم بعد دویم و هفتم و اول و هشتم و بهادران و مخبران اگر دو تیر باشد بعد از مخبران باز چهارم فرمان می‌دهد و سایرین به ترتیب مذکور عمل کرده بعد از اتمام طبل می‌زنند سردسته‌ها به جای خود می‌روند. تیر فنگ بدسته از مدار به مرکز: اول سردسته بهادران فرمان می‌دهد بعد از آن مخبران بعد از آن دسته اول و هشتم سایرین به ترتیب بک دسته از جانب راست و یکی از جانب چپ فرمان می‌دهد تا در پنجم تمام می‌شود و طبل می‌زنند.

تیر فنگ گروهان از چپ به راست: ابتدا در فرمان سردسته پنجم گروهان می‌کند بعد از آن چهارم مابقی گروهان به همین ترتیب تا در اول گروهان تمام می‌شود سرباز بعد از انداختن تفنگ پر کرده بدوش فنگ می‌کند اگر حکم زیادی شده باشد دوباره فرمان حاضر فنگ می‌دهند و الا طبل می‌زنند در تیر اندازی گروهان سر دست های گروهان که سردسته بهادران و دویم و چهارم و ششم و هشتم هستند فرمان می‌دهند. سایر سردسته‌ها به عقب سرباز رفته و کیل اول در جای سردسته می‌ایستند.

تیر فنگ گروهان از راست به چپ: ابتدا سردسته اول گروهان می‌کند بعد دویم گروهان سایرین به ترتیب عدد، فرمان می‌دهند. در همه این تیر اندازی‌ها که سر دست‌ها فرمان می‌دهند در اول و آخر طبل زده می‌شود در فرمان از راست به قطار آت در آخر می‌زنند.

دست‌های راست حاضر فنگ: سرهنگ فرمان می‌دهد احتیاج به تفصیل ندارد.

دست‌های چپ حاضر فنگ: به شرح ایضاً.

جانب راست حاضر فنگ: دست های سمت راست مرکز حاضر فنگ می‌کنند.

جانب چپ حاضر فنگ: دست های طرف چپ مرکز حاضر فنگ می‌کنند.

حاضر به مدار: جانب راست حاضر به راست و جانب چپ حاضر به چپ می‌کنند.

حاضر به مرکز: جانب راست حاضر به چپ جانب چپ حاضر به راست می‌کنند.

یک تیر فنگ و سینه فنگ: بعد از روآت سرباز تفنگ را بی حکم به جای سینه فنگ می‌کشد.

یک تیر فنگ و بالا فنگ: بعد از آت بی حکم سرباز بالا فنگ می‌کند.

## فصل چهارم

### در بیان آداب مشق تفنگ مخبران

به دوش فنگ: با دست راست تفنگ را از زمین راست به بالا انداخته، زود مانند در راست فنگ از قبضه گرفته نگه می‌دارد.

بغل فنگ: سه حرکت است اول با دست راست قدری تفنگ را به بالا حرکت داده، با دست چپ از زیر ماسوره پایین می‌گیرد؛ در دویم به جای سینه فنگ می‌آورد؛ در سیم به زیر بغل چپ آورده، مثل بغل فنگ نگه می‌دارد.

به دوش فنگ: سه حرکت است: اول سر تفنگ را بلند کرده تهش را به سمت راست آورده، مانند سینه فنگ نگه می‌دارد؛ در دویم سر تفنگ را بلند کرده با دست راست تهش را پایین کشیده مثل در راست فنگ می‌کند؛ در سیم دست چپ را می‌کشد.

نیزه فنگ: با دست چپ نیزه را کشیده، تفنگ در دوش نیزه را به تفنگ می‌اندازد اگر پهلو فنگ باشد در همان جا نیزه فنگ می‌کند.

به پیش فنگ: سه حرکت است: اول با دست راست قدری تفنگ را بالا کرده از قبضه و با دست چپ از بالای چقماق می‌گیرد؛ در دویم و سیم مانند حرکت دویم و سیم به پیش فنگ می‌کند. تفصیل آنها در اول ذکر شد.

به دوش فنگ: دو حرکت است اول با دو دست تفنگ را به سمت دوش راست می‌برد و در دویم دست چپ را می‌کشد.

سینه فنگ: دو حرکت است: اول با دست راست تفنگ را بالا کرده، با دست چپ از زیر ماسوره پایین می‌گیرد؛ در دویم به جای سینه فنگ می‌آورد.

نیزه پیش: مانند نیزه پیش سابق است و اگر خواهد از بدوش فنگ نیزه پیش کند با دست راست ته تفنگ را بلند کرده سرش را پایین می‌آورد؛ نیزه پیش می‌کند تفنگ را قدری از نیزه پیش سایر سرباز پایین تر نگه می‌دارد.

به دوش فنگ: دو حرکت است: اول ته تفنگ را پایین و سرش را بلند کرده و در سر پاشنه فرونت می‌کند؛ در دویم دست چپ را می‌کشد.

به دست فنگ: با دست راست ته تفنگ را بلند و به جای بدست فنگ آورده با دست چپ از زیر ماسوره پایین می‌کند سایر حرکت‌های پر کردن مانند حرکت‌های بدست فنگ سابق است تفاوتی که دارد این است که مخبران در وقت به چپ ته تفنگ را به میان دو پا گذاشته در پیشرو پر می‌کند و بعد از سینه جا در سمت راست نگه می‌دارد و در بدوش فنگ مثل مخبران می‌کند.

حاضر فنگ: با دست راست تفنگ را به جای حاضر فنگ آورده چقماق را به پا سر می‌کشد روآت پر مثل سابق است.

بیافنگ: سه حرکت است: اول با دست چپ از ماسوره پایین می‌گیرد؛ در دویم دست راست را بلند کرده

از بالای ماسوره اولی می‌گیرد؛ در سیم ته تفنگ را به زمین گذاشته دست چپ را می‌کشد و دست راست را پایین آورده، بر روی تفنگ می‌گذارد.

نیزه‌جا: در بیافنگ مثل سایر سرباز نیزه جا می‌کند و در هنگام بدوش فنگ با دست چپ تفنگ را گرفته و با دست راست نیزه را درآورده، به جایش گذاشته باز تفنگ را با دست راست می‌گیرد.

راحت‌باش: در وقت بیافنگ مانند سایر سرباز می‌کند و در هنگام بدوش فنگ سرتفنگ را از دوش راست به سمت بیرون کج کرده و لوله‌اش بروی ماهیچه بازو افتاده و تهش را با دست راست به قراری که تفنگ را گرفته از زیر ناف به سمت چپ آورده و دست چپ را بروی دست راست گذاشته در جای راحت باش سابق نگه می‌دارد و پای راست را به عقب می‌کشد.

### فصل پنجم

#### در بیان قاعده حرکت دسته مخبران

اکثر فرمان حرکات سربازان دسته مخبران با شیپور داده می‌شود، بسیار لازم است که به صاحب‌منصبان و سربازان دسته مذکور را چنان تعلیم و مشق بدهند که به مجرد شنیدن صدای شیپور بفهمند که چه فرمان داده شد موافق حکم حرکت نمایند و حرکت را بعد از تمام شدن شیپور به عمل می‌آورند. وقتی که شیپور مخبران پیش زدند، سربازها نیزه جا و پهلوفنگ می‌کنند. مادام که در حرکت هستند، بی نیزه و پهلو فنگ می‌باشند، مگر در بعضی جا که مذکور خواهد شد و آمد و شد سرباز با زودمرش و زودترین مرش می‌شود و در هنگام تعجیل هر وقت شیپور بدو می‌زنند سرباز مانند یورتمه با دو مرش می‌کند و در مشق تفنگ مختصی مخبران بدوش فنگ را مثل در راست فنگ می‌کنند.

مخبران پیش: سر دسته مخبران فرمان پهلوفنگ و نیزه جا داده پیش مرش می‌کند.

از چپ جدا: سربازان آخر دسته یکی از اول صف و یکی پشت سرش حالت می‌کنند مابقی به راست رو کرده با قطار مرش می‌کنند چند قدم فاصله که در مابین سرباز مشخص کرده‌اند آمده دو نفر ما بعد آخری حالت فرونت نظر به چپ می‌نمایند بعد از آن هر کدام که به حد فاصله رسید حالت فرونت کرده از سمت چپ نظام می‌گیرد تا دسته تمام می‌شود.

پیش‌جنگ: سربازان صف اول به قدر پانزده قدم پیش رفته حالت می‌کنند. و در وسط صف اول یک نفر وکیل ته تفنگ را بلند کرده، مثل بیدق نماینده می‌شود سربازها نظر به مرکز کرده، راست می‌شوند شوتک می‌زنند سربازها تفنگ را خالی کرده، مشغول پر کردن می‌شوند و سربازان صف دوم پیش مرش کرده هر یک از چپ سرباز پیشروی خود گذشته در حد فاصله پیش حالت و نظر به مرکز کرده با وکیل راست می‌شوند باز شوتک زده تفنگ را خالی می‌کنند سربازان عقبی پیش مرش از راست سربازان صف دویم گذشته در فاصله مزبور حالت می‌کنند مادام که حکم دیگر نشده به این قرار مشغول جنگ می‌شوند. حالت: سربازی که در پیش است حالت می‌کند سربازان عقبی پیش مرش کرده به ایشان رسیده اگر صف اول است در پیش و اگر صف دویم است در عقب جفت خود می‌ایستد پس تفنگ انداختن را در هر

حال که هستند موقوف می‌کنند.

پس جنگ: سربازان صف اول تفنگ را خالی و بعد بغل فنگ طرف راست گرد کرده از سمت راست سربازان صف دوم گذشته به قدر فاصله که در پیش مذکور شد پس آمده حالت فرونت پر می‌کنند باز شوتک زده سربازان صف دوم تفنگ را خالی و بغل فنگ طرف راست گرد نموده آمده از چپ سربازان صف اول گذشته در فاصله حالت فرونت پر می‌کنند و از مرکز نظام می‌گیرند تا صدور حکم دیگر به قرار مذکور رفتار می‌نمایند.

بازگرد جای چپ: دو نفر سرباز آخری می‌ایستند مابقی به چپ چپ در هنگام مرش به چپ رو کرده آمده به سرباز آخری ملحق شده حالت فرونت می‌کنند و نظام از چپ می‌گیرند.

از راست جدا: سربازان صف اول و دوم از اول دسته می‌ایستند مابقی به چپ رو در هنگام ایستادن به چپ چپ مرش کرده در فاصله مقرر جفت جفت حالت فرونت می‌کنند اگر فرمان پیش جنگ یا یا پس جنگ بدهند به قرار ایست که مذکور شد.

بازگرد جای راست: سربازان اولی می‌ایستند سایرین به راست راست و مرش کرده به سربازان اول دسته رسیده حالت فرونت می‌کنند نظام از راست می‌گیرند.

از مرکز جدا: رسد راست به راست رود رسد چپ به چپ رو کرده از وسط دسته هر کدام که فاصله را درک نمود حالت فرونت می‌کند بعد از آن هر حکم شود موافق آن رفتار می‌نمایند.

بازگرد به مرکز: رسد راست به چپ چپ و رسد چپ به راست راست و مرش کرده به مرکز که رسیدند حالت فرونت می‌کنند.

بازگرد به مدار: سربازان اول و آخر دسته می‌ایستند رسد راست به راست راست و رسد چپ به چپ چپ و مرش کرده رسد راست به سمت راست و رسد چپ به سمت چپ فوج جمع می‌شوند.

از مدار جدا: سربازان اول و آخر دسته می‌ایستند رسد راست به چپ چپ و رسد چپ به راست راست و مرش کرده هر یک در فاصله خود حالت فرونت می‌کنند و منتظر حکم مجدد می‌شوند.

چهار به چهار: سربازان راست می‌ایستند سربازان چپ به راست راست و مرش کرده در پهلوی سربازان راست حالت فرونت کرده چهار نفر چهار نفر در دو صف می‌ایستند.

دو به دو: سربازان چپ به چپ چپ و مرش کرده در فاصله خود حالت فرونت می‌کنند.

به راست گرد: سرباز اول دسته در جا مرش مابقی نظر به چپ کرده سربازان سمت راست سربازان سمت چپ را ملاحظه نموده همان فاصله ای که در میان هر سرباز می‌باشد نگاهداشته که کم و زیاد نشود و سربازان سمت چپ به تفاوت قدم بلند و بزود ترین مرش آمده یک گرد را تمام کرده حالت می‌کنند.

به چپ گرد: سرباز آخر دسته در جا مرش و سایرین نظر به راست کرده سربازان سمت راست قدم بلند و به زود ترین مرش و سربازان سمت چپ ملاحظه ایشان کرده به اتفاق یک گرد در اتمام نموده حالت می‌کنند.

از مرکز به راست گرد: رسد راست طرف راست گرد کرده و سرباز آخری رسد راست و سرباز اولی رسد



چپ بسیار قدم کوتاه‌سایرین با رسد به راست گرد نموده بعد از اتمام گرد‌هالت و رسد راست فرونت می‌کند. از مرکز به چپ گرد: رسد چپ طرف راست گرد کرده باز سربازان اول و آخر رسدها بسیار قدم کوتاه‌سایرین با رسد گرد نموده بعد از اتمام گرد‌هالت و رسد چپ فرونت می‌کند در همه گردها باید فاصله میان را سربازها نگه‌دارند.

مدارگرد: رسد راست به راست گرد و رسد چپ به چپ گرد می‌کنند.

لایدان: سربازان صف اول و دوم جفت جفت با هم رو به زمین دراز می‌شوند در وقت تفنگ انداختن صف اول در دمرو کمی بلند شده آرنج‌ها را به زمین گذاشته تفنگ را خالی می‌کنند و چاشنی ریخته در پشت رو غلطیده ته تفنگ را به میان دو ران گذاشته پر می‌کنند باز به دمرو می‌خوابند و در وقت سنبه جای صف اول سربازان صف دوم به قرار مذکور تفنگ را خالی و پر می‌کنند.

برخیز: سرباز از زمین بر می‌خیزد دو به دو می‌ایستند.

جمع: این فرمان برای آن است که دسته‌مخبران از جنگ برگشته، داخل فوج شود به سه قسم است: اول این که دسته در سمت چپ جمع شده به چپ چپ قطار به چپ مرش کرده آمده به برابر تشتیوان رسیده باز قطار به چپ کرده بعد از آن چپ دسته بساز می‌کند و در جای خود می‌ایستد بعد نیزه فنگ کرده هر حکم که به فوج داده شده او نیز به عمل می‌آورد اگر فوج را قلعه ساخته باشند در عقب مرکز می‌ایستند و اگر ستون است داخل ستون می‌شود.

قسم دوم این که دسته به سمت راست جمع شده و قطار به راست و مرش کرده از اول دسته بهادران باز قطار به راست نموده به عقب بهادران آمده اگر دوباره مظنه پیش رفتن هست در آنجا راست دسته بساز می‌کند و الا از عقب فوج آمده به آخر دسته هشتم رسیده به راست دسته بساز کرده داخل تشتیوان می‌شود.

قسم سوم سیم راست به سمت راست و رسد چپ به سمت چپ جمع شده‌اند هر یک از رسدها مثل حرکات دسته که ذکر شد فرمان داده داخل فوج می‌شوند و اگر اراده پیش رفتن دارند رسد راست در عقب بهادران و رسد چپ در عقب هشتم راست و چپ رسد بساز کرده می‌ایستند و منتظر حکم مجدد می‌شوند و الا به جای دسته‌مخبران آمده داخل تشتیوان می‌شوند بعضی فرمان‌ها از قبیل به راست راست و به چپ چپ و طرف راست و چپ گرد و به راست و به چپ رو و قطار به راست و چپ و به راست و چپ مختلف و مانند اینها احتیاج به تفصیل ندارند. مثل حرکت‌هایی است که در اول کتاب قاعده آنها ذکر شد تفاوتی که هست این است که الفاظ آنها را با زبان، تقریر می‌کنند و در مشق‌مخبران با شیپور فرمان می‌دهند.

## باب دوم

### در میان قاعده و قانون قراول و آداب آن

که مشتمل است بر پنج فصل:

#### فصل اول

#### در آداب حاضر کردن قراول

باید یک روز پیشتر قدر قراول را مشخص کرده، به هر فوج اعلام سازند و آجودان<sup>۱</sup> فوج قراول را موافق حساب به دستجات تقسیم کرده و صاحب‌منصب را خبردار نماید و وکیل اول در همان روز به سرجوقه و سرباز خبر کند و همه کس بداند که فردا نوبه قراول ایشان است به جای دیگر نروند و اگر کسی را عذری بوده باشد طبقه طبقه به صاحب‌منصبان اظهار نمایند که عوض آنها را جا به جا کند و سایرین در تدارک قراول رفتن باشند روز دیگر سه ساعت از روز رفته طبل حاضرباش قراول می‌زنند هر کس بدون عذر و قیل و قال زود حاضر باشند و آجودان قراول، پیش و پس اردو و علم و سرتیب و سرهنگ را مشخص کرده به صاحب‌منصبان تسلیم می‌کند هر گاه قراول در خانه مبارکه و سردار و قورخانه و سایر هم بوده باشد موافق حکم قراول را حاضر و جا به جا می‌کند و صاحب‌منصبان قراول تفنگ و اسباب و سنگ و فشنگ قراول را ملاحظه می‌کنند که عیبی و نقصی نداشته باشند اگر قراول اردو و همه به یک جا جمع می‌شوند آجودان با همه طبال و نی‌زن و شیپورچی فوج قراول را به پیش فوج سرهنگ گزمه اردو می‌آورد و الا هر قراول را به جایی که مشخص کرده‌اند می‌فرستند و قراولان از صاحب‌منصب الی افراد سرباز باید در شبانه روز یک دقیقه از قراول خانه غایب نشوند و هر چه مایحتاج از نان و آب و رخت که دارند هم چادران ایشان در نزد قراولان حاضر می‌سازند و قراولان مانند هنگام جنگ دایم باید مستعد و آماده باشند هرگز غفلت ننمایند به مجرد صدای حاضرباش حاضر شوند.

## فصل دوم

### در تعیین صاحب‌منصب

قرار صاحب‌منصب قراول بر این است که در سر ده نفر و پانزده نفر بر جوقه می‌باشد. از بیست نفر الی سی نفر سرجوقه و یک نفر وکیل می‌باشد. از سی نفر گذشته الی پنجاه نفر دو سرجوقه و دو وکیل و یک نایب می‌باشند. از پنجاه گذشته الی صد نفر چهار سرجوقه و چهار وکیل و دو نایب و یک نفر سردسته می‌باشند. طبال و نی‌زن هم می‌رود همراه قراول در خانه مبارکه علم فوج را هم می‌برند هر وقت دو نفر سردسته یا بیشتر به قراول بفرستند یک نفر یاور می‌رود.

## فصل سیم

### در آداب مشق قراول افواج

سرهنگی که نوبه گزمه اوست آجودانش بیدقها را در پیش چادر سرباز فوج خود مثل بیدق دوره مرش می‌زند سایر آجودانها همه قراول افواج را با طبال و نی‌زن و شیپورچی بدون طبل زدن در آنجا حاضر می‌کنند.

۱. آجودان: [علوم نظامی] افسری که فرماندهان عالی‌رتبه را در امور مختلف، برای پیشبرد وظایف آنان یاری می‌کند، آژان (فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان).

در پیش ستون قراول در خانه می‌ایستد، بعد از آن سایر افواج به ترتیب عدد قراول خود را از این قرار جا به جا می‌سازند اول پیش قراول عقب او پس قراول بعد قراول علم بعد قراول سرتیپ بعد سرهنگ می‌ایستد، اگر قراول دیگر هم باشد در عقب اینها می‌ایستد سرهنگ قراول که نوبه گزیده اوست به همه قراول بی نیزه فرمان بدوش فنگ می‌دهد بعد به چپ تشتیوان زودمرش بعد از تمام شدن تشتیوان صف دور می‌کند. صاحب‌منصبان شمشیر بند به پیش قراول می‌آیند و کیل و سرجوقه در سر قراول خود می‌ایستد. سران قراول به پیش مرش: سران شمشیر بند شمشیر بالا و تفنگ دار بالا فنگ به پیش سرهنگ رفته تعظیم کرده می‌ایستند سرهنگ به حساب قراول رسیده دستور العملی که لازم است داده بعد فرمان می‌دهد. سران قراول مدار رو سران به پیش قراول خویش زودمرش: سران قراول با قطار آمده هر یک که به مقابل جای خود رسید به راست و به چپ رو کرده آمده در جای صف دور ایستاده فرونت می‌کنند، طبلال و نی‌زن کل افواج به قراری که معمول است در پیشروی تشتیوان قراول طبل می‌زنند، بعد از اتمام طبل سرهنگ فرمان می‌دهد.

به پافنگ و نیزه فنگ و بدوش فنگ صف نزدیک مرش قراول طرف راست گرد زودمرش<sup>۱</sup>: سران قراول حالت فرونت نظام می‌کنند بعد از آن مانند زودمرش دوره مرش همه قراول آمده از پیش بیدق سلام می‌گذرند به جای ستون که رسیدند سرهنگ حالت می‌کند بعد از آن فرمان می‌دهد. هر قراول به امر خویش زودمرش: سران قراول هر کس قراول خود را به جایی که مأمور است می‌برد.

## فصل چهارم

### در بیان آداب تبدیل قراول و کشیکچی

وقتی که قراول قدیم دید که عوض از برایشان می‌آید حاضر باش می‌شوند، قراول جدید در نزدیکی قراول قدیم و اگر نباشد نزدیک به جای توقف حالت کرده به آهسته مرش می‌رود در مقابل قدیم حالت می‌کند، قراول قدیم صف دور و جدید هم صف دور می‌کنند. قراول قدیم به پیش فنگ می‌کند و جدید همچنین همه صاحب‌منصب شمشیر بالا و کیل و سرجوقه بالا فنگ کرده قدیم و جدید به پیش همدیگر آمده رو به رو ایستاده قدیمی هر دستورالعملی که به ایشان داده شده، به جدیدی القا می‌کنند؛ بعد از آن طرف راست گرد کرده به جای خود می‌آیند و بدوش فنگ می‌کنند. قراول قدیم را فرمان صف نزدیک می‌دهند سرجوقه قدیم آمده چند نفر کشیکچی که لازم است به اتفاق سرجوقه جدید از قراول جدید سوا کرده و بازو فنگ نموده قراول قدیم و جدید را صاحب‌منصب فرمان در راه فنگ و راحت باش می‌دهد و سرجوقه قدیم به کشیکچیان جدید فرمان زودمرش می‌دهد و در فرمان او طبلال و نی‌زن طبل می‌زنند تا مراجعت کردن کشیکچی قدیم.

۱. توضیحات: بازدید سران قراول سینه فنگ کرده مجدداً سنگ و فشنگ و تفنگ قراول نگاه کرده و بدوش فنگ نموده به جای خود می‌آیند سرهنگ فرمان صلاح هر قراول به راست گرد می‌دهد.

اما آداب تبدیل کشیکچی: وقتی که کشیکچی قدیم دید که عوضش می‌آید در وسط جایی که قراولی آنجا به او محول است ایستاده، سرجوقه کشیکچی جدید را در مقابل کشیکچی قدیم فرمان می‌دهد و وقت فرونت سرباز اولی کشیکچیان جدید فرونت می‌کند سرجوقه به هر دو فرمان بدوش فنگ می‌دهد، بعد سینه فنگ و پیش می‌گوید کشیکچیان با هم رو به رو شده هر چه سفارش هست و هر چیزی که به قدیم گفته و سپرده‌اند همه را به اطلاع سرجوقه‌ها به جدید گفته و می‌سپارد باز سرجوقه پیش گفته کشیکچیان از پهلوی راست یکدیگر گذشته سرجوقه فرمان حالت فرونت می‌دهد. بعد از آن بدوش فنگ و بازو فنگ و به راست راست و زودمرش می‌کند، کشیکچی جدید مشغول کشیک می‌شود و قدیم به عقب کشیکچیان جدید می‌آید و در زودمرش همه این کشیکچیان مرش می‌کنند و سرجوقه‌ها همه کشیکچیان را به این قرار عوض و قدیمی‌ها را جمع کرده به نزد قراول جمع می‌آورند و طبل زدن را موقوف می‌کنند و طبل با طبل زدن معلوم می‌نمایند که کشیکچی قدیم جمع شد و طبل جدید هم طبل جواب می‌زند بعد از آن هر چیزی که به صاحب‌منصب قراول قدیم سپرده بودند به تحویل صاحب‌منصب جدید داده قبض می‌گیرد و قراول قدیم را به آهسته مرش چند قدم آورده حالت کرده و بازو و مرش به پیش چادر آورده مرخص می‌کند و در هنگام آهسته مرش قدیم قراول جدید را به پیش فنگ کرده، بعد از آن بدوش فنگ و صف نزدیک نموده به جای قراول آورده حالت و بیافنگ و درجافنگ می‌کنند و در مدت سه ساعت صاحب‌منصب همه قراول کشیکچی را باید عوض بکنند و از مدت مذکور ایام کشیک نگذرد و کشیکچی همیشه در حرکت باشد در یک جا نایستد، مگر در هوای گرم و در جای امن و گوش و چشمش در اطراف بوده هوشیار باشد و از آیند و روند متوجه شود و هرگز تفنگ را از خود دور نکند و به مجرد شنیدن صدای بی موقع و دیدن آتش سایر کشیکچی‌ها را مخبر کرده تا به صاحب‌منصب قراول حالی نمایند.

## فصل پنجم

### در بیان آداب گزمه و تعظیم ارباب منصب

لازم است در ما بین هر عوض کردن کشیکچی سردسته نایب و وکیل‌ها را ساعت به ساعت به گزمه بفرستد و خودش نیز زود سرکشی کشیکچی‌ها را بکند و سرهنگ و یاور گزمه در هر سه ساعت به نوبه سرکشی قراولان و کشیکچی‌های اردو نمایند و اسمی برای شب مشخص کنند و در مقام احتیاط هر نوبه را یک اسم می‌گذارند و به کشیکچی آن نوبه اسم را می‌گویند امر قراول را به دقت تمام مضبوط نمایند و هر وقت که سرهنگ گزمه می‌آید در روز همه قراول‌ها حاضرباش و به پیش فنگ می‌کنند مگر قراول در خانه او بدوش فنگ می‌کنند و کشیکچی به پیش فنگ و طبل برای هیچ کس نمی‌زنند به جز پادشاه و در هنگام غیبت به ولیعهد در شب هرگز طبل نمی‌زنند و درست هر وقت سرهنگ گزمه بیاید، کشیکچی از دور به آواز بلند می‌گوید کیم؟ او جواب می‌دهد: گزمه، و آهسته اسم شب را به کشیکچی اظهار می‌کند و کشیکچی سینه‌فنگ می‌کند، هر وقت گزمه به کشیکچی سر تفنگ می‌رسد، بعد از سؤال و جواب می‌گوید گزمه حالت قراول حاضرباش، صاحب‌منصب قراول را حاضر و بدوش فنگ کرده دو نفر وکیل

می‌فرستد که به تحقیق گزمه بودن آن شخص برسند در صورت صدق وکیل می‌گوید گزمه پیش گزمه به پیش قراول آمده سان ایشان را دیده و گزارشات را تحقیق کرده می‌گذرد و همه سردستگان قراول که اختیار همه قراول فوج با ایشان است صبح زود پیش از تجدید قراول روزنامه‌چۀ آن روز و شب را هر چه اتفاق افتاده نوشته به سرهنگ گزمه می‌دهند او نیز هر چه خود از نظام و بی‌نظامی قراول‌ها دیده و هر خبری که شنیده و از روزنامه‌چه‌ها دستگیر شده روزنامه‌چه نوشته را به نظر اقدس همایون می‌رساند و اگر از صاحب‌منصبان قراول خلاف قاعده دیده باشد همان وقت به قراول انداخته از سرهنگ آن فوج عوض آن صاحب‌منصب را گرفته بسر قراول می‌گذارد و اگر کشیکچی‌ها کس دیگر را دیدند که جواب را مطابق سؤال نداد، دشمن بودنش را یقین کردند تفنگ را خالی و قراول را حاضرباش می‌کنند و الا گرفته و وکیل را خبردار کرده به نزد صاحب‌منصب قراول می‌برند. اگر معلوم شد که آدم درست و بی‌عیب است مرخص کرده آدم همراهش نموده که از حد قراول خارج می‌کنند و الا محبوس کرده صبحی به سرهنگ گزمه اظهار می‌نمایند قرار تعظیم قراول نسبت به سایر صاحب‌منصبان این است که قراول در خانه مبارکه یک‌دفعه به هر صاحب‌منصب از وزیر و سردار الی‌یاور حاضرباش و کشیکچی به پیش فنگ می‌کند سایر قراول‌ها همه حاضرباش به پیش فنگ می‌کنند مگر قراول صاحب‌منصب بزرگ به صاحب‌منصب پایین تر از خود بدوش فنگ می‌کند و کشیکچی‌ها کلاً به پیش فنگ می‌نمایند و بسردهسته و نایب بدوش فنگ می‌کنند و قراول‌ها کلاً به غیر از وزیر و سردار سایر بزرگان بی‌نظام را تعلیم نمی‌کنند و لازم است که برای هر منصب نشان و علامتی از رخت و غیره معین و مشخص شود که به مجرد دیدن سرباز آن صاحب‌منصب را بشناسد و تعظیم و احترام او را به جا بیاورد. همچنین سایر سرباز در هر جا که به صاحب‌منصب برسد موافق قاعده نظام تعظیم نماید و همه صاحب‌منصبان به صاحب‌منصب بالاتر از خود را در هنگام ملاقات باید تعظیم بکنند و در هنگام طبل زدن وقت غروب و صبح همه قراول اردو حاضرباش و بدوش فنگ می‌کنند و کشیکچی‌ها حالت بدوش فنگ می‌ایستند.

## باب سیم

### در بیان ترتیب و تعیین مقام ارباب منصب

در هنگام تشتیوان دستۀ بهادران اول فوج است، بعد از آن دستۀ اول و دویم و سایرین به ترتیب عدد تا مخبران که آخر فوج است می‌ایستند و دو دسته یک گروهان است: اول گروهان بهادران و دسته اول است؛ دویم گروهان دسته دویم و سیم است، مابقی از این قرار، و دستۀ بهادران و دویم و چهارم و ششم و هشتم را دسته‌های راست و مابقی را دسته‌های چپ می‌نامند وسط دسته و فوج را مرکز و راست و چپ هر دو را مدار خطاب کنند، دسته‌های طرف راست مرکز را جانب راست و طرف چپ مرکز را جانب چپ می‌گویند؛ دستۀ چهارم را دسته راست مرکز و دستۀ پنجم را دستۀ چپ مرکز می‌گویند، باطالیون فوج را گویند، دسته‌ها هر وقت در پشت سر همدیگر می‌باشند ستون خطاب می‌کنند؛ اما تشخیص مقام و صاحب‌منصبان فوج علمدار با پنج نفر وکیل که دایم مستحفظ علم هستند در مرکز فوج و صف هم‌قطار سرباز می‌ایستند

جای سرهنگ دوازده قدم پیش از سرباز در مقابل علمدار است و در هنگام جنگ بالعکس یاور اول در عقب بهادران یاور دویم در عقب مخبران به فاصله شش قدم می‌باشند، آجودان در سمت راست و کیل‌باشی در سمت چپ فوج در برابر نایب‌ها می‌باشند در بعضی اوقات تغییر مکان می‌نمایند، جای طبال و نی‌زن در عقب فوج مقابل مرکز و جای شیپورچیان در آخر مخبران است سردسته‌ها در وقت ستون باز و فراز اگر بهادران در پیش است در چپ دسته و اگر مخبران در پیش است در راست دسته می‌باشند و رفتار سردسته به چپ و راست دسته از عقب سرباز و پیش و کیل‌ها می‌باشد و نیب اول از پشت و کیل می‌رود و در حرکت دادن فوج سه فرمان لازم است فرمان اول را اخبار می‌گویند فایده اخبار آن است که تمامی اهل فوج آگاه و مستعد می‌شوند که به کدام سمت حرکت و چه قسم رفتار خواهند کرد، اما فوج حرکت می‌کنند، آجودان و کیل‌باشی بیدق‌های کوچک را موافق اخبار راست می‌نمایند. فایده بیدق آن است که در حین حرکت فوج سردسته‌ها کج نروند و سرباز را زود راست نمایند و بسیار لازم است که تمامی صاحب‌منصب و افراد سرباز در همه احوال راست رفتن و فاصله نگاه‌داشتن را منظور نماید که جزو اعظم نظام است. فرمان دویم حکم است باید سرباز حرکت نماید این دو فرمان از سرهنگ صادر می‌شود به فوج فرمان سیم از سردسته صادر می‌شود به دسته یا گروهان.

## فصل دویم

### در بیان آداب حاضرباشی و دوره مرش سلام

اول طبل اخبار و جمع شدن طبال و نی‌زن و شیپورچی می‌زنند ایشان جمع می‌شوند و اهل فوج اسباب پوشیده مستعد و آماده شده سرباز مشغول پاک کردن تفنگ و اسباب خود می‌شود بعد شیپور و طبل حاضرباشی می‌زنند. هر دسته در پیش چادر خود یا در میدان به ترتیب دسته حاضر می‌شوند. سردسته با صاحب‌منصبان دسته سرباز را جا به جا مریض و غایب را ملاحظه کرده رسد و بهره راست و چپ چهار به چهار و آنچه نسبت به دسته لازم است مشخص می‌کنند، آجودان و وکیل‌باشی در هنگام جنگ بیدق تشتیوان و در وقت مشق و غیره بیدق دوره مرش به این قرار می‌زنند دو بیدق در اول تشتیوان دو بیدق بعد از ملاحظه فاصله فوج در آخر تشتیوان و دو بیدق بنا به گنجایش مکان در مقابل بیدق اول که رکن دویم است و دو بیدق در مقابل دو بیدق آخر که رکن سیم است در چهار رکن میدان می‌زنند و بیدق سلام را در برابر مرکز چند قدم عقب تر از بیدق‌های آخر رکن دویم و سیم می‌زنند، یکی دیگر در راست و یکی در چپ بیدق سلام در برابر بیدق آخر ارکان مزبور چند قدم از فاصله دسته بیشتر می‌زنند، اولی برای صف دور دویمی برای صف نزدیک و هر گاه بهر رکن یک بیدق دیگر بزند بهتر است و فاصله میان دو بیدق رکن‌ها به قدر فاصله دسته می‌شود بعد از آن طبل و کیل پیش می‌زنند و کیل اول هر دسته به نزد بیدق اول تشتیوان آمده در یک صف به ترتیب می‌ایستند، آجودان بعد و سرباز دستجات رسیده، اگر کم و زیاد داشته باشند به یکدیگر رجوع کرده به وکیل‌ها فرمان طرف راست گرد زودمرش می‌دهد اول وکیل بهادران فاصله دسته خود را گرفته حالت فرونت می‌کند بعد از او دسته اول و سایرین به ترتیب در حد فاصله حالت

فرونت می‌کنند آجودان و کیل‌ها را نظام داده فرمان بپافنگ و راحت باش می‌دهد. بعد از آن طَبال سه چوب به طبل می‌زند سردسته‌ها سرباز را بی نیزه بدوش فنگ کرده به نزد وکیل آورده حالت فرونت بپا فنگ و راحت باش می‌کنند وکیل‌ها کم و زیاد سرباز را با همدیگر درست می‌کنند به هر دسته که سرباز داخل و خارج شده رسد و غیره را از نو درست می‌نمایند سرهنگ فرمان نیزه فنگ داده صاحب‌منصب شمشیر را از غلاف می‌کشد و فرمان بدوش فنگ و به چپ تشتیوان می‌دهد، سردسته‌ها از نزدیکی پیشروی سرباز به وسط دسته آمده سه قدم پیش می‌ایستند سرباز آخر هر دسته که نماینده چپ می‌گویند به چپ چپ و نظر به راست می‌کنند و یک وکیل از دسته بهادران به پیش بیدق آمده با سربازان نماینده راست می‌ایستند آجودان و سربازان نماینده را با بیدق‌ها نظام داده نظر به پیش می‌گوید بعد از آن سرهنگ فرمان زودمرش می‌دهد سردسته‌ها طرف راست گرد کرده رو به سرباز پس مرش می‌کنند سه قدم به تشتیوان مانده هر سردسته زود به پیش نماینده دسته سمت راست دسته خود آمده در یک قدمی فرمان حالت داده از پیش سرباز سیمی و دسته مذکور نظام می‌دهند.

بعد نظر به پیش گفته در جای خود می‌ایستند سرهنگ فرمان صف دور مرش می‌دهد، سردسته و نایب شمشیر بالا به پیش دسته آمده نظر به راست کرده، آجودان همه را نظام داده نظر به پیش می‌گوید، نماینده فوج دستش را حرکت داده صاحب‌منصب شمشیر را به برابر سینه به قراری که پیش از این ذکر شد می‌کشند، علمدار شش قدم از مرکز پیش می‌آید طَبال و نی‌زن از جای علمدار به پیش سرباز آمده در یک صف و یک قدم پیش می‌ایستند سرهنگ فرمان به پیش فنگ می‌دهد، صاحب‌منصبان در حرکت دویم شمشیر بالا و در سیم شمشیر را پایین می‌آورند طَبال و نی‌زن طبل و نی و شیپورچی شیپور سلام می‌زنند بعد از اتمام طبل بدوش فنگ صاحب‌منصب در اول حرکت شمشیر بالا در دویم شمشیر را به سینه می‌آورند صف نزدیک صاحب‌منصبان و علمدار و طبل و نی‌زن و کیلان اول پای راست را به عقب می‌کشند صاحب شمشیر و تفنگ شمشیر بالا و بالا فنگ می‌کنند و به حرکت نماینده به راست راست می‌نمایند در لفظ مرش هر کس به جای خود می‌رود و باطالیون طرف راست گرد طَبال و نی‌زن زود از عقب فوج آمده از میان بیدق تشتیوان گذشته در پیش بیدق رکن دویم می‌ایستند، هر دسته به راست کرده سردسته‌ها به وسط دسته آمده سه قدم پیش می‌ایستند زودمرش سردسته‌ها طرف راست گرد پس مرش می‌کنند، بعد از تمام شدن گرد سردسته‌ها فرمان حالت فرونت داده به چپ دسته آمده، نظام می‌دهند بعد نظر به پیش می‌گویند یاور اول در پیش بهادران و یا در دویم در عقب مخبران وکیل‌باشی در عقب وکیلان مخبران می‌باشند سرهنگ فرمان می‌دهد ستون به پیش مرش وقتی که دسته بهادران به بیدق رسید سردسته فرمان می‌دهد حالت به چپ گرد بعد از اتمام گرد حالت نظام نظر به پیش می‌گوید تا دسته اول به بیدق می‌رسد سر دسته بهادران فرمان مرش می‌دهد و سر دسته اول حالت به چپ گرد می‌کند مابقی دسته‌جات به همین قرار فرمان می‌دهند در وقت گذشتن علمدار از بیدق آجودان به عقب علمدار آمده، به فاصله یک قدم مرش می‌کند. در بیدق رکن دویم هم به قرار مذکور عمل می‌کنند؛ لیکن در وقت فرمان مرش دادن سردسته بهادران طَبال و نی‌زن طبل می‌زنند و دسته مذکور سه قدم که از بیدق گذشت سردسته فرمان نظر به راست داده به

سمت راست دسته می‌آید اهل دسته همه نظر به راست می‌کنند سایر دسته‌ها همچنین علمدار با وکیل‌ها در وقت نظر به راست دسته چهارم به راست دسته مذکور آمده در عقب سرباز می‌رود؛ و در سایر حرکات هم به سردست [چهارم اطاعت می‌کند. سرهنگ هم به پیش دسته بهادران آمده در عقب طبلال و نی‌زن مرش می‌کند وقتی که به بیدق صف دور رسید در حین گذاشتن پای چپ به زمین شمشیر بالا می‌کند در پای چپ دیگر شمشیر را در برابر سینه می‌گیرد و هر یک از دست‌ها که به بیدق مذکور رسید سردسته فرمان صف دور داده با نایبان به پیش دسته آمده به قاعده که در صف دور مذکور شد عمل نموده مرش می‌کنند طبلال و نی‌زن از پیش بیدق سلام گذشته بازوی راست پیش کرده از پیش دسته بهادران رد شده مختلف مرش نموده در مقابل بیدق سلام ایستاده طبل می‌زنند. سرهنگ تعظیم سلام کرده اگر از خود بزرگ‌تری در پیش بیدق هست در سمت طبلال‌ها می‌ایستد و الا به پیش بیدق سلام می‌رود سردسته و نایب‌ها به قدر فاصله دسته به بیدق مانده در پای چپ شمشیر بالا در پای چپ دیگر شمشیر را پایین آورده تعظیم می‌کنند به قدر فاصله مذکور که از بیدق گذشتند فرمان صف نزدیک داده نایب‌ها به عقب دسته و سردسته به راست دسته می‌روند آجودان بعد از سلام برگشته به پیش بیدق رکن اول می‌رود و به سردسته‌ها نگاه می‌کند هر کدام از بیدق تشتیوان کج شده خیردار می‌کند صاحب‌منصبان مخبران در حین شمشیر بالا دست و بازوی چپ را به سمت چپ دراز می‌کنند و در پایین آوردن شمشیر دست چپ را به مقابل پیشانی می‌گذارند و شیپورچیان شیپور سلام می‌زنند. بعد از گذاشتن دسته مخبران از بیدق طبلال و نی‌زن طبل زدن را موقوف کرده به پیش بیدق رکن دویم می‌روند سرهنگ به میدان آمده متوجه نظم سرباز می‌شود سردسته‌ها سه قدم به بیدق رکن سیم مانده نظر به چپ گفته به چپ دسته می‌آیند در نزد بیدق به قراری که مذکور شد فرمان می‌دهند در بیدق آخر تشتیوان نیز همچنین وقتی که چهار و پنج دسته از بیدق گذشت سرهنگ فرمان حالت می‌دهد بعد از آن فرمان می‌دهد ستون به پیش زودمرش سربازها در بر داشتن پای چپ در راه فنگ می‌کنند در مرش باز در راه فنگ می‌نمایند در بیدق رکن ثانی در فرمان زودمرش سر دسته بهادران طبل می‌زنند و سرباز در راه فنگ را موقوف می‌کند در سه قدمی سردسته‌ها نظر به راست گفته به راست دسته می‌روند سرهنگ و آجودان و شیپورچی و طبلال‌ها مثل سابق رفتار می‌کنند و در وقت گذاشتن از بیدق سلام تمامی اهل فوج باید نظر به راست نمایند باز در سه قدمی رکن سیم بیدق نظر به فرمان می‌دهند در نزد بیدق به قرار سابق فرمان داده در زودمرش سرباز در راه فنگ می‌کنند در بیدق آخر باز همچنین بعد از گذاشتن چهار و پنج دسته سرهنگ فرمان حالت و آهسته مرش می‌دهد تا دسته بهادران به حد فاصله خود به سرهنگ فرمان حالت و به چپ تشتیوان می‌دهد. بعد از تمام شدن تشتیوان اگر مشق تفنگ بدهند اول صف دور می‌کنند بعد از آن فرمان پیا فنگ و نیزه جا و و بدوش فنگ می‌دهند بعد می‌گویند سردسته پس ارباب شمشیر، شمشیر بالا و کیلان اول بالا فنگ و پای راست را به عقب می‌کشند و علمدار همچنین با حرکت دست نماینده فوج به راست راست می‌شوند بعد از آن فرمان مرش داده علمدار به جای خود می‌آید سردسته و نایب و غیره به عقب سرباز رفته بی‌حکم حالت فرونت می‌کنند. بعد از آن ابتدا در مشق تفنگ از بفل فنگ می‌نمایند و ارباب منصب متوجه سرباز می‌شوند هر کدام از سربازها بد مشق بکنند آهسته و



بی‌صدا تنبیه می‌کنند.

### فصل سیم

#### در بیان جزئی تفصیل قواعد احکام هیجده حرکت و مجملی از منافع آن در هنگام جنگ

باید دانست که لازم نیست حرکات هیجده‌گانه را به قراری که مذکور خواهد شد به همان ترتیب به جای آورند، بنا به تقاضای وقت به مختصر وجهی و به زودترین مرش حرکت می‌کنند و لازم است که ارباب مناصب سرباز را چنان تعلیم بدهند تا تفنگ انداختن دسته پیش دسته عقبی حاضر شود و به مجرد فرمان حرکت را موافق قاعده به عمل آورند. در این صورت هر یکی از حرکات‌ها به چند دقیقه نمی‌کشد که تمام می‌شود. حرکت اول اخبار ستون دسته فراز عقب بهادران به ساز آجودان دو بیدق در پیشرو از سمت چپ دسته بهادران و کیل‌باشی دو بیدق در مقابل آن در عقب دسته مذکور به ملاحظه فاصله ستون راست می‌کنند. سر دسته بهادران به چپ دسته می‌آید، دیگر دسته‌ها به راست راست همه سردسته‌ها در سمت دوش چپ سرباز اولی می‌ایستند، و کیلان اول به جای ایشان می‌آیند سه جفت سرباز از سر هر دسته به سمت راست کج می‌کنند که در حین مرش فوج قطار نرود زودمرش و کیل اول دسته اول به فاصله یک قدم از عقب سر دسته بهادران با بیدق پیش و پس راست می‌ایستند، سرباز از عقب و کیل می‌گذرد، سردسته روبه روی و کیل می‌ایستد تا آخر دسته می‌گوید، اول حالت فرونت نظام نظر به پیش سایر دسته‌ها به طریق مذکور عمل می‌نمایند علمدار با دسته پنجم می‌رود نایبان و و کیلان در راست دسته خود با قطار می‌ایستند ستون گروهان به ساز آجودان در طرف راست بهادران و کیل‌باشی به فاصله یک دسته از آخر بهادران بیدق‌ها را راست می‌کنند دسته‌های چپ به چپ چپ نایب‌ها و و کیل‌ها طرف راست گرد می‌شوند زودمرش سردسته دسته‌های راست به طرف راست دسته خود می‌روند نایب‌ها و و کیل‌ها به عقب گروهان آخر می‌آیند سردسته دسته‌های چپ می‌ایستند دسته‌های خود را حالت فرونت گفته به پیش دسته‌های راست آمده در مقابل سرباز سیم آخری ایستاده نظام پیش گفته بعد نظر به پیش کرده به چپ دسته می‌آیند یک نفر و کیل در جای سردسته‌های چپ می‌ماند.

ستون فرار به پیش: مرش گروهان پیش می‌آیند هر کدام به فاصله یک قدم رسیدند سردسته دسته‌های چپ فرمان می‌دهند فلان گروهان حالت نظام نظر به پیش تشتیوان به آخر گروهان آجودان و کیل‌باشی فاصله تشتیوان را از سمت راست ملاحظه کرده یک نفر و کیل از دسته مخبران آمده با سرباز سیم دست راست بهادران روبه رو ایستاده بیدق‌ها را با و کیل راست می‌نمایند ستون به راست راست رو و مرش آخر گروهان حالت فرونت سردسته مخبران به آخر گروهان می‌گوید نظام تا گروهان دیگر از پیشروی آخر گروهان می‌گذرد سرهنگ می‌گوید چهارم گروهان حالت فرونت سردسته آخر گروهان فرمان مرش می‌دهد تا می‌رسد به مقابل و کیل و بیدق‌ها فرمان حالت نظام می‌دهد بعد نظر به پیش گفته سردسته هفتم به چهارم گروهان حکم و نظام می‌دهد به هر گروهان که سرهنگ فرمان حالت فرونت داد سردسته چپ نظام داده به تشتیوان آورده جا به جا می‌کند بعد از تمام شدن تشتیوان بیدق‌ها را به عقب فوج می‌آورند مانند سینه

فنگ می‌گیرند.<sup>۱</sup>

تیر فنگ گروهان از چپ به راست: قاعده این در تیر اندازی فوج تحریر یافت و یاورها در همه احوال متوجه فوج هستند. اگر عیبی و نقصی بوده باشد، آهسته و زود درست می‌نمایند این حرکت را به چندین قسم مختلف به عمل می‌تواند آورد.

حرکت دویم، ستون دسته فرار پیش مخبران بساز: سردسته مخبران به چپ دسته می‌آید آجودان و وکیل‌باشی فاصله ستون را از پیش مخبران نگهداشته بیدق‌ها را از سمت چپ دسته مذکور راست می‌نمایند، دیگر دسته‌ها به چپ چپ سردسته‌ها به آخر دسته آمده برابر دوش راست سرباز آخری ایستاده سه جفت سرباز به سمت راست کج نمایند زودمرش وکیل دسته هشتم زود آمده از پیش سردسته مخبران فاصله گرفته با بیدق‌ها راست می‌ایستد سه قدم به وکیل مانده سردسته زود می‌رود و فرمان حالت فرونت نظام نظر به پیش می‌دهد سایر دسته‌ها به طریق مذکور عمل می‌کنند نایب و وکیل علمدار مثل حرکت سابق رفتار کنند.

ستون گروهان بساز: دسته‌های چپ به چپ چپ زودمرش سردسته حالت فرونت نظام پیش نظر به پیش تفصیل این حرکت در اول مذکور شد احتیاج به تکرار نیست.

تشتیوان به اول گروهان: آجودان در پیش بهادران وکیل‌باشی فاصله فوج را از سمت چپ ملاحظه کرده بیدق‌ها را درست نمایند ستون به چپ چپ زودمرش اول گروهان حالت فرونت سردسته بهادران می‌گوید نظام نظر به پیش دویم گروهان حالت فرونت سر دسته دویم نظام می‌دهد تا به اول گروهان راست می‌نماید بعد سیم گروهان و چهارم و پنجم از قرار مذکور رفتار می‌کنند بعد از تمام شدن تشتیوان تیر فنگ گروهان از راست به چپ به قاعده که در تیر اندازی ذکر شد فرمان می‌دهند.<sup>۲</sup>

حرکت سیم، ستون دسته فراز بر دسته راست مرکز رو به پشت چپ در پیش آ، سردسته دسته چهارم

۱. توضیحات: مجملی از فواید این حرکت این که با دشمن در مقابل جنگ توپ می‌کنند؛ جای امنی در پیش بهادران است، فوج را در آنجا ستون کنند که از صدمه توپ محفوظ شود یا این که می‌خواهد پیش برده مانعی در میان هست ستون کرده از آنجا می‌گذرد. و دیگر آن است که هنگام دعواست که میدان را گرفته، دشمن به جنگ این که فوج در جای خود بر قرار است توپ و تفنگ به آنجا می‌زند فوج را ستون کرده تیر دشمن را او به موقع به این قسم پیش می‌رود تا آگاه شدن دشمن دست برد زده غالب می‌شود. دیگر این که می‌خواهد فوج را مشق ببرد و توپ در جای خود دعوا کند ستون کرده می‌رود مانع نمی‌شود، توپ همه جا را می‌زند و معطل نمی‌ماند، فواید دیگر هم دارد.

۲. توضیحات: فوایدی که در حرکت اول ذکر شد به این حرکت نیز مترتب است تفاوتی که دارند این است آن حرکت برای سمت راست است و این حرکت برای سمت چپ.

۳. توضیحات: فواید این حرکت سیم اول این که دشمن از عقب آمده فوج را به این قسم حرکت داده آماده جنگ ساخته بعد از رفع رجوع باز به حرکت مختلف مرش روی فوج را به سمت اولی گردانیده دویم این که بنا به مقتضای وقت فوج را می‌خواست به عقب برد چنین رفتار کرد و سیم این که در پشت سر فوج رودخانه یا دره بوده معبرش در برابر دسته چهارم اتفاق افتاده باید از آنجا بگذرد و احتیاط از دشمن دارد فوج را به مرکز جمع کرده از معبر گذشته باز به طریق مختلف حرکت نموده رو به طرف دشمن شده مشغول جنگ می‌شود در اول اوراق، مذکور شد

فرمان می‌دهد دسته راست مرکز به راست راست به راست مختلف زودمرش علمدار با دسته چهارم می‌رود حالت فرونت نظام نظر به پیش بعد از آن آجودان و وکیل‌باشی از پس و پیش دسته مزبور هریک نصف فاصله ستون را ملاحظه کرده از سمت راست بیدق را درست می‌کنند دیگر دسته‌ها مدار رو جانب راست به راست راست و جانب چپ به چپ چپ می‌کنند سردسته دسته‌های چپ به آخر دسته می‌آیند به چپ مختلف زودمرش و کیلان اول جانب راست از عقب و وکیلان جانب چپ از پیش سمت راست دسته چهارم فاصله می‌گیرند وقتی که دسته‌های جانب راست به وکیل رسید حالت فرونت نظام نظر به پیش می‌کنند سردسته‌های جانب چپ در نزد وکیل ایستاده سرباز از عقب وکیل می‌گذرد در آخر دسته سر دسته حالت فرونت می‌کند، نایبان و وکیلان در چپ دسته می‌ایستند دسته‌های چپ بیرون ستون به چپ چپ و کیلان اول در جای خود می‌ایستند سردسته‌ها به چپ دسته می‌آیند زودمرش و کیلان اول در همانجا طرف راست گرد می‌کنند و دسته‌های چپ به قدر فاصله که بیرون آمدند جمع به چپ مختلف زودمرش دسته‌های راست در جای خود مختلف مرش کرده به نزد وکیل آمده سردسته حالت فرونت نظام نظر به پیش می‌کند دسته‌های چپ که بیرون رفته بودند در آنجا مختلف مرش کرده آمده داخل ستون شده حالت فرونت نظام نظر به پیش می‌کنند در این وقت علمدار در راست دسته پنجم می‌ایستد نایب‌ها و وکیل‌ها در راست دسته میباشند تشتیوان بر دسته راست مرکز آجودان و وکیل‌باشی از راست و چپ دسته چهارم به فاصله فوج از دسته بهادران بیدق‌ها را راست کنند یک وکیل از دسته چهارم آمده رو به روی بهادران می‌ایستد دیگر دسته‌ها مدار رو زودمرش سردسته پنجم می‌ایستد تا دسته اش از عقب چهارم می‌گذرد حالت فرونت می‌کند سایر دسته جات جانب چپ به ترتیب که از یکدیگر می‌گذرند فرمان حالت فرونت می‌دهند وقتی که دسته‌های جانب راست از پیشروی دسته چهارم گذشتند دسته سیم حالت فرونت بعد از آن سایر دسته‌ها به ترتیب حالت فرونت می‌کنند و سردسته چهارم بعد از گذشتن دسته‌ها از پیش او فرمان می‌دهد دسته راست مرکز مرش تا می‌رسد به وکیل خود حالت نظام نظر به پیش می‌کند سایر دسته جات مرش کرده آمده از دسته چهارم تشتیوان می‌شوند چون نظام بیدق‌ها از دسته بهادران داده شده سردسته او حکم مرش ثانی نمی‌دهد.

تیرفنگ به دسته از مرکز به مدار: تفصیلش در تیر اندازی تحریر یافت.

حرکت چهارم، باطالیون طرف راست گرد هر دسته به راست گرد دسته‌ها به وسط دسته آمده سه قدم پیش می‌ایستند. زودمرش سردسته‌ها به آخر دسته آمده تا سرباز یک گرد را تمام کرده فرمان حالت فرونت

که دانستن فواید حرکت‌ها بسته به علم و نظام دانی صاحب‌منصب است که در هنگام ضرورت به وقوف و قاعده دانی خود بفهمد که چه قسم باید حرکت کرد و این حرکت را نیز اقسام متعدده به عمل می‌توان آورد. در اکثر جا که فوج را ستون فرار می‌کنند به جهت زدن تشتیوان شدن و ایمن از شر سوارها بوده است.

۱. توضیحات: قاعده حرکت آن است که فوج را در مقابل تیر دشمن رو نموده و تیر فوج دشمن را می‌زند. یا این که فوج را به مأمن کشید یا دشمن در پس تک یا مانع دیگر بوده که تیر فوج او را نمی‌گرفت، حرکت به سمت راست گروه تیر دشمن را بگیرد و سایر وجوه هم دارد.

نظام نظر به پیش می‌دهند.

ستون به پیش تبدیل به سمت چپ: یک وکیل بهادران قدری در آن پیش رفته در مقابل سردسته‌ها ایستاده نیم به راست می‌کند بیدق پیش را به فاصله شش دسته با سینه وکیل راست کنند ستون به پیش مرش دسته بهادران به وکیل رسیده فرمان بازوی راست پیش می‌دهد تا نصف یک گرد تمام می‌شود فرمان به پیش می‌دهد با بیدق‌ها راست می‌رود هر دسته که به وکیل می‌رسد مثل بهادران رفتار می‌کند. سرهنگ ملاحظه می‌کند که در وقت تشتیوان شدن فوج تیر دشمن فوج را نمی‌گیرد فرمان حالت می‌دهد. بعد دیگر دسته‌ها به صف نو به قطار مرش وکیل‌باشی به ملاحظه فاصله چند دسته که بازو پیش نکرده‌اند بیدق را با وکیل و بیدق پیش راست می‌کند و وکیل اول همین دسته‌ها فاصله دسته خود را می‌گیرند به راست راست همین دسته‌ها به راست راست می‌کنند زودمرش سردسته‌ها در نزد وکیل می‌مانند هر دسته از عقب وکیل اول خود می‌گذرد، سردسته‌ها حالت فرونت نظام می‌کنند. بعد نظر به پیش وکیل بهادران می‌رود و علمدار در همه حال در عقب دسته چهارم می‌باشد به چپ تشتیوان زودمرش سردسته فرمان حالت نظام نظر به پیش می‌دهد تشتیوان کج می‌شود، این حرکت از سمت مخبران هم می‌شود.

حرکت پنجم: باطالیون طرف راست گرد دسته مخبران چهار قدم دیگر دسته‌ها دو قدم به راست گرد وکیل اول مخبران چهار قدم سایر دسته‌ها دو قدم از مقابل سرباز هشتم آخردسته مثل گرد پیش آمده می‌ایستد وکیل مخبران نیم به راست سایرین یک ربع به راست می‌کنند، سردسته به چپ دسته آمده نماینده چپ را با وکیل راست می‌نماید زودمرش از چپ دسته سردسته‌ها فرمان حالت نظام نظر به پیش می‌دهند، دسته مخبران حالت فرونت می‌کند.

تشتیوان بر دسته مخبران: آجودان از سمت مخبران وکیل‌باشی به فاصله فوج از سمت راست بیدق‌ها را با دسته مخبران راست می‌کنند مرش سردسته هشتم دسته را آورده تا به سردسته مخبران می‌رساند فرمان بازوی چپ پیش می‌دهد تا دسته راست می‌شود پیش می‌گوید قدر کم از مخبران می‌گذرد فرمان می‌دهد، هشتم حالت فرونت نظام نظر به پیش سایر دسته‌جات مثل دسته هشتم فرمان داده از سمت چپ یکدیگر نظام می‌گیرند، تا تشتیوان درست می‌شود، تیر فنگ به دسته از چپ به راست این حرکت را به چندین قسم می‌توان به عمل آورد.

حرکت ششم، باطالیون طرف راست گرد هر دسته به راست گرد زودمرش فرمان سردسته حالت فرونت نظام نظر به پیش ستون به راست مختلف آجودان وکیل‌باشی بیدق‌ها را به قرار تشتیوان راست کنند به راست راست سردسته‌ها به سردسته آمده وکیلان اول حرکت نمی‌کنند زودمرش وکیلان اول طرف راست گرد می‌شوند علمدار که در عقب دسته چهارم بود به عقب دسته پنجم به سمت راست می‌رود و دسته‌ها

۱. توضیحات: فواید این حرکت آن است که دشمن از سمتی که خلاف پیشرو باشد آمد فوج را کج تشتیوان می‌کنند یا این که کج بود با این حرکت راست نموده یا به جهت فریب دادن دشمن و از دم تیر رد شدن یا وضع ایستادن او را تغییر دادن است، فایده این حرکت در وقتی که فوج متعدد باشد درست معلوم می‌شود.

مختلف مرش کرده به نزد وکیل اول می آیند فرمان سردسته هالت فرونت نظام نظر به پیش ستون فرار به فاصله بهره زودمرش وقتی که دسته هشتم به قدر فاصله بهره به دسته مخبران رسید هالت می کند، سایر دسته‌ها همچنین به فاصله بهره یکدیگر که رسیدند فرمان هالت نظام نظر به پیش می دهند یک بیدق در پیش مخبران بسیار بلند می کنند که همه سرباز ببینند بعد شد می خوابانند بدون حکم یک قدم رسدهای راست پهلوی راست و رسدهای چپ پهلوی چپ می کنند قلعه بساز از دسته هفتم یا سیم یک سرباز از راست بهره‌های رسد راست به راست راست و یکی از چپ بهره‌های رسدهای چپ به چپ چپ می کنند زودمرش بهره‌های رسد راست به راست گرد سردسته‌ها هالت نظام و بهره‌های رسد چپ به چپ گرد کرده نایبان اول هالت نظام می کنند، بهره دویم به اول و بهره سیم به چهارم می چسبند دسته مخبران طرف راست گرد و زودمرش کرده آمده به دسته هشتم رسیده هالت فرونت و دسته بهادران و اول زودمرش کرده بر کن قلعه رسیده هالت طرف راست گرد می کنند، قلعه چهار صف تمام می شود، علمدار در میان قلعه می ماند سردسته بهادران و اول در مرکز بهادران و سر دسته هشتم و مخبران در مرکز مخبران سردسته دویم و سیم و چهارم در جای علمدار و سر دسته پنجم و ششم و هفتم در سمت دیگر مقابل جای علمدار می ایستند، در وقت تیراندازی سردسته به عقب می آید وکیل در جای او می ایستد به تیرفنگ قرار طبل زده می شود، و دو صف پیش از هر طرف قلعه صف بر زانو حاضر فنگ و سرتفنگ را به سمت بیرون کج می کند و دو صف عقب در سر پا حاضر فنگ می نمایند. از راست هر رو به قطار آت دو صف از عقب از کنج راست هر طرف دو به دو تفنگ را خالی می سازند. پس طبل زده سربازان تفنگ را پر کرده بدوش فنگ می کنند. صف بر زانو رو آت پر دو صف پیش که حاضر فنگ بر زانو کرده بودند تفنگ را خالی کرده در سر پا پر و بدوش فنگ می کنند اگر جنگ تمام نشده در سر زانو پر می نمایند و به قرار سابق نگه می دارند ستون بساز بهره های دویم و سیم به قدر فاصله پس مرش کرده سربازان راست و چپ بهره‌ها که پیش تر ذکر شد به راست راست و به چپ چپ می کنند، زودمرش بهره‌ها عقب به راست و عقب به چپ کرده دسته می شوند، دسته مخبران به قدر فاصله سابق پیش مرش هالت نظام نظر به پیش می کنند دسته اول و بهادران هم به قدر بهره فاصله پیش مرش هالت فرونت می کنند بعد نظام نظر به پیش باز بیدق را بلند کرده و خوابانیده رسدها به هم می چسبند ستون از دسته عقب باز فاصله فوج را از پیش مخبران گرفته بیدق‌ها را راست کنند زودمرش دسته بهادران مرش نمی کند وقتی که دسته اول به قدر فاصله دور شد سر دسته بهادران فرمان می دهد اول هالت مابقی سردسته‌ها به همین قرار به دسته پیشروی خود فرمان هالت می دهند بعد به دسته خود نظام می دهند.

تبدیل ستون به ترتیب دسته‌ها: جانب راست باطالیون به پیش این حرکت بنا به گنجایش مکان به چندین قسم می شود دو قسمتش را بیان می نماید قسم اول سر دسته بهادران فرمان می دهد بهادران به چپ

۱. توضیحات: فایده کج کردن سر تفنگ این است که اگر سواره دشمن خیرگی کرده بسیار نزدیک بیاید سر نیزه‌ها به اسبش می خورد و اگر تفنگ را به همان قسم خالی نمایند تیرش رد نشود و حربه دشمن به سرباز نرسد.

چپ زودمرش وقتی که از عقب دسته اول گذشت فرمان حالت فرونت می‌دهد بعد مرش سردسته دسته اول تأمل می‌کند تا دسته بهادران از پهلوئی دسته اش می‌گذرد و بعد از آن فرمان به چپ چپ زودمرش می‌دهد تا دسته اش از عقب دسته دوم می‌گذرد. می‌گوید به راست رو تا می‌رسد به قدر فاصله دسته آن وقت فرمان می‌دهد آهسته باقی دسته‌جات به نهج مذکور رفتار کنند بعد از تمام شدن دسته‌ها سرهنگ فرمان حالت می‌دهد قسم دویم بهادران در جا دیگر دسته‌ها با رسد مدار رو رسدهای راست به راست راست و رسدهای چپ به چپ چپ می‌کنند زودمرش تا به قدر فاصله یک دسته می‌روند حالت فرونت سردسته بهادران می‌گوید بهادران مرش از میان رسدهای دسته اول می‌گذرد و بعد از آن سردسته دسته اول فرمان می‌دهد. اول مرکز رو مرش تا رسدها به هم می‌رسند حالت فرونت می‌کند، بعد زودمرش تا می‌رسد به فاصله دسته می‌گوید آهسته سایر دستجات مثل دسته اول عمل می‌نمایند تا همه جا به جا می‌شوند بعد سرهنگ فرمان حالت می‌دهد به چپ تشتیوان زودمرش فرمان سردسته‌ها حالت نظام نظر به پیش این حرکت ششم را به چندین طریق درست می‌توان کرد این که مذکور شد از اقسام مبسوطه بود و منوط به چند فایده به مختصر وجهی در هنگام مرش و ستون این قلعه درست می‌شود ذکر قلعه چهار صف به وضع دیگر باطالیون قلعه بساز بر مرکز به قطار مرش گروهان سردسته راست مرکز فرمان می‌دهد دسته راست مرکز مدار رو قطار به راست زودمرش رسد راست حالت فرونت نظام رسد چپ قطار به راست رسد چپ به عقب رسد راست می‌آید به آن هم فرمان حالت فرونت می‌دهد سردسته چپ مرکز فرمان می‌دهد دسته چپ مرکز مدار رو قطار به چپ زودمرش وقتی که رسد چپ تمام شد می‌گوید حالت فرونت رسد راست قطار به چپ رسد راست به عقب رسد چپ می‌گذرد به او هم فرمان حالت فرونت می‌دهد بعد نظام نظر به پیش فرمان سرهنگ گروهان مرکز رو گروهان اول و دویم به چپ چپ و گروهان چهارم و پنجم به راست راست می‌کنند زودمرش گروهان جانب راست به جای دسته‌های چهارم و پنجم آمده سردسته گروهان حالت فرونت می‌کنند و گروهان جانب چپ به سمت عقب رفته پشت سر هم حالت به راست راست می‌کنند، تیر اندازی این حرکت هم مثل حرکت سابق است تشتیوان بر سیم گروهان بیدق‌ها را از راست و چپ گروهان سیم به ملاحظه فاصله نظام دهند مدار رو زودمرش وقتی که گروهان از جای دسته چهارم و پنجم گذشت سر دسته دسته چهارم فرمان می‌دهد دسته راست مرکز به چپ چپ رسد چپ قطار به چپ زودمرش بعد از آن رسد راست قطار به چپ حالت فرونت نظام نظر به پیش سردسته چپ مرکز به راست راست رسد راست قطار به راست زودمرش بعد از آن رسد چپ قطار به راست حالت فرونت نظام نظر به پیش فرمان سرهنگ دویم گروهان حالت فرونت [اول گروهان حالت فرونت] سردسته‌های گروهان فرمان پس مرش داده جابه جا می‌کنند فرمان چهارم و پنجم گروهان را یاور می‌دهد و سردسته‌های گروهان فرمان پیش مرش داده به تشتیوان آورده حالت کرده نظام می‌دهند فایده قلعه به همه کس معلوم است چندین احتیاج به بیان ندارد.

حرکت هفتم، این حرکت را به سه قسم درست می‌کنند قسم اول از بابت مشق های جدید باطالیون به پیش از مرکز با دسته اول علمدار مختلف مرش کرده رو به عقب می‌شود سر دسته دسته چهارم فرمان

می‌دهد چهارم چهار به راست راست مختلف زودمرش دسته پنجم را چهار به چپ به راست مختلف زودمرش فرمان می‌دهد دسته چهارم از پیش علمدار و دسته پنجم از عقبش گذشته در جای سابق یکدیگر حالت فرونت نظام می‌کنند بیدق‌ها را از راست و چپ موافق علمدار راست کنند دیگر دسته‌ها چهار به مدار سردسته‌های جانب چپ به آخر دسته می‌آیند زودمرش دسته‌های جانب راست به چپ مختلف دسته‌های جانب چپ به راست مختلف کرده دسته سیم با ششم دسته دویم با هفتم و دسته اول با هشتم بهادران با مخبران راست می‌آیند وقتی که به همدیگر رسیدند از سمت دوش راست یکدیگر می‌گذرند تا مقابل جای خود می‌رسند فرمان فرونت رو داده به تشتیوان رسیده حالت نظام پیش نظر به پیش می‌کنند وقتی که دسته چهارم و پنجم حاضر شدند و سایر دسته‌ها را چهار مدار زودمرش گفتند فرمان می‌دهد دسته‌های حاضر از راست به قطار آت هر کدام از دسته‌ها که به تشتیوان حاضر شدند از راست به قطار آت می‌کنند مختلف مرش از مرکز با رسد باز علمدار مختلف مرش می‌کند جانب راست طرف راست هر رسد به راست گرد زودمرش سردسته‌های جانب راست رسد چپ را نایب اول رسد راست را فرمان حالت نظام می‌دهند و سردسته و نایب جانب چپ به خلاف جانب راست حالت نظام می‌کنند پهلوی چپ مرش هر کدام رسد دو قدم به پهلوی چپ می‌کنند حالت باطلیون مرش رسد‌های جانب راست از پیش علمدار و رسد‌های جانب چپ از عقب علمدار می‌روند سردسته‌های جانب راست فرمان می‌دهند به رسد چپ حالت به راست گرد وقتی که رسد قدری از برابر بیدق تشتیوان گذشت حالت فرونت نظام رسد راست نایب اول آورده از برابر رسد چپ که گذشت فرمان حالت به راست گرد حالت فرونت داده به جای خود می‌رود سردسته به رسد راست هم نظام داده نظر به پیش گفته به سردسته می‌آید سردسته‌های جانب چپ رسد راست را حالت به راست گرد حالت نظام می‌کند نایب اول رسد چپ را آورده به آخر رسد راست رسانیده حالت به راست گرد بعد حالت کرده به جای خود می‌رود سردسته نظام داده نظر به پیش گفته در جای خود می‌ایستد چون که جانب راست از پیشروی فوج می‌گذرد دسته چهارم و پنجم از همه دسته‌ها زود تر تشتیوان می‌شوند سرهنگ تأمل می‌کند تا پیشروی دسته چهارم وا می‌شود آن وقت به هر طوریکه می‌خواهد فرمان آت می‌دهد تا تیر انداختن چهارم و پنجم سایر دسته‌های پشت سر هم تشتیوان شده موافق حکم سرهنگ به انداختن تفنگ مشغول می‌شوند.

باطالیون مختلف مرش از مرکز با قطار: مرکز رو دسته‌های جانب راست به چپ دسته می‌آیند دو قدم پهلوی راست مرش حالت باز علمدار در سر جای خود مختلف مرش می‌کند بیدق‌ها را از علمدار راست می‌کنند مرش جانب راست از پیش و جانب از عقب علمدار می‌گذرند سر دسته پنجم و پنجم در مقابل علمدار می‌ایستد سرباز با قطار مختلف مرش کرده در تشتیوان به مقابل جای خود که رسید در جا مرش می‌کند سرباز عقبی قدر کمی پیش رفته به جای خود می‌آید وقتی که دسته تمام شد سردسته‌های مذکور فرمان حالت فرونت نظام داده بعد نظر به پیش گفته سردسته جانب چپ در جای خود می‌ماند سر دسته جانب راست به سردسته‌اش می‌رود و سایر دستجات از قرار مسطور عمل کنند باز سرهنگ آنقدر صبر می‌نماید که جانب راست از پیش دسته چهارم می‌گذرد و بعد از آن فرمان آت می‌دهد. این سه حرکت را

بنا به گنجایش مکان معمول می‌داند؛ لیکن قسم اول مختصر و بهتر و سرباز معطل تیر انداختن نمی‌شود. حرکت هشتم، باطالیون ستون باز عقب مخبران بساز؛ بیدق‌ها را از پس و پیش طرف راست مخبران درست کنند مخبران در جا دیگر دسته‌ها طرف راست گرد هر دسته به چپ گرد زودمرش بعد از تمام شدن یک گرد سردسته‌ها حالت فرونت نظام نظر به پیش می‌نمایند به چپ چپ سردسته‌ها به سر قطار می‌آیند زودمرش سردسته‌ها از عقب مخبران فاصله دست خود را منظور کرده قدری میل به راست دسته را می‌برند و کیل اول دسته‌ها پیش از دسته رفته به فاصله دست خود در برابر سر دسته مخبران و بیدق‌ها می‌ایستد سر دسته دست را از عقب و کیل می‌کند راند خودش می‌نماید، بعد از تمام شدن دسته فرمان حالت فرونت می‌دهد و اگر فوج پیش حرکت خواهد کرد چند دسته این طور کرده سرهنگ فرمان می‌دهد ستون به پیش مرش دسته مخبران با آن دسته‌ها که حالت فرونت کرده‌اند مرش می‌کنند سایر دسته‌ها به همان قرار می‌آیند تا می‌رسند به برابر بیدق‌ها سردسته می‌ماند دسته می‌رود در آخر دسته اش فرمان به راست رو می‌دهد و و کیلان اول هر دسته که فاصله گرفته بودند در وقت حرکت ستون به همان قرار می‌روند دسته‌ها هر کدام که به و کیل خود می‌رسد فرمان آهسته می‌دهد تا آخر که همه در ستون حاضر می‌شوند رسد بساز سردسته‌ها می‌گویند رسد راست در جا تا رسدها از هم جدا می‌شوند. بعد از آن میل به چپ زود تا رسد راست به عقب رسد چپ می‌گذرد پیش آهسته سردسته‌ها در راست رسد چپ و نایبان اول در راست رسد راست می‌باشند. دسته بساز سردسته‌ها فرمان می‌دهند، رسد عقب میل به راست زود تا رسد راست از عقب رسد چپ رد می‌شود، می‌گوید پیش تا می‌رسد به برابر رسد چپ آن وقت فرمان آهسته می‌دهد سرباز آهسته مرش می‌کند، سردسته و نایب به سر جای خود می‌روند، حالت به راست تشتیوان سردسته‌ها به وسط دسته می‌آیند. نماینده راست هر دسته به راست راست و نظر به چپ می‌کنند آجودان از بیدق سمت مخبران به سربازان مذکور نظام داده نظر به پیش می‌گوید زودمرش سردسته‌ها از سمت چپ دسته خود فرمان حالت نظام داده بعد نظر به پیش گفته به سردسته می‌آیند.

حرکت نهم، باطالیون طرف راست گرد هر دسته به چپ گرد زودمرش فرمان سردسته‌ها حالت نظام نظر به پیش دسته هفتم چهار قدم دیگر دسته‌ها شش قدم به راست گرد و کیل اول دسته هفتم از آخر دسته

۱. توضیحات: فواید حرکت هشتم اول این که روی فوج مثلاً به جنوب بود دشمن از سمت مغرب آمد به این قسم روی فوج را به سمت دشمن کرد؛ ثانیاً دشمن خود را از پیش رو به سمت راست خود کشید، سرهنگ پیش مرش کرد یا دشمن خود را به مأمون می‌کشید، فوج هشتم حرکت نموده به سمت دشمن یا بالعکس؛ ثالثاً راه گنجایش گذاشتن دسته نداشت حکم به رسد بسازد او بعد از این که از مانع گذشته حکم دسته بسازد او فایده این حرکت نیز بسیار است و به چند قسم دیگر این حرکت را درست می‌توان کرد و قلعه حرکت ششم را با این حرکت می‌توان ساخت و اگر ستون فرار بکنند مثل حرکت سیم یا قسم دیگر تشتیوان می‌کنند.

۲. توضیحات: فواید حرکت نهم آن است که دشمن از سمت چپ فوج آمد به این طور رو به دشمن نموده یا این که تیر توپ فوج را می‌گرفت با این حرکت از دم توپ رو نمود همچنین تیر تفنگ یا این که می‌خواست وضع جنگ کردن دشمن را تغییر دهد، چنین رفتار کرد، حسن این حرکت وقتی که فوج بسیار شد معلوم می‌شود.



هشت نفر سرباز شمرده از برابر سرباز هشتم چهار قدم مانند گرد پیش می‌رود نیم به راست می‌کند و کیلان سایر دسته‌ها از سرباز هشتم شش قدم مانند گرد پیش می‌روند سه ربع به راست راست می‌کنند سردسته‌ها سرباز آخری را مثل وکیل‌ها به راست راست کرده در آنجا می‌ایستند زودمرش وقتی که دسته به وکیل رسید سردسته فرمان حالت فرونت نظام می‌دهد، فرمان سرهنگ دسته هشتم و مخبران طرف راست گرد تشتیوان بر دسته هفتم بیدق‌ها را از دسته هفتم به ملاحظه فاصله راست می‌کنند و سردسته‌های طرف راست دسته هفتم همه در چپ دسته می‌باشند و علمدار در همه این حرکت در عقب دسته پنجم در سمت راست می‌باشد مرش سر دسته هشتم و مخبران دسته را آورده به آخر دسته هفتم که رسید فرمان بازوی راست پیش داده بعد از راست شدن دسته پیش گفته به قدر یک قدم گذشته بعد حالت فرونت کرده از دسته هفتم نظام داده نظر به پیش گفته در جای خود می‌ایستند، سر دسته مخبران از دسته هشتم به این طور نظام می‌دهد سر دسته ششم دسته را آورده به نزدیکی دسته هفتم که رسید بازوی راست پیش کرده بعد پیش قدر کمی به هفتم مانده فرمان حالت نظام داده نظر به پیش گفته به سردسته می‌رود و سایر دستجات به ترتیب دسته مثل ششم از یکدیگر نظام می‌دهند تا تشتیوان درست می‌شود اگر هنگام جنگ نزدیک است همین که دسته مخبران به تشتیوان حاضر شد سرهنگ فرمان تیر فنگ به دسته از چپ به راست می‌دهد تا تفنگ انداختن این دسته‌ها مابقی پشت سر هم حاضر شده مشغول جنگ می‌شوند، این حرکت را نیز به چندین قسم از سایر دسته‌ها و از سمت راست فوج درست می‌توان کرد.

حرکت دهم، دسته مخبران چهار قدم دیگر دسته‌ها دو قدم به چپ گرد و کیلان اول مثل حرکت سابق از سرباز هشتم آخری چهار و دو قدم را پیموده چهار قدمی نیم به چپ دو قدمی یک ربع به چپ چپ کرده سردسته‌ها آمده سرباز آخری را با وکیل راست می‌نمایند زودمرش دسته که به وکیل رسید سردسته حالت نظام می‌کند، تشتیوان بر دسته مخبران: فاصله فوج را از سمت راست ملاحظه کرده بیدق‌ها را از دسته مخبران نظام می‌دهند مرش دسته هشتم می‌آید تا از عقب مخبران رد می‌شود فرمان بازوی راست پیش می‌دهد دسته که راست شد پیش می‌گوید قدر کمی به دسته مخبران مانده حالت نظام از دسته مخبران داده نظر به پیش گفته به سردسته می‌آید بعد از آن دسته هفتم به دسته هشتم رسیده به طریق مذکور فرمان داده دسته را جا به جا می‌کند، سایر دستجات همچنین تا همه به تشتیوان حاضر می‌شوند و دسته هشتم که به تشتیوان حاضر شد بنا به مقتضای وقت هر طوریکه سرهنگ صلاح می‌داند فرمان ات می‌دهد و این حرکت را هم به چند قسم دیگر درست می‌کنند.

حرکت یازدهم، باطالیون به راست راست مرش ستون باز بساز این ستون را به دو قسم درست می‌کنند. قسم اول: سردسته‌ها فرمان می‌دهند به دسته خود به چپ رو به راست گرد سربازان به راست گرد نموده بعد از تمام شدن گرد قدر کمی در جا مرش می‌کنند به جهت این که همه دسته‌ها جا به جا می‌شوند و سردسته‌ها به جانب چپ بیایند و بیدق‌ها را از سمت چپ درست نمایند بعد از آن سرهنگ فرمان پیش می‌دهد ستون پیش مرش کند.

قسم دویم: سرهنگ فرمان می‌دهد دسته‌ها تن قطار سرباز پیش قطار درجامرش سایر سربازها نیم به

چپ رو کرده قدم بلند یکی یکی آمده نظر به راست با سردسته راست می‌شوند بعد از تمام شدن دسته سردسته‌ها به چپ دسته می‌آیند و سر هنگ فرمان پیش می‌دهد بعد حالت به چپ تشتیوان زودمرش سردسته‌ها حالت نظام نظر به پیش می‌کنند چون در هیچ وقت فوج را با قطار حرکت دادن درست نیست و بسیار مشکل است که در قطار مرش موافق قاعده رفتار نمایند مگر در حین ضرورت و تنگی راه به قدر رفع احتیاج با قطار حرکت می‌دهند بعد از آن دسته یا رسد یا بهره می‌کنند اگر گنجایش بهره در وسعت راه نباشد چهار به چهار راه می‌برند.

حرکت دوازدهم، باطالیون به عقب وقتی که سرهنگ فرمان اخبار داد آجودان و وکیل باشی از مرکز فوج موافق علم بیدق‌ها را نظام داده طرف راست گرد سه نفر وکیل که در عقب علمدار می‌باشند شش قدم از مرکز پیش می‌روند<sup>۱</sup> یک نفر وکیل وسطی ته تفنگ را بالا می‌کند یک وکیل از دسته بهادران و یکی از مخبران نیز شش قدم پیش آمده با وکیلان مزبور راست می‌ایستد مرش اهل تشتیوان همه نظر به مرکز کرده با علمدار راست می‌روند حالت فرونت وکیل‌ها که پیش رفته بودند به جای خود عود می‌کنند تیر فنگ به دسته از مرکز به مدار تفصیلش در تیر اندازی تحریر یافت.

عقب به نوبه دسته‌ها: دسته‌های راست حاضر فنگ رو آت بالا فنگ طرف راست گرد سردسته‌های جانب به چپ دسته می‌آیند مرش سردسته‌های مذکور از سمت چپ و سردسته‌های جانب چپ از سمت راست فاصله دسته‌های چپ را ملاحظه می‌کنند علمدار با دسته‌های راست می‌رود همه نظر به مرکز می‌نمایند به قدر سی قدم که رفتند سرهنگ فرمان حالت فرونت پر می‌دهد سرباز تفنگ را پر کرده بدوش فنگ می‌کند یاور اول دسته‌های راست را نظام می‌دهد. دسته‌های چپ حاضر فنگ رو آت بالا فنگ طرف راست گرد مرش سردسته‌های جانب راست به سمت چپ دسته می‌آیند وقتی که دسته‌های چپ به دسته‌های راست رسیدند علمدار طرف راست گرد کرده با دسته‌های چپ می‌رود و باز در سی قدمی حالت فرونت پر می‌کنند بعد از آن بدوش فنگ کردن سرباز یاور دویم نظام می‌دهد دسته‌های راست حاضر فنگ رو آت بالا فنگ طرف راست گرد مرش در حین گذشتن دسته‌های راست از دسته‌های چپ علمدار با اینها می‌رود در سی قدمی حالت فرونت پر دسته‌های چپ را باز به قرار سابق فرمان می‌دهند هر قدری که لازم است به این قرار حرکت و آت می‌کنند تا جنگ تمام شده فرمان اخبار می‌دهند. تشتیوان به دسته‌های راست طرف راست گرد مرش، تا می‌رسند به دسته‌های راست حالت فرونت پر بعد از آن نظام باطالیون به عقب طرف راست گرد مرش حالت فرونت نظام از مرکز داده بعد نظر به پیش.

حرکت سیزدهم<sup>۲</sup>، باطالیون هر دسته چهار قدم به راست گرد وکیلان اول از مقابل سرباز هشتم اولی

۱. توضیحات: فایده پیش آمدن این وکیل‌ها آن است که تمامی اهل فوج با ایشان همپا و به پیشرو راست بروند و وکیلان راست و چپ نظر به وکیلان مرکز می‌نمایند سردسته‌های وکیل اول می‌آیند و ایشان در عقب سردسته می‌ایستند.

۲. توضیحات: فایده این حرکت از چند سبب است: اول این که آثار وهن در خود ملاحظه می‌کند با پس جنگ بر می‌گردد؛ ثانیاً مقام ایستادن دشمن محکم است با این حيله می‌خواهد دشمن را از جای خود حرکت دهد؛ ثالثاً

چهار قدم پیش آمده نیم به راست می‌ایستد سردسته‌ها سرباز اولی را هم نیم به راست با وکیل راست می‌کنند.

زودمرش: وقتی که دسته به وکیل رسید سردسته فرمان حالت نظام می‌دهد بعد نظر به پیش، علمدار در عقب دسته چهارم می‌باشد مرش باید سردسته‌ها بسیار دقت در فاصله نگه‌داشتن و راست رفتن نمایند این قسم ستون را حرکت دادن خیلی اشکال دارد که درحین تشتیوان فاصله کم و زیاد نباشد و تشتیوان راست باشد به عقب تشتیوان دسته‌ها عقب به راست می‌کنند، به هم ملحق شده تشتیوان می‌شوند. بعد از آن سرهنگ فرمان پیش می‌دهد همه با تشتیوان پیش مرش می‌کنند. حالت تیر فنگ به دسته از مدار به مرکز: در تیر اندازی قاعده‌اش ذکر شد، در سمت چپ نیز این قسم حرکت می‌شود.

حرکت چهاردهم: این حرکت را به اقسام متعدده درست می‌کنند به جهت ملاحظه اختصار دو قسمش را در اینجا ذکر می‌نماید و قسم دیگر در فصل چهارم مذکور خواهد شد.

قسم اول سپاهیان نبرد علمدار پس می‌رود دسته چهارم پهلو می‌چپ مرش می‌کند بیدق‌ها را از راست دسته چهارم و از چپ دسته ششم دو قدم از سرباز پیش و دو بیدق قدری زیاد از فاصله دو دسته در عقب دسته‌های مذکور با بیدق‌های پیش راست می‌کنند.

دسته چهارم و پنجم و ششم، در جا دیگر دسته‌ها طرف راست گرد هر دسته چهار قدم به راست و چپ گرد، وکیلان اول جانب راست از سرباز هشتم آخری و وکیلان جانب چپ از سرباز هشتم اولی چهار قدم پیش می‌آیند.

زودمرش: سردسته‌ها فرمان حالت نظام می‌دهند. مرش سردسته‌های جانب راست بازوی چپ پیش و سردسته‌های جانب چپ بازوی راست پیش کرده تا دسته به ارکان قلعه راست شده حالت فرونت می‌کنند. قلعه دو صف درست می‌شود دسته چهارم و پنجم و ششم را روی پیش و دسته سیم و دویم را روی راست دسته بهادران و اول و مخبران را روی عقب و دسته هفتم و هشتم را روی چپ می‌گویند.

تیر فنگ به دسته از راست روی پیش: سر دسته چهارم فرمان می‌دهد چهارم حاضر فنگ رو آت پر بعد از آن پنجم و ششم و هفتم و هشتم و مخبران و بهادران و اول و دویم و سیم فرمان آت به همین ترتیب می‌دهند اگر حکم یک تیر است بدوش فنگ والا حاضر فنگ باز نوبت به دسته چهارم می‌رسد، تا آخر طبل اتمام می‌زنند، اگر خواسته باشد قلعه را حرکت دهد به سمت چپ فرمان اخبار به این قسم می‌دهد. قلعه به پیش به روی چپ: علمدار به عقب دسته هفتم و هشتم آمده مقابل پشت سر سردسته هشتم می‌ایستد. بیدق‌ها را از پیش و پس مقابل علمدار نظام می‌دهند.

---

می‌خواهد از جنگ عود نماید بدون وهن و شکست جنگ‌کنان بر می‌گردد.

۱. توضیحات: منظور از این حرکت آن است که دشمن از مقابل فوج درست راست باشد با این رفتار به پیشروی دشمن می‌روند یا این که مابقی در مقابل هست به این قسم از آنجا گذشته باز تشتیوان شده پیش مرش نموده به مقصد رسیده حکم جنگ می‌دهند.

روی پیش و روی عقب با رسد به راست و چپ گرد زودمرش: روی پیش به چپ گرد می‌کند، سردسته‌های او در چپ رسد چپ و نایبان اول در چپ رسد راست می‌ایستند و روی عقب به راست گرد می‌کند، سردسته‌های این در راست رسد راست و نایبان در راست رسد چپ می‌باشند، روی راست طرف راست گردند می‌کند هر یک به رسد خود فرمان حالت نظام می‌دهد.

مرش: در هر جا خواسته قلعه بسازد حالت قلعه بساز دسته‌هایی که به راست و چپ گرد کرده بودند عقب و روی راست فرونت می‌کند باز قلعه درست می‌شود.

از راست هر دسته به قطار آت بس: طبل زده تمام می‌شود، اگر خواهد به سمت دیگر حرکت نماید همان سمت قلعه در حال خود می‌ماند و علمدار به مرکز از طرف می‌آید دسته‌های پشت سر طرف راست گرد و دسته‌های راست و چپ با رسد به راست و چپ گرد می‌کنند.

بر دسته‌های پیش تشتیوان: دسته چهارم پهلوی راست مرش می‌کند علمدار به جای خود می‌رود. دیگر دسته‌ها چهار و دوازده قدم به راست و چپ گرد: و کیلان اول دسته بهادران و اول و مخبران دوازده قدم و سایرین در چهار قدم می‌ایستند. بیدق‌ها را از دسته‌های پیش نظام می‌دهند.

زودمرش: دسته‌های جانب راست به چپ گرد و دسته‌های جانب چپ به راست گرد می‌کنند. فرمان سردسته حالت نظام فرمان سرهنگ مرش جانب راست بازوی راست پیش و جانب چپ بازوی چپ پیش کرده تشتیوان می‌شوند اگر فرمان آت بدهند از مرکز می‌دهند.

قسم دوم سپاهیان نبرد: علمدار پس می‌رود دسته چهارم پهلوی چپ کرده جای او را می‌گیرد دسته چهارم و پنجم در جا یک بیدق از راست دسته چهارم و یکی دیگر در چپ دسته پنجم دو قدم از سرباز پیش بلند کنند و یک بیدق به فاصله سردسته در عقب دسته چهارم و یکی دیگر در عقب دسته پنجم با بیدق‌های پیش راست می‌نمایند دیگر دسته‌ها مدار و مرکز رو دسته بهادران و مخبران مدار رو و سایر دسته‌ها مرکز رو می‌کنند زودمرش دسته سیم و دویم و اول قطار به چپ بهادران قطار به راست کرده و کیلان اینها از عقب سر دسته چهارم فاصله دسته را به ترتیب می‌گیرند و کیل بهادران فاصله را یک قدم می‌گیرد سردسته‌ها هر کدام دسته را آورده از عقب و کیل گذرانیده خود می‌ایستند در آخر دسته فرمان حالت فرونت نظام نظر به پیش می‌دهند روی بهادران به عقب می‌شود با دسته اول پشت به پشت سردسته اش به سردسته می‌رود دسته ششم و هفتم و هشتم قطار به راست و مخبران قطار به چپ کرده و کیل‌ها فاصله دسته را از آخر دسته پنجم می‌گیرند. و کیل مخبران یک قدم فاصله می‌گیرند و سردسته‌ها دسته را آورده خودشان در نزد و کیل مانده دسته از عقب و کیل گذشته در آخر حالت فرونت نظام و نظر به پیش می‌کنند دسته مخبران با دسته هشتم پشت به پشت می‌شود و قلعه بساز زودمرش دسته چهارم و پنجم بهادران و مخبران حرکت نمی‌کند، دسته اول و دویم و سیم به راست گرد ششم و هفتم و هشتم به چپ گرد می‌کنند سردسته‌ها فرمان حالت نظام نظر به پیش می‌دهند قلعه درست می‌شود هر قسم فرمان تیر اندازی بدهند از این قرار عمل می‌کنند و اگر خواسته باشند قلعه را حرکت بدهند به قراری است که در قسم اول ذکر شد تشتیوان را نیز به همان ترتیب درست می‌کنند حرکت پانزدهم باطالیون به عقب بیدق را از پیش و عقب

فوج با علمدار درست کنند به طریقی که سابق ذکر شد.

طرف راست گرد مرش: از راست هر دسته قطار به عقب سردسته‌ها به دسته خود فرمان می‌دهند به چپ رو قطار به راست سردسته‌ها در سردسته‌ها در سر قطار پهلوی چپ سرباز اول می‌روند و فاصله دسته را از سمت بهادران نگه می‌دارند و کیلان اول در پیش قطار می‌روند همه نظر به مرکز که دسته‌ها پس و پیش نشوند علمدار در عقب دسته چهارم می‌باشد.

هالت فرونت: سردسته‌ها به چپ دسته می‌آیند نظر به پیش کرده با سر دسته بهادران راست می‌شوند بیدق‌ها را از سمت چپ بهادران و مخبران نظام دهند.

به چپ تشتیوان زودمرش: سردسته‌ها به پیش دسته دست راست خود آمده یک قدم آمده فرمان هالت و نظام پیش می‌دهند بعد از راست شدن دسته نظر به پیش گفته در جای خود می‌ایستند.

حرکت شانزدهم [۲۶]، باطالیون به پیش، بیدق‌ها را از پیش و پس با علمدار نظام دهند علمدار با دو نفر وکیل شش قدم پیش می‌رود با مرکز فوج راست می‌شود. یک نفر وکیل از بهادران و یکی از مخبران هم شش قدم به پیش دسته آمده با علمدار راست می‌ایستند. مرش از راست هر دسته قطار به پیش سردسته‌ها فرمان می‌دهند به راست رو قطار به چپ زود سردسته‌ها در چپ سرباز اولی و وکیلان اول در پیش قطار می‌روند سردسته‌ها فاصله را از سمت مخبران نگه می‌دارند و کیلان نظر به مرکز می‌کنند علمدار در پیش قطار دسته پنجم می‌رود، هالت فرونت: بیدق‌ها را از پیش مخبران از راست دسته‌ها نظام می‌دهند. به راست تشتیوان زودمرش: سردسته‌ها از سمت چپ دسته هالت نظام کرده نظر به پیش گفته به سردسته می‌آیند باطالیون به پیش.

مرش جانب چپ هالت: جانب راست سی قدم به پیش می‌آید علمدار به جانب راست می‌باشد.

جانب راست هالت حاضر فنگ رو آت پر جانب چپ مرش: وقتی که به جانب راست رسید علمدار با او می‌رود سی قدم در پیش جانب چپ هالت حاضر فنگ رو آت پر هر قدری که لازم است از قرار مذکور به نوبه جوانب پیش می‌روند بعد اگر جانب راست پیش باشد فرمان سرهنگ تشتیوان بر جانب راست جانب چپ مرش تا می‌رسد بر جانب راست هالت نظام باطالیون به پیش مرش هالت باطالیون یک تیرفنگ و سینه‌فنگ حاضر فنگ رو آت بعد از خالی کردن تفنگ سرباز بی حکم سینه‌فنگ می‌کند زودمرش نیزه پیش بعد پیش فرمان داده سربازها با زودترین مرش می‌روند هالت زود پر.

حرکت هفدهم<sup>۱</sup> باطالیون به عقب: طرف راست گرد مرش جانب راست هالت فرونت علمدار با جانب چپ می‌رود و به سی قدمی که رسید جانب چپ هالت فرونت جانب راست حاضر فنگ رو آت بالا فنگ طرف راست گرد مرش بعد از گذشتن سی قدم از جانب چپ هالت فرونت پر همیشه علمدار با جانبی که

۱. توضیحات: فایده های این حرکت آن است که میدان جنگ گنجایش تشتیوان همه لشکر نداشته بعضی در مقابل دشمن مشغول دعوا می‌باشند بعضی در پشت سر انسان پشت بند می‌شوند. افواج پیش از جنگ خسته شده با افواج عقب تبدیل جا می‌کنند، یا این که آثار وهن شاهدهایی که فوج را به این حرکت پس می‌کنند فوجی که پشت بند است مشغول دعوا می‌شود فایده های دیگر هم دارد.

به عقب می‌رود و با او می‌باشد و یاور اول جانب راست را نظام می‌دهد، یا در دویم جانب چپ را جانب چپ حاضر فنگ رو آت بالا فنگ طرف راست گرد مرش باز در فاصله‌ای که سابق ذکر شد، حالت فرونت پر چند نوبه که ضرور است به نهج مذکور جوانب را حرکت به عقب می‌دهند در هر جا که دعوا به اتمام رسید جانبی که در عقب ایستاده فرمان تشتیوان را به اسم او داده جانب پیش بعد از حاضر فنگ رو آت بالا فنگ طرف راست گرد کرده آمده با او تشتیوان می‌شود بعد فرمان پر می‌دهند. باطالیون به عقب طرف راست گرد مرش حالت فرونت.

حرکت هجدهم،<sup>۱</sup> باطالیون به پیش مرش حالت تیر فنگ به دست راست حاضر به راست رو آت پر تیر فنگ به دست چپ حاضر فنگ به چپ رو آت پر.

باطالیون به پیش مرش حالت تیر فنگ به پیش و سینه فنگ حاضر فنگ رو آت سرباز بعد از انداختن تفنگ سینه فنگ می‌کنند این فرمان را بعد از اتمام جنگ یا شنلینگ می‌دهند و در آن وقت اگر بزرگ لشکر فوج را احضار کند به این قسم پیش می‌روند بدوش فنگ وقتی که سرهنگ لفظ بدوش گفت سربازها زود چقماق را به پاشنه اول می‌کشند در لفظ فنگ بدوش فنگ می‌کنند چقماق بند صف دور مرش باطالیون به پیش مرش حالت به پیش فنگ.

## فصل چهارم

### در بیان بعضی حرکات و فرامین مختصر و مفید که تازه اختراع کرده‌اند

باطالیون طرف راست گرد هر دسته به راست گرد زود مرش فرمان سردسته حالت فرونت نظام نظر به پیش مرش از بهادران قلعه بساز سردسته بهادران می‌گوید حالت دسته اول به بهادران رسیده آن هم فرمان حالت می‌دهد سایر دسته‌ها تا دسته هفتم هر کدام که به فاصله بهره رسیدند فرمان بهره به مدار می‌دهند، بهره اول و دویم به راست گرد و بهره سیم و چهارم به چپ گرد می‌کنند بهره سیم و چهارم را سردسته و بهره دویم و اول را نایب اول فرمان حالت نظام می‌دهند دسته هشتم به رکن قلعه می‌رسد، حالت طرف راست گرد می‌کند و دسته مخبران هم به هشتم رسیده حالت طرف راست گرد فرمان دهد قلعه چهار صف درست می‌شود، فرمان تیراندازی به قراری است که در حرکت ششم ذکر شد این قلعه را از هر دسته می‌توان درست کرد. ستون بساز وکیل دسته اول دو قدم و وکیل اول بهادران از پیش او چهار قدم فاصله می‌گیرند وکیل دسته هشتم از عقب سردسته مخبران دو قدم و وکیل مخبران از عقب او چهار قدم فاصله می‌گیرند زود مرش دسته‌های مذکور مرش کرده، در نزد وکیل خود حالت می‌کنند؛ دسته هشتم و مخبران بعد از حالت فرونت سایر دسته‌ها با بهره عقب به راست و چپ کرده دسته دویم و سیم و چهارم در وقت بهره به عقب به قدر دو قدم پیش می‌روند برای فاصله علمدار و ستون می‌شوند ستون از دسته عقب باز

۱. توضیحات: این حرکت برای آن است که آثار و هن در دشمن مشاهده کرده یا این که می‌خواهد بر دشمن برده این قسم یورش می‌برد تا این که نزدیک به دشمن یک دفعه آت کرده با نیزه پیش جنگ می‌کند.

زودمرش دسته مخبران حرکت نمی‌کند، وقتی که دسته هشتم به فاصله دسته رسید سر دسته مخبران می‌گوید هشتم حالت سر دسته هشتم هم بعد از فاصله به هفتم حالت می‌گوید سایرین به همین ترتیب به همدیگر فرمان دهند اگر فاصله در پیش روی فوج نباشد ستون را طرف راست گرد کرده از دسته بهادران ستون باز می‌سازد و به چپ تشتیوان زودمرش فرمان سردسته حالت نظام نظر به پیش قسم سیم از مرکز قلعه بساز وقتی که سرهنگ این فرمان را داد علمدار پس می‌رود.

دسته چهارم و پنجم چهار به مرکز و سایر دسته‌ها چهار به عقب می‌نمایند سردسته‌های جانب راست سوای سر دسته چهارم به چپ دسته می‌آیند، زودمرش سربازان دسته چهارم و پنجم به هم نزدیک شده، چهار به چهار فرونت می‌کنند. سایر دسته‌ها در حین مرش چهار به چهار نزدیک به هم می‌شوند. سر دسته دسته سیم به اول دسته چهارم که رسید، فرمان بازوی چپ پیش می‌دهد بعد از راست شدن دسته بر کن قلعه حالت فرونت می‌کند و سایر دسته‌های جانب راست به همین قرار فرمان می‌دهند تا دسته راست شده نظر به پیش کرده به سردسته می‌آیند دسته‌های جانب چپ آمده هر یک که به سر جای خود رسید، فرمان بازوی راست پیش می‌دهد بعد حالت فرونت نظام نظر به پیش می‌کند قلعه چهار صف درست می‌شود حکم تیر اندازی را مثل قلعه حرکت ششم می‌دهند حکم تشتیوان بر دسته‌های مرکز سربازان دسته چهارم و پنجم پهلو راست و پهلو چپ مرش می‌کنند علمدار به جای خود می‌آید بعد از آنکه فاصله میان هر سرباز فردا فردا به عمل می‌آید دو به دو می‌شوند، سردسته‌های جانب راست باز به چپ دسته می‌آیند، بیدق‌ها را از دسته‌های مرکز نظام می‌دهند. زودمرش سربازان در هنگام مرش به تدریج دو به دو می‌شوند سردسته‌های جانب راست فرمان بازوی راست پیش می‌دهند بعد از راست شدن دسته پیش تا به تشتیوان رسیده حالت نظام نر به پیش گفته به سر جای خود می‌آیند سردسته‌های جانب چپ فرمان بازوی چپ پیش داده به ترتیب به تشتیوان حاضر می‌شوند، اگر هنگام دعواست تیرفنگ از مرکز به مدار حکم می‌دهند. حرکت دیگر باطالیون به پیش از مرکز به قطار: بیدق‌ها را از مرکز نظام می‌دهند علمدار حرکت نمی‌کند مرکز رو سردسته‌های جانب راست به آخر دسته می‌آیند مرش علمدار با وکیلان خود به قراری که ایستاده بود پیش می‌آید جانب راست قطار به راست و جانب چپ قطار به چپ با علمدار برابر می‌آیند اگر خواسته باشد قلعه بسازد فرمان می‌دهد از مرکز قلعه بساز دسته چهارم از راست و دسته پنجم از چپ تن قطار می‌کنند دسته سیم و دویم و اول از سمت راست و دسته ششم و هفتم و هشتم از سمت چپ به قرار قطار می‌آیند دسته بهادران و مخبران مثل چهارم و پنجم تن قطار کرده قلعه درست می‌شود و اگر خواسته باشد ستون قلعه بسازد فرمان می‌دهد ستون باز بساز دسته چهارم و پنجم با هم مثل سابق تن قطار می‌کنند و دسته سیم با ششم دسته دویم با هفتم دسته اول با هشتم بهادران با مخبران از راست و چپ تن قطار کرده ستون می‌شوند، یا این که سردسته‌های جانب راست به راست رو به چپ گرد و سردسته‌های جانب چپ به چپ رو به راست گرد فرمان می‌دهند باز مثل سابق ستون قلعه می‌شود اگر خواهد و ضرور باشد قلعه می‌سازد و اگر تشتیوان بکند فرمان حالت می‌دهد. این حرکت‌ها که ذکر نمود همه در حین مرش بود در هنگام ایستادن هم می‌شود فرمان تشتیوان کردن از این قرار است تشتیوان بر دسته‌های پیش بیدق‌ها

را از روی پیش نظام دهند دیگر دسته‌ها چهار مدار زودمرش سر دسته سیم می‌ایستد تا دسته اش از عقب چهارم می‌گذرد فرمان فرونت رو می‌دهد دسته را آورده به دسته چهارم که رسید حالت نظام نظر به پیش می‌کند سایر دسته جات جانب راست مثل دسته سیم فرمان می‌دهند، سر دسته ششم هم که در چهار به مدار به چپ دسته آمده بود می‌ایستد تا دسته اش از عقب پنجم می‌گذرد فرمان فرونت رو داده به آخر دسته پنجم که رسید حالت نظام نظر به پیش می‌کند. باقی دسته جات جانب چپ به قرار ششم عمل می‌کنند، تشتیوان درست می‌شود اگر فرمان تیر اندازی بدهند تیر فنگ به دسته از مرکز به مدار می‌دهند این حرکت را به چند قسم دیگر قلعه و تشتیوان می‌کنند، حرکت بسیار خوبی است.

حرکت دیگر باطالیون به پیش از مرکز با رسد، رسد چپ دسته چهارم و رسد راست دسته پنجم حرکت نمی‌کنند باطالیون طرف راست گرد هر رسد به راست و چپ گرد رندهای زودمرش جانب راست به چپ گرد و رندهای جانب چپ به راست گرد می‌کنند سردسته‌های به رسد که در پیش است فرمان حالت فرونت نظام می‌دهند نایب‌ها رندهای عقب را مرش رسد راست دسته چهارم به رسد چپ خود و رسد چپ دسته پنجم به آخر رسد خود که رسیدند، نایب‌ها فرمان بازوی راست پیش و بازوی چپ پیش می‌دهند آن وقت رندهای مرکز مرش می‌کند، سایر رندها همچنین به مقام رندهای مرکز که رسیدند بازوی راست و چپ پیش بعد از راست شدن پیش گفته تا ستون رسد درست می‌شود و حالت اگر خواسته باشد قلعه درست می‌کند و اگر تشتیوان نماید به سه قسم تشتیوان می‌شود یکی بر جانب راست و یکی بر جانب چپ و یکی به رندهای مرکز تشتیوان رسد را بیان می‌نماید، آن هم به دو قسم است: یکی با قطار است چنانچه در حرکت سابق با دسته تشتیوان شد در این حرکت با رسد می‌شود قسم دیگر از این قرار است که ذکر می‌نماید تشتیوان به رندهای مرکز سر دسته چهارم می‌گوید رسد عقب میل به راست زودمرش سر دسته پنجم هم به رسد عقب دسته خود می‌گوید رسد عقب میل به چپ زودمرش تا از عقب رندهای پیش رو می‌شوند بعد پیش گفته وقتی که به برابر رسد پیش رسیدند حالت نظام نظر به پیش می‌کنند، بیدق‌ها را از رندهای پیش نظام دهند، دیگر رندها چهار قدم به راست و چپ گرد زودمرش رندهای جانب راست چهار قدم به راست گرد و رندهای جانب چپ چهار قدم به چپ گرد نموده سردسته و نایب‌ها حالت نظام می‌کنند بعد سرهنگ فرمان مرش می‌دهد جانب راست بازوی راست پیش جانب چپ بازوی چپ پیش فرمان داده رندها را به تشتیوان آورده حالت نظام می‌کنند این حرکت را با بازوی راست نیز ستون درست می‌نمایند.

حرکت دیگر، باطالیون به پیش از مرکز با دسته دسته چهارم و پنجم حرکت نمی‌کند دیگر دسته‌ها چهار به مرکز سردسته‌های جانب راست به آخر دسته می‌آیند مرش چهارم و پنجم پیش مرس دسته سیم و ششم می‌ایستند، دسته ایشان چهار به چهار مرش کرده تا آخر دسته به سردسته می‌رسد آن وقت فرمان می‌دهند فرونت رو دسته‌های مذکور به راست و چپ رو کرده دو به دو می‌شوند وقتی که این دسته‌ها را فرونت رو کردند سردسته‌های ما بعد ایشان می‌ایستد دسته‌ها می‌گذرد باز در آخر دسته به طریق مذکور فرمان می‌دهند سایرین به همین قرار رفتار می‌کنند تا ستون قلعه با گروهان درست می‌شود حالت اگر خواسته باشد قلعه درست نماید فرمان قلعه بساز می‌دهد بعد از آن از قلعه تشتیوان می‌سازد و الا از ستون



تشتیوان را درست می‌کند این حرکت را به طریق دیگر هم درست می‌توان کرد و قلعه چهار صف نیز از این حرکت می‌توان ساخت از این قسم حرکت‌ها بسیار است و ذکر همه آنها موجب طول کلام این حرکاتی که تحریر یافت [از حرکات فوج به جزئی تغییری] نمونه‌ای است دویست - سیصد قسم می‌توان حرکت کرد.

## باب چهارم

### در بیان قواعد حرکات پنج فوج

مشمول است بر چهار فصل: در اینجا فرامین اخبار به جزئی تغییری حکم می‌شود به سرهنگان از سردار و قاعده این است که سردار در پیش هر فوج که باشد آن فوج نماینده می‌شود و سردار فرمان را به سرهنگ می‌دهد و سرهنگ به فوج فرمان می‌دهد. همه افواج حرکات و فرامین الفوج را ملاحظه کرده، موافق آن به فوج خود فرمان می‌دهند و باید که در این حرکات سردار و سرتیپ و سرهنگ و یاور و آجودان سواره باشند.

## فصل اول

### در ذکر قواعد حرکات ستون فراز افواج

فرمان سردار ستون دسته فراز عقب بهادران فوج اول بساز آجودان فوج اول به فاصله ستون بیدق فوج را از عقب و پیش بهادران به قرار سابق راست می‌کند سرهنگ فوج مذکور به قرار سابق فرمان داده فوج را ستون می‌کند آجودان فوج دویم بیدق پیش را به فاصله شش قدم در عقب مخبران فوج اول و بیدق عقب را به فاصله ستون با بیدق های فوج اول راست می‌کند، سایر افواج به ترتیب در عقب یکدیگر به همین قرار بیدق‌ها را جابه‌جا می‌سازند و سرهنگان معطل بیدق‌ها نمی‌شوند، فرمان اخبار را داده، به راست راست زودمرش کرده سردسته‌های بهادران بیدق فوج را منظور کرده مثل حرکت اول دسته به دسته آمده حالت فرونت کرده ستون می‌شوند. فرمان سردار ستون گروهان بساز فرمان سرهنگان دسته‌های چپ به چپ چپ زودمرش فرمان سر دستگان حالت فرونت نظام پیش نظر به پیش فرمان سردار ستون افواج فراز به پیش فرمان سرهنگان زودمرش گروهان اول فوج اول حرکت نمی‌کنند مابقی پیش می‌آیند فرمان سر دسته چپ فوج اول دویم گروهان حالت نظام، بعد سیم و چهارم و پنجم آجودان فوج دویم در شش قدم بیدق می‌گذارد، سر دسته گروهان اول فوج دویم در بیدق فوج خود حالت می‌کند، مابقی گروهان از این قرار سایر افواج به نهج مذکور آمده ستون فراز می‌شوند، فرمان سردار تشتیوان به آخر گروهان فوج پنجم آجودان فوج مذکور یک بیدق در آخر به گروهان اول فوج اول یک بیدق به فاصله تشتیوان در راست گروهان مزبور راست می‌کند وکیل آخر گروهان فوج پنجم پیش آمده با بیدق‌ها راست رو به روی سربازان گروهان پیش می‌ایستند. بعد از آن آجودان فوج چهارم از بیدق فوج پنجم شش قدم فاصله فوج را گذاشته بیدق های تشتیوان فوج خود را راست می‌کند افواج به ترتیب یکدیگر به قرار مذکور بیدق‌ها را جا به جا می‌کنند فرمان سرهنگان ستون به راست راست زودمرش فرمان سرهنگ فوج پنجم آخر گروهان حالت فرونت بعد چهارم و سایر گروهان را حالت فرونت می‌کند.

سر دسته آخر گروهان فوج پنجم گروهان خود را فرمان مرش داده، در محاذی<sup>۱</sup> بیدق و وکیل خود حالت کرده نظام می دهد هر گروهان را که سرهنگ حالت فرونت می کند سردسته فرمان مرش داده به تشتیوان می آورد، سایر افواج هر کدام که به محاذی بیدق سمت چپ خود می رسد سرهنگ به ترتیب از آخر گروهان فرمان حالت فرونت می دهد و سردسته ها گروهان را به تشتیوان آورده نظام می دهند. اگر هنگام جنگ است همین که آخر گروهان فوج پنجم به تشتیوان حاضر شد، سردار حکم تیر اندازی می دهد سرهنگان افواج را فرمان زودترین مرش می دهند و الا هر وقت ضرور شد سردار فرمان می دهد.

حرکت دویم، فرمان سردار ستون دسته فرار پیش مخبران فوج پنجم بساز آجودان فوج مذکور از سمت چپ مخبران دو بیدق به فاصله ستون در پیش مخبران و دو بیدق در عقب مخبران با هم راست می کند سرهنگ فوج مذکور فرمان داده فوج را ستون می کند آجودان سایر افواج به ترتیب از بیدق پیش شش قدم فاصله فوج را گذاشته بعد بیدق های خود را به فاصله ستون جا به جا می کنند سرهنگان فرمان به چپ چپ زودمرش می دهند، سردسته های مخبران افواج بیدق عقبی فوج خود را منظور کرده می روند باقی دسته ها به قاعده حرکت دویم آمده در جای ستون حالت فرونت می کنند مابقی فرامین ستون به قرار حرکت اول است فرمان سردار تشتیوان به اول گروهان فوج اول آجودان فوج مسطور بیدق اول را در پیش بهادران و بیدق دویم را به فاصله تشتیوان فوج خود را راست می کند آجودان سایر افواج به ترتیب ملاحظه، شش قدم فاصله میان فوج را منظور نموده بیدق اول و آخر را به فاصله تشتیوان درست می کنند. سرهنگ فوج اولی به قرار حرکت دویم فرمان داده فوج را تشتیوان می کند، مابقی افواج هر کدام در محاذی بیدق اول خود گروهان اول را فرمان حالت فرونت می دهد. بعد از آن سایر گروهان را و هر گروهان را که سرهنگ فرمان حالت فرونت کرد سردسته فرمان مرش داده در برابر بیدق حالت کرده نظام می دهد و حکم تیر اندازی را از راست گروهان می دهند.

حرکت سیم، فرمان سردار ستون دسته فراز بر دسته راست مرکز فوج سیم رو به پشت چپ در پیش سر دسته دسته راست مرکز فوج سیم فرمان به راست راست به راست مختلف داده دسته رو به پشت می شود آجودان فوج سیم بیدق ها را از راست دسته مزبور در پیش و پس به فاصله ستون درست می کند سرهنگ مثل حرکت سیم فرمان داده فوج را در مرکز ستون می کند. آجودان فوج دویم و اول از بیدق عقب فوج سیم فاصله میان فاصله میان فوج را ملاحظه کرده بیدق ها را به فاصله ستون نظام دهند و آجودان فوج چهارم و پنجم از بیدق پیش فوج سیم به ملاحظه هر دو فاصله بیدق ها را با همه بیدق ها راست می کنند فرمان سرهنگان فوج اول و دویم به راست راست به چپ مختلف زودمرش دسته ها هر کدام به چپ مختلف کرده مخبران در پیش و سایر دسته ها به فاصله یک قدم در پهلوی راست هم به عقب یکدیگر می روند و سر دسته مخبران بیدق فوج خود را منظور می کند چند قدم مانده و کیلان دسته پیش رفته فاصله دسته

۱. محاذی: برابر شونده [مشتق از حذو به معنی مقابل و روبرو و برابر کردن دو چیز است] (لغتنامه دهخدا، ذیل همین واژه)

را در جای ستون گرفته با بیدق‌ها راست می‌ایستند هر دسته در نزد وکیلش حالت فرونت می‌کند فرمان سرهنگان فوج چهارم و پنجم به چپ چپ به چپ مختلف زودمرش همه دسته‌ها به چپ مختلف کرده به قرار سابق در پهلوی راست همدیگر دسته بهادران در پیش آمده سردسته بهادران بیدق آخر فوج خود را می‌پاید در نزدیکی بیدق وکیلان اول پیش رفته فاصله دسته را می‌گیرند وقتی که به وکیل رسید سردسته می‌ایستند سرباز از عقب وکیل می‌گذرد در آخر دسته سردسته فرمان حالت فرونت نظام نظر به پیش می‌دهد همه به این قرار تا ستون چپ در پیش تمام می‌شود سردار هر گاه خواسته باشد تشتیوان بکند، فرمان تشتیوان می‌دهد و اگر خواهد تشتیوان را مثل اول درست کند فرمان می‌دهد، ستون افواج به چپ مختلف هر سرهنگ به فوج خود فرمان می‌دهد، ستون به چپ چپ دسته‌های چپ بیرون زودمرش سایر فرمان و حرکات به قراری است که در حرکت سیم ذکر نمود بعد از تمام شدن حرکت مختلف که افواج راست در پیش شدند فرمان سردار تشتیوان برداشته راست مرکز فوج سیم آجودان فوج مزبور بیدق‌ها را از راست و چپ بهادران فوج اول به ملاحظه فاصله تشتیوان نظام می‌دهد و یک نفر وکیل دسته چهارم فوج سیم آمده سرباز بهادران مذکور با بیدق‌ها راست می‌ایستند، سرهنگ فوج سیم [روبه‌روی] موافق فرمان حرکت سیم فرمان می‌دهد و فوج هم مطابق همان حرکت رفتار کرده تشتیوان می‌شود و سرهنگان فوج اول و دویم فرمان به راست راست زودمرش می‌دهند سرهنگان فوج چهارم و پنجم فرمان به چپ چپ زودمرش می‌دهند.

آجودان فوج دویم از بیدق اول فوج سیم و آجودان فوج اول از بیدق فوج دویم فاصله را می‌گیرند. آجودان چهارم از بیدق آخر فوج سیم و آجودان پنجم از بیدق فوج چهارم فاصله تشتیوان را می‌گیرند. سرهنگ فوج دویم در پیش بیدق آخر ایستاده وقتی که ستون فوج به محاذی بیدق آخر رسید فرمان اخبار می‌دهد. تشتیوان بر دسته مخبران سردسته مخبران فرمان حالت فرونت می‌دهد. بعد از آن دسته هشتم مابقی به ترتیب حالت فرونت کرده، بعد فرمان مرش داده به تشتیوان می‌آیند. سرهنگ فوج اول نیز همچنین سرهنگ فوج چهارم هم در محاذی بیدق اول خود فرمان اخبار می‌دهد. تشتیوان بر دسته بهادران سردسته بهادران فرمان حالت فرونت زودمرش داده، بعد از او اول و سایرین به ترتیب حالت فرونت کرده به تشتیوان می‌آیند. سرهنگ فوج پنجم نیز به قرار مذکور عمل می‌کند اگر هنگام جنگ باشد همین که دسته راست مرکز به تشتیوان حاضر شد سردار فرمان می‌دهد تیرفنگ به دسته از مرکز فوج سیم سرهنگ فوج مزبور فرمان تیر فنگ به دسته از مرکز به مدار می‌دهد سایر سرهنگان فرمان زودترین مرش می‌دهند. سرهنگان فوج دویم و اول فرمان تیرفنگ به دسته از چپ به راست می‌دهند و سرهنگان چهارم و پنجم تیرفنگ بدسته از راست به چپ می‌دهند، و الا همه تشتیوان شده بعد از آن هر قسم که سردار به فوج سیم حکم داد سایرین هم از آن قرار فرمان می‌دهند نفع طبل زدن از اینجا مشخص می‌شود هر جا که سردار ایستاده طبل بس می‌زنند سایر افواج صدای طبل را شنیده ایشان طبل زده تیراندازی را موقوف می‌کنند.

## فصل دوم در ذکر قواعد حرکات

انحراف افواج از خط مستقیم که با چهار قدم گرد تشتیوان می‌شوند.

حرکت چهارم: فرمان سردار ستون باز راست در پیش فرمان سرهنگان باطالیون طرف راست گرد هر دسته به راست گرد زودمرش فرمان سردسته حالت فرونت نظام فرمان سردار ستون افواج به پیش تبدیل به سمت چپ آجودان فوج اول یک بیدق به فاصله شش قدم پیش از چپ بهادران راست کرده بیدق دار نیم به راست می‌ایستد یک بیدق به فاصله تشتیوان فوج با او راست می‌کند، سرهنگان فرمان ستون به پیش مرش می‌دهند.

هر دسته که به بیدق می‌رسد سردسته فرمان بازوی راست پیش داده، بعد از نیم گرد فرمان پیش داده با بیدق پیش رویی راست می‌رود هر وقت فوج دویم به بیدق بازوی راست پیش رسید آجودان فوج مزبور بیدق خود را به جای او گذاشته آن بیدق دار پیش رفته باز به فاصله فوج پیش از بیدق اولی می‌ایستد. هر فوج که می‌رسد بیدق داران با همدیگر تبدیل جا می‌کنند هر وقت که سردار صلاح داند حکم حالت می‌دهد. افواج در هر حالتی که هستند سرهنگان فرمان حالت می‌دهند فرمان سردار دیگر فوج‌ها به صف نو به قطار مرش هر کدام از افواج و دسته‌ها که به حد بازوی راست پیش نرسیده آجودان ایشان بیدق‌ها را به فاصله ستون باز با بیدق‌های پیش رو راست می‌نماید فرمان سرهنگان ستون به راست راست زودمرش سر دسته بهادران هر فوج بیدق فوج خویش را پاییده می‌رود، و کیلان اول قدری به بیدق تشتیوان مانده پیش رفته در فاصله دسته می‌ایستند، هر سردسته دسته خود را به نزد وکیل آورده سرباز از عقب وکیل گذشته، در آخر دسته فرمان حالت فرونت می‌دهد. بعد از آن فرمان سردار و سرهنگان به چپ تشتیوان همه افواج به چپ تشتیوان می‌کنند، سردار فرمان تیر اندازی را بنا به صلاح هر وقت و هر طور ضرور است می‌دهد.

حرکت پنجم: افواج فرمان سردار تشتیوان بر مخبران فوج پنجم سرهنگان همه فرمان طرف راست گرد و هر دسته دو قدم به راست گرد زودمرش می‌دهند سرهنگ فوج پنجم دسته مخبران را چهار قدم حکم می‌دهد و سر دسته مذکور بعد از حالت دسته را فرونت می‌کند آجودان‌ها موافق قاعده از دسته مخبران مذکور بیدق‌ها را نظام می‌دهند و سرهنگان فرمان مرش می‌دهند فوج پنجم موافق قاعده‌ای که در حرکت پنجم یک فوج مذکور شد رفتار می‌کند سر دسته مخبران هر فوج بیدق سمت چپ که آخری باشد پاییده می‌رود و در نزد بیدق فرمان بازوی چپ پیش پیش داده حالت فرونت می‌کند باقی دسته‌ها از مخبران فوج خود تشتیوان شده نظام از چپ یکدیگر می‌گیرند فرمان تیر اندازی را از چپ می‌دهند.

حرکت نهم: فرمان سردار ستون باز چپ در پیش فرمان سرهنگان باطالیون طرف راست گرد هر دسته به چپ گرد زودمرش فرمان سردسته حالت نظام فرمان سردار دسته هفتم فوج چهارم چهار قدم دیگران شش قدم به راست گرد فرمان سرهنگ فوج مزبور موافق حرکت نهم می‌باشد سایر سرهنگان فرمان هر دسته شش قدم به راست گرد می‌دهند، بعد از اتمام گرد فوج سیم و دویم و اول حالت فرونت می‌کنند فرمان سردار تشتیوان بر دسته هفتم فوج چهارم فرمان و حرکت فوج مذکور مثل سابق است آجودان فوج

پنجم از بیدق آخر فوج چهارم فاصله را منظور نموده، سایر افواج از بیدق اول فوج مسطور به ترتیب بیدق‌ها را نظام و سرهنگان فرمان اخبار را داده بعد فرمان مرش می‌دهند در هنگام تعجیل به زودمرش می‌آیند سردسته بهادران فوج پنجم راست به پیش بیدق اول خود می‌آید و در آنجا بازوی راست پیش کرده بعد از راست شدن به تشتیوان حالت فرونت سائیرین به ترتیب از یکدیگر به همین قرار فرمان داده تشتیوان می‌شوند و سر دسته دستة مخبرانفوج سیم و دویم و اول به مقابل بیدق آخر خود می‌آیند و در پای بیدق به فرمان بازوی راست پیش تشتیوان می‌شوند اگر ضرورت داعی باشد که سردار حکم تیر اندازی بدهند از فوج چهارم می‌دهند و سایر افواج حکم به زود ترین مرش می‌کنند هر دسته که به تشتیوان حاضر شد موافق حکم عمل می‌کند.

حرکت دهم: فرمان سردار دستة مخبران فوج پنجم چهار قدم دیگران دو قدم به چپ گرد سرهنگ فوج مذکور به قرار سابق حکم می‌دهد سایر سرهنگان به قرار دو قدم فرمان می‌دهند فرمان سردار تشتیوان بر دستة مخبران فوج پنجم آجودانها بیدق‌ها را موافق اخبار با همدیگر نظام می‌دهند و سرهنگان فرمان اخبار داده بعد حکم مرش می‌دهند سردسته‌های مخبران به مقابل بیدق آخر فوج خود آمده به فرمان بازوی راست پیش تشتیوان می‌شوند حکم تیراندازی از چپ فوج به پنجم داده می‌شود.  
حرکت سیزدهم: فرمان سردار و سرهنگ و حرکت افواج به یک قرار است چنانکه در حرکت یک فوج تحریر یافت.

## فصل سیم

### در ذکر قواعد مختلف مرش و قلعه و ستون باز ساختن افواج

حرکت هفتم: مختلف مرش است به قراری که در یک فوج مذکور شد به هر قسم که سردار فرمان دهد هر فوج در سر جای خود مختلف مرش کرده رو به پشت می‌شوند اگر خواسته باشند که افواج با مختلف مرش تبدیل جا نمایند از مرکز موج سیم فرمان داده با دسته مختلف مرش می‌کنند به قراری که در قسم اول حرکت هفتم از بابت مشق‌های تازه تحریر یافته به عمل می‌آورند.  
حرکت ششم و چهاردهم: و سایر حرکاتی که قلعه ساخته می‌شود و به قرار حرکت یک فوج است تفاوتی که دارد این است که در وقت قلعه ساختن چند فوج مرکز در جای خود می‌ماند دویم و اول را به قدر سی قدم فاصله از همدیگر پیش مرش و فوج چهارم و پنجم را که فاصله سی قدم از همدیگر داشته باشند به عقب برده بعد از آن حکم قلعه می‌دهند.  
حرکت هشتم: به دو قسم است:

اگر سردار خواسته باشد که هر فوج یک ستون شود فرمان می‌دهد ستون باز در عقب مخبران هر فوج بساز سرهنگان فرمان را به قراری که در یک فوج تحریر یافت می‌دهند و اگر خواهد که همه افواج در یک ستون باشند فرمان می‌دهد ستون باز عقب مخبران فوج پنجم بساز سرهنگ فوج پنجم موافق حرکت یک فوج فرمان می‌دهد آجودانها بیدق‌ها را از عقب فوج پنجم از سمت راست دسته‌ها نظام می‌دهند و سرهنگان

سایر افواج فرمان طرف راستگرد و هر دسته به چپ گرد داده بعد به راست راست زودمرش کرده در عقب فوج پنجم ستون می‌شوند اگر به فوج‌های پیش فرمان مرش دادند به قراری که در حرکت یک فوج مذکور شد افواج از این قرار رفتار می‌کنند.

حرکت یازدهم: وقتی که افواج قطار می‌روند سردار فرمان می‌دهد ستون باز بساز سرهنگان فرمان می‌دهند دسته‌ها تن قطار همه دسته‌های افواج با تن قطار ستون باز می‌شوند اگر حرکت دیگر خواسته باشد می‌کند و الا هر وقت خواهد فرمان حالت و به چپ تشتیوان می‌دهد و اگر خواهد که افواج را به همدیگر پشتبند نمایند که تشتیوان فوج اول در پیش و سایر افواج در عقب او تشتیوان شوند سردار فرمان می‌دهد تشتیوان بر دسته‌های بهادران سرهنگان فرمان می‌دهند دسته بهادران در جا دیگر دسته‌ها دو قدم عقب به راست زودمرش سردسته‌ها حالت می‌کنند سرهنگان فرمان اخبار داده بعد فرمان مرش می‌دهند سردسته‌ها دسته را آورده با بازوی چپ پیش تشتیوان می‌کنند و سردار فوج پیش را فرمان جنگ می‌دهد اگر مشاهده آثار وهن نماید با حرکت پانزدهم هم فوج پیش را به عقب افواج می‌آورد فوج دویم مشغول جنگ می‌شود بعد از خسته شدن آن فوج به همین قرار پس می‌کشد و اگر امر دشمن را سست دید افواج را فرمان پیش مرش داده فوج دویم با حرکت شانزدهم هم از فوج پیش گذشته در فاصله که سردار مشخص کرده تشتیوان نموده مشغول جنگ می‌شود و فوج اول به عقب افواج می‌آید و فوج سیم در سر جای دویم مابقی از این قرار عمل می‌کنند هر قدر خواهد که افواج را پیش ببرد به این‌طور رفتار می‌کند.

## فصل چهارم

### در ذکر قواعد حرکات باطالیون به پیش و باطالیون به عقب

افواج اگر خواسته باشند که افواج با جوانب پیش بروند در وقت مرش فرمان سردار باطالیون به پیش با جوانب سرهنگان جانب چپ را حالت کرده جانب راست پیش می‌رود و به قرار حرکت آخر حرکت شانزدهم رفتار می‌کنند. اگر خواهند افواج با دسته پیش برود در وقت مرش فرمان سردار باطالیون به پیش بر دسته هر سرهنگ دسته‌های چپ را حالت کرده دسته‌های راست پیش می‌رود اگر خواهند که افواج با قطار پیش بروند فرمان سردار از راست هر دسته قطار به پیش مثل حرکت اول حرکت شانزدهم رفتار می‌کنند و اگر خواهند افواج را به عقب حرکت دهند آن را نیز به همین سه شق پس می‌برند.

## باب پنجم

### در بیان آداب و قواعد کوچ کردن و اردو انداختن

مشمول است بر دو فصل:

#### فصل اول

##### در ذکر آداب کوچیدن

لازم است که پیش از کوچ، حکم کوچیدن و وضع رفتن بانه و پیش قراول و پس قراول و قراول راست و چپ را از سرباز و سواره مشخص و چگونگی راه را به سرهنگان حالی نمایند. سرهنگان بانه پارا مشخص کرده به یک نفر صاحب منصب بسپارند و از هر دسته یک نفر وکیل یا سرجوقه در سر بانه هر دسته بگذارند و بانه هر فوج در یکجا باشد و پیش از طلوع صبح طبل کوچ را بزنند سرباز بار و بانه اش رازود جا به جا کرده آمده و مستعد باشد و قیل و قال نکنند طبل حاضر باش موافق قاعده که در فصل دویم باب سیم ذکر شد حاضر شوند آجودانها افواج را در ستون حاضر نموده، دستجات را با هم مقابل سازند و در وقت حرکت به ترتیبی که حکم کرده اند از این قرار رفتار نمایند در هنگام راه رفتن هرگز غفلت ننمایند و سرباز را مانند مشق در میدان یاور هنگام جنگ مستعد و آماده با نظام راه ببرند که به مجرد رسیدن خبر پیک فرمان افواج حاضر جنگ شوند دایم الاوقات سرباز باید به قاعده مشق رفتار نماید. در مقام احتیاط برای جنگ و در سایر وقت به جهت ترتیب و ترک نشدن عادت و صاحب منصبان بانه افواج هر یک بانه فوج خود را سر جمع کرده سربازان بانه پا نیز باید مستعد باشند، تفنگ را به روی بار نگذارند همیشه در دوش داشته باشند. اگر در عرض راه برای نهار و آب خوردن سرباز را نگاهدارند باید به ترتیب افواج را ستون کرده و تفنگ را چاتمه نموده قراول به سر تفنگ گذاشته و به اطراف قراول فرستاده بعد سرباز را مرخص کرده آب خورده و ظرفش را پر کرده نان خوردن و استراحت کردن را در پای تفنگ به عمل آورند و در حین رسیدن به جای اردو طبل زده هر فوج در پیش چادرش تفنگ را چاتمه کرده خودش آماده و مستعد باشد از هر دسته چند نفر آمده به بانه پا کمک کرده چادرها را بلند کنند، بعد از جابجا شدن قراول که اطمینان برسید سرباز را مرخص نمایند.

#### فصل دویم

##### در آداب اردو انداختن و چادر زدن

آجودانها در هنگام کوچ بعد از جابه جا نمودن فوج به اتفاق آجودان باشی پیش رفته در جایی که لشکر منزل خواهد نمود ملاحظه آنجا را کرده اگر مقام احتیاط است جایی که یک طرف یا دو طرفش محفوظ است مثل درّه یا کوه یا رودخانه یا مرداب ازین بابت موانع که آمدن دشمن از آن طرف مشکل و صعوبت داشته باشد و سرکوب و جنگل و باغات برکنار و نزدیک به آب است مشخص کرده به هر قسم که مقرون به صلاح و احتیاط است وضع چادر زدن را به آن قسم قرار داده، اول فاصله تشتیوان هر فوج را معین کرده، پشت قدم برای مرکز گذاشته مابقی فاصله را به دستجات تقسیم نموده که چادر سرباز را در آن فاصله به ترتیب دسته یا

گروهان که پشت چادرها به هم باشد در چادر یا چادرهای پیش، رو به رو و در پیش چادر هر دسته یا گروهان باید وسعت داشته باشد برای حاضرباش سرباز و چادرها را به قطار طرفین راست نمایند بعد از چادر سرباز به فاصله سی قدم در تنگی جا و مقام احتیاط از بیست قدم کمتر نباشد چادر نایبها، بعد از چادر نایب چادر سردسته‌ها بعد از آن چادر سرهنگ در مقابل مرکز یاور اول در عقب دسته بهادران یاور دویم در عقب چادر دسته مخبران با چادر سرهنگ در یک قطار می‌زنند چادر سایر مباشرین امر سرباز و بیگ زاده و غیره بیست قدم از چادر سرهنگ عقب تر در سمت راست و چپ می‌زنند در تنگی مکان اردو و مقرون به احتیاط فاصله میان چادر صاحب‌منصب نزدیک‌تر می‌باشد سوای نایب و سرباز به جهت این که در وقت جنگ اگر خواسته باشند فوجی را به کمک جای دیگر بفرستد باید از عقب چادر سرباز و پیش چادر نایب برود و مال و اسب سرباز در میان این دو چادر بسته شود و طبخ سرباز در آنجا باشد و هرگز مال و اوجاق طبخ باید در پیشرو میان چادر سرباز نباشد و در جای امن، چادر صاحب‌منصب را هر قدر دورتر بزنند بهتر است و در پیشروی چادر سرباز ملاحظه فاصله تشتیوان و حرکت فوج را باید نمود و هر روز یک نفر سرباز از هر چادر بنوبه وکیل اول خدمتکار مشخص کرده که در طبل صبح آن سربازان حاضر شده، میان چادرها راجاروب و هر چه کثافت دارد جمع کرده از اردو بیرون برده در دور دست از قراول پیش بریزند و تحویل داران افواج مباشر پاک نگاهداشتن اردو هستند هر روز باید سرکشی کرده، از قراول پیش تا قراول عقب میان اردو را پاک و پاکیزه سازند در هنگامی که اردو توقف خواهد کرد، برای هر دسته مبرزی از قراول پیش بیشتر از سنگ و کلوخ و چمن و بوته درست نمایند و پیش قراول هر فوج در پیش روی خودش بنا به مقتضای مکان اگر تلی یا درّه ای باشد که در تیر رسی اتفاق افتاده در آنجا می‌ایستند و شب‌ها آنچه قراول به راست و چپ و پیشروی پیش قراول باید برود، اگر در پیشروی اردو در نزدیکی یا در میان اردو تلی باشد توپ باید به آنجا بکشند و قورخانه را در همه اوقات به دقت هر چه تمام‌تر قراول گذاشته از دوست و دشمن محافظت باید کرد.

#### خاتمه

#### در ذکر بعضی از قواعد نظام

اول این که صاحبان منصب را در یکجا جمع کرده به اتفاق مشق و تعلیم بدهند و طبل و نی زن کل افواج هم به یک جا جمع شده با هم مشق بکنند.

دوم این که به هر فوج یک نفر مریض باشی تعیین نمایند که در هنگام حاضرباش سرباز برای تعلّم و مشق سربازهای مریض را حاضر کرده در پیش چادر یا میدان مشق هر یکی را به قدر قوه حرکت بدهد و راه ببرد مادام که سرباز مشغول مشق است مریض‌ها را هم مشغول سازند.

سیم این که هر روز وکیل اول هر دسته روزنامه‌چه جدولی یا به مهر و دسته را نوشته به آجودان فوج بدهد و آجودان روزنامه‌چه جدولی نوشته هر چه تعرضات در روزنامه‌چه هست به سرهنگ حالی کرده و به مهر سرهنگ پای روزنامه را مهر نموده به آجودان باشی روزنامه‌چه کل لشکر را نوشته به نظر اشرف اقدس همایون رساند و این همچنین سرهنگ گزیده یا صاحب‌منصب دیگر که نوبه قراول دارد، روزنامه‌چه قراول را با محبوسین و غیره در جدول نوشته بزرگ لشکر بدهد. تمت الکتاب بعون الله الملك الوهاب.